

A large, glowing yellow sphere with a gradient, set against a dark brown background with vertical lines. The sphere has a bright light source at its base, creating a lens flare effect. The text "eBayFarsi" is written across the sphere in a stylized font, with "eBay" in white and "Farsi" in pink.

eBayFarsi

بازارچه خرید و فروش کتاب و محصولات آموزشی ایبی فارسی

<http://eBayFarsi.com>

مجله آنلاین نقد و بررسی محصولات آموزشی ایبی فارسی

<http://mag.eBayFarsi.com>

<http://ebayfarsi.com>

مقدمه‌ی مولف

به نام حضرت دوست

استاد بزرگوار و ارجمندم

دوست عزیز دانش‌آموزم

سلام؛

پس از چندین سال تدریس درس عربی در دبیرستان‌های مختلف، نیاز شدید به کتابی که متناسب با ویژگی‌های جدید آزمون سراسری باشد مرا بر آن داشت که مجموعه سؤالاتی را که در طول سالیان از آن‌ها استفاده نموده‌ام و مورد استقبال دانش‌آموزان عزیزم نیز قرار گرفته است، به صورت مجموعه‌ای حاضر به شما تقدیم کنم.

همان‌طور که می‌دانید ۲۵ سؤال کنکور از سه بخش عمده تشکیل شده است:

- ۱- ترجمه، تعریب و مفهوم: ۸ سؤال از مجموع سؤالات (حدوداً ۳۰ درصد) به این بخش مربوط است. عبارتهایی که در آزمون استفاده می‌شود عیناً از کتاب درسی نیست، بلکه تغییر یافته‌ی جملات کتاب است که منبع مناسبی با این ویژگی در بازار کم‌تر وجود دارد. در این کتاب در هر درس تعدادی سؤال به منظور پاسخگویی به این نیاز آورده شده است.
- ۲- درک مطلب: ۹ سؤال از سؤالات کنکور به درک مطلب مربوط است. متنی ۴ یا ۵ خطی با موضوعات متنوع (و البته خارج از کتاب!) انتخاب شده و ۴ سؤال مفهوم متن، ۲ سؤال تشکیل (حرکت گذاری) و ۳ سؤال اعراب و تحلیل صرفی از آن طرح می‌گردد.
- ۳- قواعد: ۸ سؤال باقی‌مانده به سؤالات متنوع قواعد اختصاص می‌یابد.

اما کتاب حاضر:

اولاً تلاش کرده‌ام که سؤالات را به صورت درس به درس تفکیک نمایم. هرچند برخی سؤالات به موضوعات متنوع مربوط است. ثانیاً سؤالات شامل سؤالات تالیفی که در آزمون‌های مختلف استفاده گردیده و همچنین سؤالات آزمون‌های سراسری سال ۸۳ به بعد و سؤالات آزمون‌های آزمایشی سنجش از سال ۸۳ به بعد می‌باشد و دقیقاً منطبق با کتاب‌های جدید است. ثالثاً سؤالات دقیقاً در سه قالب مذکور تقسیم بندی شده است تا نقاط قوت و ضعف در هر بخش مشخص شود. پس از هر دو درس آزمونی جهت سنجش وضعیت قرار داده شده است. بهتر است این آزمون‌ها در وقت مشخص ۲۰ دقیقه‌ای پاسخ داده شود.

در ویرایش جدید کتاب، سؤالات کنکورهای خارج از کشور در انتهای کتاب آورده شده است که پیشنهاد می‌شود پس از اتمام دوره‌ی آموزشی به عنوان آزمون‌هایی استاندارد مورد استفاده قرار گیرند. همچنین با توجه به نظرات دبیران محترم، حدود ۳۰۰ تست آموزشی از مباحث سال اول و به صورت مبحثی در سایت انتشارات قرار گرفته است و برای دانش‌آموزان عزیز قابل استفاده می‌باشد. امیدوارم با کتاب حاضر گامی هر چند کوچک در جهت خدمت به فرزندان ایران اسلامی برداشته باشم.

کتاب حاضر را به پدر و مادر عزیزم که همواره مدیون زحمات ایشان خواهم بود و همسر گرانقدرم که حمایت‌هایش زمینه‌ی تألیف این کتاب را فراهم نمود تقدیم می‌کنم.

در پایان بر خود لازم می‌دانم از جناب استاد قشمی که زحمت ویرایش و بازخوانی کتاب را خالصانه بر عهده گرفتند، کمال تشکر را داشته باشم.

بی شک کتاب حاضر خالی از اشتباه و خطا نیست. بنابراین از همه‌ی بزرگواران درخواست می‌کنم که اشتباهات کتاب حاضر را به دفتر انتشارات منتقل فرمایند تا در چاپ‌های بعدی اصلاح گردد.

مقدمه‌ی ویرایش پنجم

به نام حضرت دوست

دوستان عزیز و بزرگوار

سلام؛

خوشحالم که توفیق حاصل شد چند کلامی با شما بزرگواران سخن بگویم.

تغییرات کتاب‌های درسی باعث شد ویرایش جدید کتاب ضروری گردد. در ویرایش جدید علاوه بر اعمال تغییرات کتاب‌های درسی و اصلاح سؤالات، چند بخشی به کتاب اضافه شده است:

۱- قسمت «اسئلة للمحترفين» (سؤالاتی برای حرفه‌ای‌ها): در هر درس بین ۲۰ تا ۲۵ سؤال از سؤالات زیبای مشابه کنکور (و البته کمی دشوار) در انتهای درس آمده است. تعداد زیادی از این سؤالات از آزمون «مدارس برتر ایران» انتخاب شده است که جا دارد از آقایان رحیمی و غلامی بابت آن‌ها تشکر و قدردانی نمایم.

دقت کنید که پاسخگویی به این تست‌ها را به همه‌ی عزیزان توصیه می‌کنم.

۲- خلاصه درس: در ابتدای هر درس خلاصه درس قرار گرفته است که امیدوارم برایتان قابل استفاده باشد.

لازم به ذکر است تعدادی از سؤالات در کتاب با علامت — به عنوان «برای مطالعه» مشخص شده‌اند. این سؤالات با وجود این که از کتاب درسی جدید حذف شده‌اند ولی به دلیل وجود نمونه‌هایی از آن‌ها در کتاب و زیبایی خود تست، از کتاب ما حذف نشده‌اند که پاسخگویی به آن‌ها را به شما توصیه می‌کنم. امیدوارم این تغییرات مقبول طبع بلندنظر شما قرار گیرد.

از این که بنده را از نظرات ارزشمند خود بهره‌مند می‌فرمایید بی‌نهایت سپاسگزارم.

ارادتمند همیشگی

مصطفی خاکبازان

سخنی با دانش آموزان عزیز

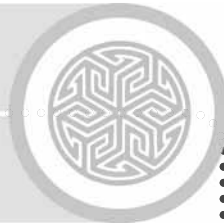
چگونه از این کتاب بهتر استفاده کنیم؟

- ۱- تست‌های هر بخش از هر درس چند قسمت دارد:
به عنوان نمونه، قسمت قواعد درس ۱ با تست‌های تألیفی آغاز می‌شود، بعد از آن تست‌های کنکور سراسری به ترتیب سال و سپس سؤالات آزمون‌های آزمایشی سنجش و پس از آن چند تست تألیفی کمی دشوارتر قرار گرفته است.
- ۲- اگر فرصت کافی در اختیار دارید حتماً تمامی تست‌ها را به طور کامل پاسخ دهید و از مطالعه‌ی پاسخ‌های تشریحی نیز غافل نشوید. ترجیحاً سؤالات را به ترتیب کتاب پاسخ دهید، زیرا تست‌های تألیفی باعث تسلط کامل شما بر کتاب درسی می‌شوند و آماده‌ی پاسخگویی به تست‌های کنکور و سنجش خواهید شد.
- ۳- اگر زمان کمی در اختیار دارید، اولویت با تست‌های کنکور و سنجش است. [البته اگر فرصت خیلی کمی دارید سؤالات کنکور سراسری را در بخش ترجمه و قواعد حتماً پاسخ دهید].
- ۴- یکی از مزایای کتابی که در اختیار دارید وجود تست‌های ترجمه به صورت درس به درس است. حتماً زدن تست‌های ترجمه‌ی هر درس به ویژه تست‌های کنکور و سنجش آن را مدّ نظر قرار دهید.
- ۵- کتاب‌های دیگری که از درس عربی توسط نشر الگو به چاپ رسیده‌اند به شرح زیر می‌توانند یاری‌رسان شما باشند:
- کتاب‌های عربی ۲ و عربی ۳ آموزش که در آن ضمن آموزش کامل قواعد، اعراب تک تک کلمات کتاب درسی مشخص شده است.
- کتاب درک مطلب عربی کنکور که ضمن آموزش نحوه‌ی پاسخگویی به سؤالات درک مطلب، بیش از ۱۴۰ متن کنکوری، سنجشی و تألیفی در آن آمده است که برای تمرین و پاسخگویی به هر ۹ سؤال درک مطلب مناسب است.
- کتاب جمع‌بندی عربی کنکور که ضمن مرور خلاصه‌ی دروس، بیش از ۵۰ آزمون تألیفی به صورت مبحثی و جامع کنکور در آن آورده شده است.
- ۶- لازم به تذکر است که حتماً نظرات دبیران ارزشمند شما درباره‌ی نحوه‌ی استفاده از کتاب (با توجه به شناخت بیش‌تر از شما) صائب است و بر تذکرات اینجانب اولویت دارد.

ارادتمند همیشگی
مصطفی خاکبازان

فهرست

● دوره‌ی قواعد عربی ۱	۲	● عربی ۳	۳
● عربی ۲			
درس اول (معرفه و نکره)	۱۲	درس اول (اعلال مثال و اجوف)	۱۹۰
درس دوم (اعراب فرعی - مثنی - جمع مذکر سالم - اسماء		درس دوم (اعلال ناقص)	۲۰۹
خمسه)	۲۳	آزمون درس ۱ و ۲	۲۳۳
آزمون درس ۱ و ۲	۳۳	درس سوم (مفعول مطلق و مفعول فیه)	۲۳۶
درس سوم (اعراب فرعی - جمع مؤنث سالم - غیر		درس چهارم (حال)	۲۵۹
منصرف)	۳۶	آزمون درس ۳ و ۴	۲۸۰
درس چهارم (اعراب محلی و تقدیری)	۵۰	درس پنجم (تمییز)	۲۸۳
آزمون درس ۳ و ۴	۶۷	درس ششم (استثناء)	۳۰۴
درس پنجم (وصف و اضافه)	۷۰	درس هفتم (منادا)	۳۲۸
درس ششم (مضارع مرفوع و منصوب)	۸۷	آزمون درس ۵، ۶ و ۷	۳۵۴
آزمون درس ۵ و ۶	۱۰۲	● پاسخ‌های تشریحی	۳۵۸
درس هفتم (مضارع مجزوم)	۱۰۵	● ضمیمه «کنکورهای خارج از کشور»	
درس هشتم (معلوم و مجهول)	۱۲۲	پرسش‌های چهارگزینه‌ای	۵۰۰
آزمون درس ۷ و ۸	۱۳۸	پاسخ‌نامه‌ی کلیدی	۵۲۴
درس نهم (افعال ناقصه)	۱۴۱	● کنکور سراسری ۹۳	۵۲۵
درس دهم (حروف مشبیه - لای نفی جنس)	۱۶۲		
آزمون درس ۹ و ۱۰	۱۸۶		



درس هفتم (مضارع مجزوم)



پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس هفتم



ترجمه

عَيْنِ الْاَصَحِّ وَالادَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلترجمة أو التعريب أو المفهوم للأسئلة رقم ۹۸۷ حتى رقم ۱۰۴۸:

۹۸۷- ما هو الخطأ؟

- (۱) «لا يشرك بعبادة ربّه أحدًا»: انسان برای عبادت پروردگارش احدی را شریک قرار نمی‌دهد.
- (۲) «التلاميذ لم يقصّروا في أداء واجبه»: دانش‌آموزان در انجام تکلیفشان کوتاهی نکردند.
- (۳) «لنساعدَ مظلومی العالم»: باید به مظلومان عالم کمک کنیم.
- (۴) «أمر الله المسلمين أن يتعاونوا على البرّ والتقوى»: خداوند به مسلمانان امر نمود که در نیکی و پرهیزگاری همکاری کنند.

۹۸۸- «وَمَا تَقْدُمُوا لِنَفْسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ، تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ»:

- (۱) و هر خیر و خوبی که برای خود تقدیم نمی‌کنید، نزد خدا آن را نمی‌یابید.
- (۲) و هر نیکی که از پیش برای خود تقدیم کنید، آن را نزد خدا می‌یابند.
- (۳) و هر نیکی و خیری را که پیشاپیش برای خود بفرستید، نزد خدا آن را می‌یابید.
- (۴) و چه چیزی از خیر و نیکی برای خودتان تقدیم می‌کنید تا آن را نزد خدا بیابید.

۹۸۹- عَيْنِ الصَّحِيح:

- (۱) «لَا يُؤَيِّدُ كَلَامُ مُحَمَّدٍ!»: سخن محمد را تأیید نمی‌کند!
- (۲) «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»: اگر خدا را یاری کنید، خدا آن‌ها را یاری می‌کند.
- (۳) «هُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ»: آن در هر زمان جدیدی وجود دارد.
- (۴) «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ»: پس باید صاحب این خانه را عبادت کنند.

۹۹۰- «باید به مظلومان جهان کمک کنیم»:

- (۱) لِنُساعدَ مظلومی العالم. (۲) لِنُساعدَ مظلومين العالم. (۳) يَجِبُ أَنْ نُساعدَ مظلومين العالم. (۴) لِنُساعدَ مظلومو العالم.

۹۹۱- عَيْنِ الصَّحِيح:

- (۱) «لَيْتَ الْانسان يعرف قيمة الوقت لأنه أغلى شيء في الوجود»: شاید ارزش وقت را انسان بداند که آن گران‌ب‌ه‌ترین چیزها در هستی است.
- (۲) «أنّ الاعداء سوف ينحون أمام صمود الشعب الفلسطيني»: دشمنان در مقابل پایداری ملت فلسطین سر تسلیم فرود خواهند آورد.
- (۳) «هو يسعى من أجل النجاح في دروسه»: او به‌خاطر موفقیت در درس‌ها باید تلاش کند.
- (۴) «نُنْظِرُ الى السماء كيف زينت بزينة الكواكب»: آسمان را نظاره کن به چه وسیله آن را با ستاره‌ها آراسته‌اند.

۹۹۲- «قَالَتِ الْأَعْرَابُ: آمَنَّا. قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا، وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا»:

- (۱) اعراب گفتند: ایمان بیاورید. بگو ایمان نمی‌آورید، بلکه بگویید: اسلام می‌آوریم.
 - (۲) اعراب گفتند: ایمان آوردیم. بگو ایمان نیاورید، بلکه بگویید: اسلام آوردیم.
 - (۳) اعراب گفتند: ایمان آوردیم. بگو ایمان نخواهید آورد، بلکه بگویید: اسلام می‌آوریم.
 - (۴) اعراب گفتند: ایمان می‌آوریم. بگو ایمان نمی‌آورید، بلکه بگویید: اسلام آوردیم.
- ۹۹۳- «معلمان ما باید درباره‌ی زبان عربی بیش‌تر با دانش‌آموزان سخن بگویند تا آنان به اهمیت این زبان پی ببرند»:

- (۱) يجب على المعلمين التكلّم حول اللغة العربيّة مع التلميذ بكثير لفهم اهمية هذه اللغة.
- (۲) ليتكلّم المعلمين حول اللغة العربيّة مع تلاميذ هم أكثر، ليعرفوا اهمية هذا اللغة.
- (۳) مُعلّموننا يجب عليهم ان يتكلّموا مع تلاميذ هم باللغة العربيّة كثيراً، حتى يفهم اهمية هذه اللغة.
- (۴) يجب على معلمينا ان يتكلّموا أكثر مع التلاميذ حول اللغة العربيّة ليفهموا اهمية هذه اللغة.

۹۹۴- «لِيَعْلَمِ الْعَرَاءُ أَنَّنَا صامدون وَ نَصُبُّ الْحِجارَ عَلَيْهِمِ مِنْ كُلِّ صَوْبٍ»:

- (۱) غارت‌کنندگان متجاوز باید بدانند که همانا مقاومت می‌کنیم و در تمامی شرایط بر آن‌ها سنگ پرتاب می‌کنیم.
- (۲) مهاجمان اشغال‌گر باید بدانند که ما پایداریم و از هر سمتی بر آن‌ها سنگ می‌ریزیم.
- (۳) تا اشغال‌گران بدانند که ما مقاوم هستیم و از هر طرف بر آن‌ها سنگ می‌اندازیم.
- (۴) برای این که غارت‌کنندگان بدانند که ما پایدار هستیم و از هر جهتی بر رویشان سنگ می‌افکنیم.

۹۹۵- عَيْنَ الصَّحِيح:

- (۱) «القرآن عند كل قوم غَضٌّ»: قرآن، نزد هر قومی تازه است.
 (۲) «لم يشاهد في الجنة من شبه شمساً»: کسی شبیه شمس را در بهشت ندید.
 (۳) «من طلب الغلى سهر الليالي!»: هر کس جویای بزرگی باشد، شب‌ها بیداری می‌کشد!
 (۴) «أيها المكار! لقد أتلَفَ مالي»: ای حيله‌گر! مالم را تلف کردی.

۹۹۶- «هر کس کار خیر انجام دهد، از آن سود می‌برد»:

- (۱) مَنْ عَمِلَ الْخَيْرِ انْتَفَعَ بِهِ. (۲) مَنْ يَعْمَلُ الْخَيْرَ يَنْتَفِعْ بِهِ. (۳) مَنْ يَعْمَلُ الْخَيْرَ يَنْتَفِعْ بِهِ. (۴) مَنْ يَعْمَلُ الْخَيْرَ يَنْتَفِعْ بِهِ.

۹۹۷- «هر نیکی و خیری که پیشاپیش برای خود بفرستید، آن را نزد خدا می‌یابید»:

- (۱) مَا تَقَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ. (۲) مَا تَقَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ وَجَدْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ.
 (۳) مَا قَدَّمْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُونَهُ عِنْدَ اللَّهِ. (۴) مَا تَقَدَّمْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُونَ عِنْدَ اللَّهِ.

۹۹۸- «هر کس قبل از سخن گفتن اندیشه کند، از اشتباه در امان می‌ماند»:

- (۱) مَنْ تَأَمَّلَ قَبْلَ الْكَلَامِ سَلِمَ مِنَ الْخَطَا. (۲) مَنْ يَتَأَمَّلُ قَبْلَ الْكَلَامِ يَسْلَمُ مِنَ الْخَطَا.
 (۳) مَنْ يَتَأَمَّلُ قَبْلَ الْكَلَامِ يَسْلَمُ مِنَ الْخَطَا. (۴) مَنْ تَأَمَّلَ قَبْلَ الْكَلَامِ سَلِمَ مِنَ الْخَطَا.

۹۹۹- «این دانش‌آموزان لحظه‌ای در انجام تکالیفشان کوتاهی نکردند»:

- (۱) هَؤُلَاءِ طُلَّابٌ لَمْ يَهْمِلُوا فِي أَدَاءِ وَاجِبَاتِهِمْ لَحْظَةً. (۲) هَؤُلَاءِ الطُّلَّابُ مَا أَهْمَلُوا فِي الْأَدَاءِ وَاجِبَاتِهِمْ لَحْظَةً.
 (۳) هَؤُلَاءِ الطُّلَّابَاتُ لَمْ يَهْمِلْنَ فِي أَدَاءِ وَاجِبَاتِهِنَّ لَحْظَةً. (۴) هَؤُلَاءِ طَالِبَاتٌ مَا أَهْمَلْنَ فِي أَدَاءِ وَاجِبَاتِهِنَّ لَحْظَةً.

۱۰۰۰- «لیجعل الانسان جهد هذا الحيوان الصغير نصب اعينه»:

- (۱) انسان تلاش این حیوان کوچک را مورد توجه قرار می‌دهد. (۲) باید انسان تلاش کوچک این حیوان را در مقابل چشمش قرار دهد.
 (۳) انسان باید تلاش این حیوان کوچک را در برابر چشمانش قرار دهد. (۴) انسان باید تلاش این حیوان را در برابر چشمان کوچکش قرار دهد.

۱۰۰۱- «مَنْ يَتَأَمَّلُ قَبْلَ الْكَلَامِ يَسْلَمُ مِنَ الْخَطَا». مفهوم العبارة هو:

- (۱) فکر جيداً قبل أن تتحدث لتحفظ نفسك من الخطأ. (۲) لا تقل شيئاً حتى لا يعرف الناس خطأك.
 (۳) التَّكَلُّمُ عَنْ خَطَا الْآخَرِينَ لَيْسَ صَحِيحاً. (۴) إن تنطق قبل السلام لا تحصل على النجاح.

۱۰۰۲- عَيْنَ الْخَطَا:

- (۱) «صَبَّ الْمَسْلُومُونَ الْحَجَارَةَ عَلَى الْأَعْدَاءِ الَّذِينَ كَانُوا قَدْ دَخَلُوا الْمَدِينَةَ»: مسلمانان بر دشمنانی که وارد شهر شده بودند، سنگ افکندند.
 (۲) «مُلِثْتُ مِنَ الْمَاءِ الْقُرْبَةَ الَّتِي كَانَتْ فِي الْمَرْعَةِ أَمْسٍ»: کوزه‌ای که در مزرعه بود، دیروز پر از آب شد.
 (۳) «قَدْ غُلِقَتْ قَلَادَةٌ عَلَى عِقِ الْقِطْعَةِ الَّتِي تَرَكُضُ فِي السَّاحَةِ»: بر گردن گریه‌ای که در راهرو می‌دود، گردن‌بند آویزان کرده است.
 (۴) «هَذَمَ الطِّفْلُ الْيَوْمَ الْعُشَّ الَّذِي قَدْ تَرَكْتَهُ الْعَصْفُورَةَ»: کودک، امروز لانه‌ای را که گنجشک آن را ترک کرده است، ویران کرد.

۱۰۰۳- «مؤمنان نباید کافران را سرپرست قرار دهند»:

- (۱) لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ. (۲) لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ.
 (۳) لَا تَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ. (۴) لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ.

۱۰۰۴- «العالم يقوم بالعمل و لن يستطيع أحد أن يفرَّ من هذه السُّنَّةِ الإلهية، أنت أيضاً إن تدرکها تفز!»:

- (۱) دنیا با کار و فعالیت اداره می‌شود، و هیچ‌کس از این سنت خدایی فرار نخواهد کرد، تو نیز چنانچه آن را درک کنی پیروز می‌شوی!
 (۲) عالم بر کار برپاست، و هیچ‌کس نخواهد توانست از این سنت الهی رهایی یابد، تو نیز اگر آن را درک کنی رستگار می‌شوی!
 (۳) هستی قائم بر کار است و احدی نتوانسته است از این قانون الهی نجات یابد، و تو نیز اگر درکش کردی پیروز خواهی شد!
 (۴) جهان بر پایه‌ی کار استوار است، احدی نمی‌تواند از آن رهایی یابد، البته اگر تو آن را بفهمی رستگار خواهی شد!

(سراسری - تجربی - ۹۱)

۱۰۰۵- «مَنْ جَدَّ وَجَد!» عَيْنَ الْخَطَا فِي الْمَفْهُوم:

- (۱) مَنْ يَجِدُ مَثَقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ! (۲) تا شب نروی روز به منزل نرسی!
 (۳) مَنْ طَلَبَ الْغُلَى سَهَرَ اللَّيَالِي! (۴) نیابد مراد آن‌که جوینده نیست!

(سراسری - انسانی - ۹۱)

۱۰۰۶- «لنحارب الأفكار السيئة والمزعجة دائماً حتى تبترسم لنا الحياة!»:

- (۱) باید با افکار بد و ناراحت‌کننده پیوسته بجنگیم تا زندگی به ما لبخند بزند!
 (۲) همیشه افکار منفی و ناامید کننده با ما می‌جنگند تا نتوانیم به زندگی لبخند بزنیم!
 (۳) برای جنگیدن دائمی با افکار منفی و ناامید کننده می‌کوشیم و زندگی به ما لبخند می‌زند!
 (۴) برای این‌که زندگی به ما لبخند بزند باید دائم افکار منفی و ناراحت کننده را از خود دور کنیم!

۱۰۰۷- «این معجزه‌ی قرآن است که تا روز قیامت در هر زمان و برای هر اُمّتی جدید و تازه است!» عین الصّحیح: (سراسری - هنر - ۹۱)

(۱) هذه معجزة قرآنية أنّ القرآن إلى اليوم القيامة حديث في كلّ زمان و طرئ لكلّ قوم!

(۲) هذه معجزة قرآنية كأنّ هو حتّى القيامة حديث و طرئ لكلّ زمن و لكلّ قوم!

(۳) هذه معجزة القرآن أنّه في كلّ زمان و لكلّ أمة جديد و غصّ إلى يوم القيامة!

(۴) هذه المعجزة للقرآن كأنّه جديد لكلّ زمن و هو غصّ لكلّ أمة حتّى القيامة!

۱۰۰۸- «من يعمل لغير الله، يرّد الله اموره الى من عمل له!»:

(۱) هر کس برای غیر خدا کار کند، خداوند امور او را به همان کسی که برای او کار کرده بر می‌گرداند!

(۲) کسانی که برای غیر خدا کاری انجام دهند، خداوند امورشان را به همان‌ها واگذار می‌کند!

(۳) اگر کسی کاری برای غیر خدا انجام دهد، خداوند هم کار وی را به عهده‌ی او می‌گذارد!

(۴) آن‌کس که برای غیر خدا کار کند، نتیجه‌ی کارش را نیز به او واگذار می‌کند!

۱۰۰۹- عین الخطأ:

(۱) من ترک الحسد زادت محبته عند الناس! هر کس حسادت را ترک کند محبتش در میان مردم افزون می‌شود!

(۲) من لا يبصر عيب أعماله يشتغل بعيب غيره! کسی که نقص اعمال خود را نمی‌بیند به عیب دیگران مشغول می‌شود!

(۳) من ينسّ خطيئته يعدّ عيب الناس عظيماً! کسی که خطای خود را فراموش کند خطاهای دیگران برایش بزرگ می‌شود!

(۴) من تفكّر في الأمور فيصبح ذا شأن عظيم عند الناس! هر کس در کارها بیندیشد، در میان مردم دارای جایگاه والایی می‌شود!

۱۰۱۰- عین الصّحیح:

(۱) پزشک معالج خانواده‌ی ما سال پنجم را در خارج از کشور گذرانده است! قد قضی طبیب أَسْرَتنا المعالج السنة الخامسة خارج البلد!

(۲) مطالب این فصل کتاب مستلزم آنست که برای فهمیدن آن‌ها شب‌زنده‌داری شود! تستلزم مواضع الفصل من هذا الكتاب أن تسهر اللَّيالي لفهمها!

(۳) مطالعات دانشمندان در زمینه‌ی پیدایش هستی به نتیجه‌ی دقیقی نرسیده است! لم يتوصّل الدراسات العلماء في مجال نشأة الكون إلى نتيجة مقبولة!

(۴) اشعار جدید این شاعر پیچیدگی‌های بسیاری دارد که جز با تأمل بسیار روشن نمی‌شود! لأشعار هذا الشاعر الجديد معقّدة متعدّدة لا يفهم إلاّ بتأمّل كثير!

۱۰۱۱- «من يطع الله في جميع الأحوال، يصلح الله له أمر دنياه أيضاً!»:

(۱) هر کس خدا را در هر حال مطیع باشد خدا نیز کارهای او را در دنیایش سامان می‌دهد!

(۲) آن کس که در همه‌ی حالات مطیع خدا باشد، قطعاً در دنیا کارش را اصلاح می‌کند!

(۳) کسی که در هر حالی خدا را اطاعت کند، خداوند کارهای او را در دنیا اصلاح می‌کند!

(۴) هر که در همه‌ی احوال از خدا اطاعت کند، خدا هم کار دنیای او را سامان می‌دهد!

۱۰۱۲- «يجب أن ننظر في عيوب أنفسنا حتّى نغفل عن عيوب الآخرين، لأنّ من ينظر في عيوب النَّاس ينس عيوب نفسه!»: (سراسری - تجربی - ۸۹)

(۱) فقط باید عیوب خود را ببینیم زیرا اگر به عیوب مردم نگاه کنیم قطعاً عیب‌های خود را فراموش می‌کنیم!

(۲) نگرستن در عیوب خود غفلت از عیب‌های دیگران است، زیرا کسی که عیوب مردم را نگاه می‌کند خود را فراموش کرده است!

(۳) باید در عیب‌های خود بنگریم تا از عیب‌های دیگران غافل شویم، زیرا هر کس در عیب‌های مردم بنگرد عیب‌های خود را فراموش می‌کند!

(۴) لازم است در عیب‌های خود بنگریم تا این‌که از عیب‌های دیگران غافل شویم، زیرا نگاه کردن در عیب‌های مردم فراموش کردن عیب خود است!

۱۰۱۳- عین الخطأ:

(۱) «أترك الكسل اليوم لكي تتقدّم غدًا!»: اگر تنبلی امروز را ترک کردی فردا پیشرفت می‌کنی!

(۲) «لا تعجل في أن تحصي عيوب النَّاس، أيّها الفتى!»: ای جوان، در شمردن عیب‌های مردم عجله مکن!

(۳) «اصبر على مرارة الحقّ لتذوق حلاوة عاقبته!»: بر دشواری حق صبر کن تا شیرینی عاقبت آن را بجشی!

(۴) «لا حجاب أظلم من جهل الإنسان ربّه!»: هیچ حجابی تاریک‌تر از جهل انسان نسبت به خدای خود نیست!

۱۰۱۴- «إنّ المتّقی هو الَّذی إذا نَزَلَ البلاء عليه اعتبره رخاءً!»:

(۱) هرگاه سختی و رنجی بر انسان پرهیزگار وارد شد با آن چون راحتی برخورد می‌کند!

(۲) این متقی است که آمدن بلا در نظرش همچون فرود آمدن آسایش و راحتی است!

(۳) بی‌شک کسی که مصیبت و بلا را چون آسایش پندارد پرهیزگار و متقی است!

(۴) باتقوا کسی است که هرگاه مصیبت بر او نازل شود آن را آسودگی به‌شمار آورد!

(سراسری - هنر - ۸۹)

- ۱۰۱۵- «لا تتركوا شيئاً من أمر دينكم لإصلاح دنياكم، فَإِنَّ الله يفتح عليكم ما هو أضرّ منه!»: (سراسری- زبان- ۸۸)
- ۱) نباید دین را به خاطر اصلاح دنیای خود ترک کرد، زیرا باب آن چه که از آن ضریبخش تر است بر شما باز می شود!
 - ۲) آن چه از امور دینی است برای اصلاح دنیاتان نباید رها شود، زیرا خداوند چیزی را بر شما می گشاید که از آن زیانبارتر است!
 - ۳) چیزی از امر دینتان را به خاطر اصلاح دنیای خود ترک نکنید، که خدا آن چه را که ضررش از آن بیش تر است بر شما می گشاید!
 - ۴) امری از امور دینتان را به خاطر امور دنیا رها نکنید، زیرا چیزهایی به شما روی می آورند که زبان آن ها بیش تر است!
- ۱۰۱۶- «کسانی که دیگران را در همه ی سختی ها کمک می کنند، نعمت و رحمت خداوند به سوی آنان روانه خواهد شد!»: (سراسری- زبان- ۸۸)
- ۱) من یساعدوا الآخرين فی کلّ شدائد، تندفع نعمة و رحمة الله علیهم!
 - ۲) من ساعدوا لغيرهم فی کلّ المشاكل، اندفعت إلیهم نعمة و رحمة الله!
 - ۳) اللاتی تساعدن غیرهنّ فی کلّ المشاكل سیدفع نعمة و رحمة الله إلیهم!
 - ۴) الذین یساعدون الآخرين فی کلّ الشدائد ستندفع إلیهم نعمة الله و رحمته!
- ۱۰۱۷- «ما برای رسیدن به اهداف خود باید تلاش دانشمندان بزرگ را مورد توجه قرار دهیم!» عَیْنُ الْخَطَأِ: (سراسری- ریاضی- ۸۷)
- ۱) للحصول علی أهدافنا علینا أن نهتمّ بعلماء الکبار!
 - ۲) لنجعل جهد العلماء الکبار نصب أعیننا للوصول إلی أهدافنا!
 - ۳) یلزم علینا بالاهتمام بأهدافنا للوصول إلی اجتهاد العلماء العظام!
 - ۴) للتوصل إلی أهدافنا یجب علینا أن نجعل اجتهاد العلماء العظام نصب أعیننا!
- ۱۰۱۸- عَیْنُ الصَّحیح: (سراسری- انسانی- ۸۷)
- ۱) «إحذر أن تضیع حقّ الیتیم!»: از پایمال کردن حق یتیم حذر کن!
 - ۲) «أنفقوا من مالکم و لو کان قلیلاً!»: مالتان را اگر چه کم باشد انفاق کنید!
 - ۳) «إنّ قلب المؤمن فی الجنان و جسمه فی الدنیا!»: قلب مؤمن در بهشت خواهد بود و بی شک بدن او در دنیا!
 - ۴) «إن لم یُنَجّ المرء من الشیطان، فاجتنب منه!»: اگر انسان نتواند از شیطان نجات یابد، از او دور شو!
- ۱۰۱۹- «هر کس بکوشد برای خود می کوشد، چه خداوند از کوشش او بی نیاز است!» عَیْنُ الْخَطَأِ: مَن (سراسری- هنر- ۸۷)
- ۱) تجتهد فلنفسها تجتهد فإن الله مستغن عن اجتهادها!
 - ۲) سعی فلنفسه سعی فإن الله مستغن عن سعيه!
 - ۳) سعت فلنفسه يسعى لأن الله غنی عن سعيها!
 - ۴) جهد فلنفسه جهد، لأنّ الله غنی عن جهده!
- ۱۰۲۰- «غزاة لئن قتلوا وردنا / فلن یقتلوا الحلم فی الیاسمین!» المقصود من البیت: (سراسری- زبان- ۸۶)
- ۱) بالهذم و التخریب لا یقدر العدو أن یغصب مدناً و حدائقنا!
 - ۲) الأمهات بموت أزواجهنّ لا یتعبن و لا یرکزن الصبر و الاستقامة!
 - ۳) إن قام العدو یقتل أعزّائنا فلن یقدر علی إدخال حالة الأمن و السّلام فی قلوب شعبنا!
 - ۴) یقتل شبابنا و أطفالنا لا یستطیع العدو أن یسیطر علینا و یُخرج الأمل من قلوب جیلنا!
- ۱۰۲۱- «زبان عربی کلید گنج فرهنگ اسلامی است، هر کس آن را یاد بگیرد، می یابدش!» اللّغة العربیة ... (سراسری- هنر- ۸۶)
- ۱) هو المفتاح لکنز ثقافة الإسلامی کلّ من علّمه یجده!
 - ۲) هی مفتاح لکنز الثقافة الإسلامیة من یتعلّمه یجدها!
 - ۳) مفتاح الكنز لثقافة الإسلامی من علّمها وجدها!
 - ۴) مفتاح کنز الثقافة الإسلامیة من تعلّمها وجده!
- ۱۰۲۲- عَیْنُ الصَّحیح: (سراسری- ریاضی- ۸۵)
- ۱) «إنّ کنتم فی صراط مستقیم یمهدکم الله فی حیاتکم!»: اگر به راه مستقیم بودید خداوند در زندگی شما را هدایت می کند!
 - ۲) «شاهدتک ضاحکاً أمس و قد کان وجهک مستبشراً!»: دیروز تو را خندان دیدم در حالی که چهرهات شاد و خوشحال بود!
 - ۳) «الله غنی لا یفتقر و هو صاحب الجود!»: خداوند آن بی نیازی است که نیازمند نمی گردد و او دارای بخشش بوده است!
 - ۴) «کن صادقاً و لا تخلف وعدک فتتخلّص من الخطأ!»: در وعدهات صادق باش در نتیجه از خطاها رهایی خواهی یافت!
- ۱۰۲۳- «کودکان در فلسطین از هر طرف بر غاصبان سنگ پرتاب می کنند!»: (سراسری- ریاضی- ۸۳)
- ۱) کان المسلمون الفلسطینیین یصوّون الحجر من کلّ أطراف علی الغاصبین!
 - ۲) الحجارة تُصب من الأطفال علی الأعداء فی فلسطین من کل جهة!
 - ۳) الأولاد فی أرض فلسطین یصب الأحجار من کل جانب علی الغاصبین!
 - ۴) إنّ الأطفال فی فلسطین یرمون الحجر علی الغاصبین من کل صوب!
- ۱۰۲۴- «هر کس با حقیقت زندگی آشنا گردد، عمر خود را در دنیا تباه نمی سازد!»: (سراسری- تجربی- ۸۳)
- ۱) لن یضیع العمر فی دنياه، من عرف الحقیقة الحیة!
 - ۲) من عرف حقیقة حیاته، لم یضیع العمر فی الدنیا!
 - ۳) من تعرّف علی حقیقة الحیة، لا یضیع عمره فی الدنیا!
 - ۴) لا یضیع عمره فی الدنیا، من تعرّف علی الحقیقه فی الحیة!

- ۱۰۲۵- «مَنْ طَلَبَ الْعُلَى سَهَرَ اللَّيَالِي!» مفهوم العبارة:
 (۱) للحصول على العلوّ يجب الكدّ والعناء في الليل فقط!
 (۲) اكتساب الدرجات العالية إنّما هو بقدر الكدّ!
 (۳) ثمرة السهر في الليل اكتساب الدرجات في الآخرة!
 (۴) لا يمكن الوصول إلى العزّة إلاّ بالابتعاد عن النوم!
 (آزمایشی سنجش - ۸۳)
- ۱۰۲۶- «لا تحسب المجد تمرّاً أنت آكله / لن تبلغ المجد حتى تلعق الصبرا!» عَيْنُ الْخَطَا فِي مَفْهُومِ الْبَيْتِ:
 (۱) بقدر الكدّ تكسب المعالي!
 (۲) النجاح في الاجتهاد لا في التكاسل!
 (۳) إن تجتهد في أعمالك تنجح!
 (۴) في التّأني السلامة و في العجلة الندامة!
 (آزمایشی سنجش - ۸۸)
- ۱۰۲۷- «من يعرف قدر العلم يبذل ما عنده حتى يحصل عليه»:
 (۱) هر کس قدر علم را بشناسد هر چه دارد می دهد تا آن را به دست آورد!
 (۲) هر کس علم داشته باشد برای به دست آوردن دانش هر چه دارد می دهد!
 (۳) کسی که ارزش علم را نشناخت هر چه را نزدش بود می دهد تا به آن برسد!
 (۴) کسی که عالم باشد هر چه نزد خود دارد در راه رسیدن به دانش خرج می کند!
 (آزمایشی سنجش - ۸۸)
- ۱۰۲۸- «فَهَمِ الطَّلِبَةُ أَهَمِّيَّةَ الدَّرَاسَةِ وَ غَيِّرُوا نَظَرَتَهُمْ حَوْلَ التَّعَلُّمِ»: دانش آموزان ...
 (۱) متوجه شدند درس خواندن اهمیت زیادی دارد و دیدگاهشان را در زمینه‌ی آموزش تغییر دادند!
 (۲) آن چنان ارزش تحصیل را فهمیدند که نظریات آن‌ها درباره‌ی یادگرفتن عوض شد!
 (۳) اهمیت درس خواندن را درک کرده دیدگاهشان را درباره‌ی یادگیری تغییر دادند!
 (۴) به ارزش تحصیل پی برده نظرشان حول محور آموزش دگرگون شد!
 (آزمایشی سنجش - ۸۸)
- ۱۰۲۹- «ما يجمع الإنسان في الدنيا يجد ثمرته في الآخرة، و في الدنيا أيضاً»:
 (۱) آن چه را که انسان در دنیا جمع کند ثمره‌ی آن را در آخرت و نیز در دنیا می یابد!
 (۲) انسان در دنیا آن چه را جمع می کند میوه‌ی آن را هم در دنیا و هم در آخرت یافته است!
 (۳) انسان هر چه را در دنیا جمع می کند محصولش را در آخرت و همچنین در دنیا یافته است!
 (۴) هر چه را انسان در دنیا جمع نمی کند عوض آن را هم در دنیا و هم در آخرت خواهد یافت!
 (آزمایشی سنجش - ۸۸)
- ۱۰۳۰- عَيْنُ مَا يَخْتَلِفُ عَنِ الْبَاقِي فِي الْمَفْهُومِ:
 (۱) لا تحصلوا على الراحة حتّى تتعلّموا!
 (۲) ما تفعلوا من خير يعلمه الله!
 (۳) بلادنا لن تبلغ المجد إلاّ بالتعلّم!
 (۴) بالعلم والعمل تتقدّم الأمم!
 (آزمایشی سنجش - ۸۸)
- ۱۰۳۱- «إذا تريد المجتمعات البشرية أن تصل إلى الكمال والرشد، فلتشجّع شعبيها وشبابها حتّى يحاولوا في جميع المجالات!»: (آزمایشی سنجش - ۸۸)
 (۱) جامعه‌ی بشری چنانچه بخواهد به کمال و رشد برسد، ملت و جوانان خود را تشویق خواهد کرد تا در همه‌ی زمینه‌ها سعی کنند!
 (۲) جوامع بشری اگر بخواهند که به کمال و رشد برسند، باید ملت و جوانانشان را تشویق کنند تا در همه‌ی زمینه‌ها تلاش کنند.
 (۳) چنانچه جوامع بشری اراده کنند که بر کمال و رشد دست یابند، باید ملت و جوانان را تشویق به تلاش در همه‌ی زمینه‌ها نمایند!
 (۴) چنانچه جامعه‌ی بشری رسیدن به کمال و رشد را می‌خواست، باید ملت و جوانان خود را تشویق می‌کرد تا در همه‌ی زمینه‌ها تلاش نمایند!
 (آزمایشی سنجش - ۸۷)
- ۱۰۳۲- عَيْنُ الصَّحِيحِ:
 (۱) أولئك الطالبات لم يقصرن في أداء واجباتهنّ المدرسية: آن دانش آموزان در انجام تکالیف مدرسه‌ای خود کوتاهی نکردند.
 (۲) إن تأملت قبل الكلام سلمت من الخطأ: اگر قبل از سخن اندیشه می‌کردی از اشتباه در امان می‌مانی.
 (۳) حاولت اليوم لتهديب نفسي كي أتقدّم غداً: برای تهذیب نفسم امروز تلاش نمودم تا فردا جلوتر باشم.
 (۴) لنساعد المظلومين في العالم، أيها المسلمون: ای مسلمانان مظلومان جهان را یاری کنید.
 (آزمایشی سنجش - ۸۶)
- ۱۰۳۳- «تُورِي يا نفس على الظالمين حتى يأتيك النصر المبين من الله»:
 (۱) ای دل چنانچه بر ضد ستمکاران قیام کنی نصر و پیروزی مهم از جانب خدا برایت خواهد رسید!
 (۲) ای نفس اگر علیه ظالمان قیام کنی بدون شک پیروزی آشکار خدا از آن تو خواهد بود!
 (۳) ای نفس علیه ظالمان قیام کن تا پیروزی آشکار از خداوند برای تو بیاید!
 (۴) ای دل بر ضد ستمکاران قیام کن تا خداوند تو را قرین پیروزی سازد!
 (آزمایشی سنجش - ۸۶)
- ۱۰۳۴- «دروغ مگوئید تا رستگار شوید!» عَيْنُ الْخَطَا:
 (۱) لا تكذبون حتى تفلحوا!
 (۲) لا تكذبا حتى تفلحا!
 (۳) لا تكذبوا كي تُفْلِحُوا!
 (۴) لا تكذبن لتفلحن!
 (آزمایشی سنجش - ۸۶)

۱۰۳۵- «آن دانش آموزان کوشا در انجام تکالیف مدرسه‌ای خود کوتاهی نکرده‌اند!»:

(آزمایشی سنجش - ۸۶)

(۱) أولئك الطالبات المجتهدات لم يهملن في أداء واجباتهن المدرسية! (۲) ذلك التلاميذ المجدون لم يقصروا في واجباتهم المدرسية!

(۳) تلك الطالبات المجتهدات لا يهملن في أداء واجباتهن المدرسية! (۴) أولئك طلاب مجتهدون ما قصروا في قيام بواجبات مدرستهم!

۱۰۳۶- عَيْنُ الصَّحِيح:

(آزمایشی سنجش - ۸۵)

(۱) «من يطلب العلم ليجانب التكاسل!»: کسی که علم را بخواهد باید از تنبلی دوری کند!

(۲) «بنی إن ابتعدت عن السيئات تفز!»: پسرکم، باید از پلیدی‌ها دوری کنی تا رستگار شوی!

(۳) «إن تُرد أن تُغير عملك غير تفكر!»: اگر می‌خواهی اندیشه‌ات تغییر یابد، رفتارت را تغییر بده!

(۴) «أولادی، لا يسبقكم بالعمل بالقرآن الآخرون!»: فرزندانم، دیگران در عمل به قرآن بر شما پیشی نگرفته‌اند!

۱۰۳۷- «مَنْ يَعْتَمِدُ مِنَ الطَّلَابِ عَلَى قُدْرَاتِهِ وَ يَتَوَكَّلُ عَلَى رَبِّهِ يَنْجَحُ دَائِمًا»:

(آزمایشی سنجش - ۸۵)

(۱) دانشجویی که بر قدرتش اعتماد می‌کند و توکل بر پروردگارش دارد دائماً موفق است!

(۲) از دانشجویان فقط کسی که بر قدرت خود اعتماد کند و بر خدای خود توکل کند همیشه موفق است!

(۳) از میان دانش آموزان کسانی هستند که بر توانایی‌هایشان اعتماد کرده، با توکل بر خدا پیوسته موفق می‌شوند!

(۴) از دانش آموزان کسی که بر توانایی‌هایش اعتماد کند و بر پروردگار خود توکل کند همیشه موفق می‌شود!

۱۰۳۸- «إِذَا كَانَتْ وَصَايَا مُعَلِّمِنَا نَصَبَ أَعْيُنِنَا نَجِدُ طَرِيقَ النِّجَاحِ»:

(آزمایشی سنجش - ۸۵)

(۱) وقتی نصایح معلم‌هایمان مد نظرمان بود، به راه پیروزی دست می‌یابیم!

(۲) هرگاه توصیه‌های معلمانمان مد نظرمان باشد، راه موفقیت را می‌یابیم!

(۳) زمانی که سفارش معلمان مقابل دیدگانمان باشد، راه موفقیت را خواهیم یافت!

(۴) هرگاه وصیت‌های معلمانمان در مقابل چشمانمان باشد، به راه پیروزی می‌رسیم!

۱۰۳۹- «مَنْ يَحَاوِلُ لَتَهْذِيبِ نَفْسِهِ الْيَوْمَ يَتَقَدَّمُ غَدًا فِي الْحَيَاةِ»:

(آزمایشی سنجش - ۸۴)

(۱) آن‌که برای تهذیب نفس خویش امروز بکوشد، در زندگی فردای خود پیشرفت می‌کند!

(۲) هر کس امروز در تهذیب نفس خود بکوشد، فردا در زندگی پیشرفت خواهد کرد!

(۳) هر کس برای تربیت نفس امروز تلاش کند، فردا زندگی او توأم با پیشرفت خواهد بود!

(۴) آن‌که در پاکی نفس خود امروز تلاش نماید، زندگی فردای او همراه پیشرفت خواهد بود!

۱۰۴۰- عَيْنُ الْخَطَا فِي التَّسَاوِي لِلْمَفْهُوم:

(آزمایشی سنجش - ۸۴)

(۱) العقل و التجربة مُصلحاً كُلُّ أَمْرٍ: كُلُّ أَمْرٍ يَصْلَحُ بِالْعَقْلِ وَ التَّجَرِبَةِ. (۲) الإنسانُ في حاجةٍ إلى الحرية: الإنسانُ يحتاج إلى الحرية.

(۳) أشعة الشمس مُحْرِقَةُ الأبدان: أشعة الشمس تُحرق الأبدان. (۴) هذه الرواية منقولة من رواية ثقة: هذه الرواية لم تُنقل من رواية ثقة.

۱۰۴۱- عَيْنُ الصَّحِيح:

(آزمایشی سنجش - ۸۳)

(۱) «لِنُسَاعِدَ الْمَظْلُومِينَ فِي الْعَالَمِ حَتَّى يَتَغَلَّبُوا عَلَى الظَّالِمِينَ!»: مظلومان باید کمک کنند تا آن‌ها بر ظالمان غلبه کنند!

(۲) «مَنْ عَرَفَ حِلَاوَةَ عَاقِبَةِ الْحَقِّ صَبَرَ عَلَى مَرَارَتِهِ!»: کسی که شیرینی عاقبت حق را دانست، بر تلخی آن صبر می‌کند!

(۳) «ما تَعْمَلُ مِنَ الْخَيْرِ، وَ إِنَّ كَانَ قَلِيلًا، تَجِدُ ثَمَرَتَهُ فِي الْهَيَاةِ!»: آن‌چه از کار خیر انجام دهی، هر چند اندک باشد، در نهایت ثمرش را می‌بینی!

(۴) «كَيْفَ يَسْمَعُ صَوْتُ الْجَرَسِ مِنْ بَعِيدٍ بَيْنَمَا نَحْنُ لَمْ نَسْمَعْهُ مِنْ قَرِيبٍ!»: چگونه صدای زنگ را از دور می‌شنوی در حالی که من آن را از نزدیک نمی‌شنوم؟!

۱۰۴۲- «ما اگر کسی را شریک خداوند قرار ندهیم، می‌توانیم هدف‌های خود را برآورده سازیم!»:

(آزمایشی سنجش - ۸۳)

(۱) إذا لَأُشَارَكَ مَعَ اللَّهِ أَحَدٌ، نَقْدَرُ أَنْ نَحَقِّقَ أَهْدَافَنَا! (۲) إن لم نُشْرِكْ أَحَدًا بِاللَّهِ، يُمْكِنُ تَحْقِيقُ الْأَهْدَافِ!

(۳) إن لَأُشْرِكُ بِاللَّهِ إِحْدًا، فَنَسْتَطِيعُ أَنْ نَحَقِّقَ إِهْدَافَنَا! (۴) إذا ما شاركنا أحداً مع الله، قَدَرْنَا عَلَى تَحْقِيقِ الْأَهْدَافِ!

۱۰۴۳- «شاگردان مدارس در جمع‌آوری محصولات به صاحبان مزارع کمک می‌کنند.»:

(آزمایشی سنجش - ۸۳)

(۱) يساعدون تلاميذ المدارس صاحب المزارع لجمع المحاصيل. (۲) تلاميذ المدارس يساعدون أصحاب المزارع لجمع المحصولات.

(۳) تلميذات المدارس تُساعد صاحبات المزارع في اجتماع المحصولات. (۴) تُساعد تلميذات المدارس أصحاب المزارع في جمع المحاصيل.

۱۰۴۴- «عَلَى الْمُسْلِمِ أَنْ يَعْلَمَ مَا يَقُولُ لَمَّا يَقِيمُ الصَّلَاةَ»:

(آزمایشی سنجش - ۸۳)

(۱) مسلمان باید بفهمد که برای چه اقامه‌ی نماز می‌کند!

(۲) بر مسلمان است که هنگام اقامه‌ی نماز، آن‌چه را می‌گوید بفهمد!

(۳) بر مسلمان واجب است که وقتی علم دارد اقامه‌ی نماز کند!

(۴) مسلمان باید هنگامی که اقامه‌ی نماز می‌کند گفته‌ی خدا را درک کند!

۱۰۴۵- «ما باید در کلاس به درس‌ها خوب گوش کنیم تا بتوانیم جمله را ترجمه کنیم.»:

- (۱) علينا في الصف الاستماع الى الدروس جيداً، حتى نستطيع من ترجمة الجملات بأنفسنا.
- (۲) لنستمع الى الدروس جيداً في الصف حتى نكون قادرين على ترجمة العبارات بأنفسنا.
- (۳) يجب علينا في الصف أن نستمع إلى الدروس جيداً حتى نستطيع أن نترجم الجمل.
- (۴) نحن في الصف نسمع الدروس جيداً، حتى نتمكن من ترجمة الجمل.

۱۰۴۶- «إنك لم تكتشف من أسرار هذه السنن إلا القليل منها، لهذا اجعل الجهد نصب أعينك.»:

- (۱) تو از اسرار هستی جز اندکی را کشف نکرده‌ای، لذا باید جدیت را مورد توجه خود قرار بدهی.
- (۲) تو از اسرار این سنت‌ها جز اندکی از آن را کشف نکرده‌ای، برای همین تلاش را نصب‌العین خود قرار بده.
- (۳) تو فقط اندکی از اسرار این سنت‌ها را می‌توانی کشف کنی به همین خاطر مجاهدت را فراراه خود نما.
- (۴) به‌راستی تو نتوانسته‌ای رازهای سنن الهی را دریابی، بنابراین تلاش را برابر چشمان خود قرار بده.

۱۰۴۷- عَيْنَ الصَّحِيحِ فِيمَا أُشِيرَإِلَيْهِ بِخَطِّ الْفَرَاغِ: «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ»: «پس صاحب این خانه را»:

- (۱) برای این‌که عبادت کنید. (۲) باید عبادت کنند. (۳) عبادت می‌کنید. (۴) باید عبادت کنید.

۱۰۴۸- «قرآن تأکید می‌کند که این جهان قوانین و سنت‌هایی دارد که تغییر نمی‌کند.»:

- (۱) يؤكد القرآن أنَّ العالم قوانين و سنن لا تتغير لها.
- (۲) القرآن يؤكد أنَّ العالم عنده قوانين و سنن بدون تغيير.
- (۳) إنَّ القرآن يؤكد أنَّ لهذا العالم قوانين و سنن لا تتغير.
- (۴) تأكيد القرآن على القوانين و السنن التي لا تتغير لهذا العالم.

قواعد

۱۰۴۹- عَيْنَ الْخَطِّأِ فِيمَا يَلِي:

- (۱) لم تذهباً: مضارعٌ مجزومٌ بحذف التَّوْنِ
- (۲) لَنْ تَخْرُجُوا: مضارعٌ منصوبٌ بإعراب فرعی
- (۳) لا تذهبي: مضارعٌ مجزومٌ بإعراب فرعی
- (۴) أَنْ تَخْرُجَا: مضارعٌ منصوبٌ بالألف

۱۰۵۰- ما هو المناسب للفرغين؟ «الکسلانُ لم... و لَنْ... في الحياة.»:

- (۱) يَنْجَحَا - يَنْجَحُ (۲) يَنْجَحُ - يَنْجَحُ (۳) يَنْجَحُ - يَنْجَحُ (۴) يَنْجَحَا - يَنْجَحَا

۱۰۵۱- عَيْنَ الصَّحِيحِ للفرغ: «... الانسانُ بعبادة ربه احداً.»:

- (۱) لا تُشْرِكْ (۲) لا يَشْرِكْ (۳) لا أُشْرِكْ (۴) لَنْ يَشْرِكْ

۱۰۵۲- عَيْنَ العبارة التي جاء فيها من أدوات الشرط:

- (۱) واهجر التوم و حصّله فَمَنْ / يعرف المطلوب يحقرما بذل
- (۲) و اتق الله فتقوى الله ما / جاورت قلب امرئ الا وصل
- (۳) اطلب العلم و لا تكسل فما / ابعد الخير على أهل الكسل
- (۴) أين نمرود و كنعان و مَنْ / ملك الارض و ولي و غزل

۱۰۵۳- كم خطاً يوجد في العبارة التالية؟ «مَنْ حَفَرَ بئرًا لِأَخِيهِ وَقَعَ فِيهَا.»:

- (۱) واحد (۲) اثنان (۳) ثلاثة (۴) أربعة

۱۰۵۴- عَيْنَ الصَّحِيحِ فيما يلي:

- (۱) يَحْسِنُ: مرفوعٌ بثبوت التَّوْنِ (۲) يَذْهَبُونَ: مرفوعٌ بالواو (۳) تَخْرُجْنَ: مرفوعٌ بثبوت التَّوْنِ (۴) لَمْ تَجْلِسُوا: مجزومٌ بحذف التَّوْنِ

۱۰۵۵- عَيْنَ الجملة الصحيحة:

- (۱) مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ.
- (۲) إِنَّ تَتَصَرُّوا اللَّهُ يَنْصُرْكُمْ.
- (۳) مَنْ يَتَأَمَّلْ قَبْلَ الْكَلَامِ يَسْلَمْ مِنَ الْخَطَا.
- (۴) مَنْ دَرَسَ جَيِّداً نَجَحَ.

۱۰۵۶- ما هو المضارع المجزوم لـ «جَاهَدَ» للمخاطبة؟

- (۱) لا تُجَاهِدِي (۲) لَمْ تُجَاهِدْ (۳) لَمَّا تُجَاهِدْ (۴) لَتُجَاهِدَنَّ

۱۰۵۷- عَيْنَ الْخَطِّأِ عن الأفعال التي أُشير إليها بخط:

- (۱) فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ: منصوبٌ بحذف التَّوْنِ
- (۲) لا تَقْنَطُوا من رحمة الله: مجزومٌ بحذف التَّوْنِ بالإعراب الفرعي
- (۳) مَنْ دَرَسَ، نَجَحَ: مجزومٌ محلاً
- (۴) لَا يَصْبِرْ عَلَى مَرَارَةِ الْحَقِّ إِلَّا أَحْمَدُ: مرفوعٌ بالإعراب الأصلي

۱۰۵۸- ما هو المناسب للفرغ؟ «الطُّلابُ ... يَهْمِلُوا في أداء واجبهم أمس.»:

- (۱) لَنْ (۲) لَا (۳) لَمْ (۴) أَنْ

۱۰۵۹- عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَنْ إِعْرَابِ الْأَفْعَالِ الْمُضَارِعَةِ فِي الْعِبَارَةِ الثَّالِيَةِ: «يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ.»

- (۱) يقول: مضارع مرفوعٌ بالواو
(۲) تَنَالُوا: مضارع مجزوم بحذف التَّوْنِ
(۳) تُنْفِقُوا: مضارع منصوب بالإعراب الفرعي
(۴) تُحِبُّونَ: مضارع مرفوعٌ بالواو

۱۰۶۰- اكمل الفراغ: «... تَفْعَلُ فِي السِّرِّ يَعْلَمُهُ اللَّهُ»

- (۱) مَا (۲) مَنْ (۳) إِنْ (۴) لَنْ

۱۰۶۱- عَيِّنِ اِعْرَابَ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ وَ عَلَامَتَهُ فِي تَعْرِيبِ الْعِبَارَةِ الثَّالِيَةِ: «خُذْ رَا دَر مَوْرِدِ قُرْآن، نَبَايِدِ دِيْگَرِي دَر عَمَلِ بَه آن بِر شَمَا پِيشِي بِگِيرِد!»

- (۱) مضارع مرفوع، حذف نون (۲) مضارع منصوب، بالفتحة (۳) مضارع مجزوم، بالسكون (۴) مضارع منصوب، حذف نون

۱۰۶۲- عَيِّنِ «مَا الْحَرْفِيَّةُ»:

- (۱) مَا تَفْعَلُ مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ؟ (۲) مَا ذَهَبَ أَحَدٌ لِمُسَاعَدَتِهِ. (۳) مَا اسْمُ أَخِيكَ؟ (۴) فَوْقَ مَا وَقَعَ.

۱۰۶۳- عَيِّنِ الصَّحِيحَ:

- (۱) إِنْ نَوَاصِلُ الْجِهَادِ نَحَقُّ النَّصْرَ.
(۲) لِيُخْرِجَ مَنْ فِي الصَّفِّ مِنَ الطُّلَّابِ بَعْدَ أَنْ يَقْرَؤُونَ دُرُوسَهُمْ.
(۳) تَخْرُجُ الطَّالِبَاتُ مِنَ الْمَدْرَسَةِ بَعْدَ أَنْ تَقْرَأَ دُرُوسَهُنَّ.
(۴) عَلَيْنَا أَنْ نَوَاصِلَ جِهَادَنَا حَتَّى نُحَقِّقَ النَّصْرَ.

۱۰۶۴- مَيِّزِ الْكَلِمَةَ الَّتِي مَا جَاءَ فِيهَا لَامُ الْأَمْرِ:

- (۱) لِيَقْرَؤُوا (۲) لِأَقْرَأْ (۳) لِيُنْفِقَا (۴) لِنُنْفِقِينَ

۱۰۶۵- كَيْفَ يَكُونُ فِعْلُ «شَعَرْتُ» مَعَ حَرْفِ «لَمْ» النَّافِيَةِ؟

- (۱) لَمْ تَشْعُرْ (۲) لَمْ تَشْعُرِي (۳) لَمْ تَشْعُرْتُ (۴) لَمْ تَشْعُرِينَ

۱۰۶۶- كَمَّلِ الْفَرَاغَ بِالْكَلِمَةِ الْمُنَاسِبَةِ: «وَمَا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ، تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ.»

- (۱) تَقَدَّمُوا (۲) تَقَدَّمُونَ (۳) يَتَقَدَّمُوا (۴) تُقَدَّمُ

(سراسری - تجربی - ۹۳)

۱۰۶۷- عَيِّنِ «مَا» مَوْصُولَةً:

- (۱) مَا نَعْطِي الْآخِرِينَ مِنْ أَمْوَالِنَا يَضَاعُفُهُ اللَّهُ لَنَا!
(۲) مَا كَانَ عِنْدِي قَلَمٌ فَمَا اسْتَطَعْتُ أَنْ أَكْتُبَ شَيْئًا!
(۳) مَا تَجَمَّعَ الْحَيَوَانَاتُ فِي الصَّيْفِ تَنْفَعُهَا فِي الشِّتَاءِ!
(۴) مَا هَرَبَ النَّاسُ مِنَ الذُّبِّ الَّذِي كَانَ فِي الْمَرْعَةِ!

(سراسری - ریاضی - ۹۰)

۱۰۶۸- عَيِّنِ حَرْفَ اللَّامِ يَخْتَلِفُ عَنِ الْبَاقِي:

- (۱) لِيَعْلَمَ الْإِنْسَانُ أَنَّ الْعَقْلَ السَّلِيمَ مُصْلِحٌ لِكُلِّ الْأُمُورِ!
(۲) لَا يُبْعِدُ نَفْسِي عَنِ الْغَضَبِ، حَاوَلْتُ كَثِيرًا!
(۳) لِأَجْعَلَ الْجَهْدَ نَصَبَ أَعْيُنِي حَتَّى أَصِلَ إِلَى هَدْفِي!
(۴) لِنَتَجَنَّبَ مَشَاوِرَةَ كُلِّ مُشْفِقٍ جَاهِلٍ!

(سراسری - تجربی - ۹۰)

۱۰۶۹- عَيِّنِ الْمَاضِيَ لَيْسَ فِي مَحَلِّ جَزْمٍ:

- (۱) مِنْ دَعَاكَ وَ تَكَلَّمْتَ مَعَهُ وَ أَعْطَاكَ الْكِتَابَ مَسْئُولٌ عَنِ الْمَكْتَبَةِ!
(۲) إِنْ كَانَتْ لَكَ أَفْكَارٌ عَالِيَةٌ فَانْشُرْهَا بَيْنَ الْآخِرِينَ!
(۳) إِنْ تَوَاضَعْتَ لِمَنْ يَعْلَمُكَ عَظَمْتَ شَأْنُكَ!
(۴) مَا مَرَّ فِي قَلْبِكَ جَرَى عَلَى لِسَانِكَ!

(سراسری - ریاضی - ۸۹)

۱۰۷۰- عَيِّنِ «مَا» الْجَازِمَةَ:

- (۱) مَا تَعْمَلُ الْيَوْمَ تَحْصِدُهُ غَدًا حَتْمًا!
(۲) مَا عَرَفْتَنِي زَمِيلَتِي حِينَ مَرَرْتُ مِنْ جَنْبِهَا!
(۳) مَا نَوْعُ الرَّائِحَةِ الَّتِي كَانَتْ تَفُوحُ فِي الشَّارِعِ!
(۴) مَا الْفَخْرُ إِلَّا لِأَهْلِ الْعِلْمِ إِنَّهُمْ عَلَى الْهَدْيِ!

(سراسری - تجربی - ۸۹)

۱۰۷۱- عَيِّنِ الْأَفْعَالَ مُجْزُومَةً كُلَّهَا:

- (۱) عِنْدَمَا أُنْزِلَ الْقُرْآنُ لَمْ يَسْتَطِعْ أَحَدٌ أَنْ يَأْتِيَ بِمِثْلِهِ حَتَّى الْآنَ!
(۲) مَنْ لَمْ يُقَصِّرْ فِي آدَاءِ وَاجِبَاتِهِ الْيَوْمَ يَصِلْ إِلَى أَهْدَافِهِ غَدًا!
(۳) لَيْسَتْ يَقْظُ كُلُّ الْمُسْلِمِينَ مِنْ نَوْمِ الْغَفْلَةِ حَتَّى يَأْخُذُوا حَقَّهُمْ مِنَ الظَّالِمِينَ!
(۴) يَنَادِينِي صَدِيقِي أَنْ أَشَاهِدَهُ وَ لَكِنِّي لَمْ أَفْهَمْ مَا كَانَ قَصْدُهُ مِنْ هَذَا النِّدَاءِ!

(سراسری - زبان - ۸۸)

۱۰۷۲- عَيِّنِ الْخَطَأَ فِي «الشَّرْطِ وَ جَوَابِهِ»:

- (۱) إِنْ تَتَمَسَّكُوا بِالْأَجَانِبِ يَضِيْعُوكُمْ!
(۲) إِنْ تَتَقَدَّمْ تُصِيبُ نَفْسَكَ بِالْأَذَى أَيْضًا!
(۳) إِنْ تَزْهَدَ فِي الدُّنْيَا تَرِ خَيْرًا كَثِيرًا!
(۴) إِنْ تُقْبِلَ عَلَى الْكِتَابِ تَجِدْ صَدِيقًا مُخْلِصًا!

(سراسری - هنر - ۸۸)

۱۰۷۳- عَيِّنِ اللَّامَ النَّاصِبَةَ:

- (۱) الْمُسْلِمَاتُ لِيُوجِهْنَ حَقَائِقَ الْحَيَاةِ الْمَرَّةَ بِالتَّفَاوُلِ!
(۲) نَحْنُ نَتَنَاوَلُ الرِّمَانَ لِتَكْوِينِ الْكِرْيَاتِ الْحِمْرَاءِ فِي بَدَنِنَا!
(۳) يَا بَنَاتِي! كَلِّمْنَ الْفَائِزَاتِ فِي الْمَسَابَقَةِ لِتَفْهَمْنَ سِرَّ نَجَاحِهِنَّ!
(۴) لَوْ كُنْتَ تَحْتَمِلُ الْمَصَاعِبَ وَ تَتَجَرَّعُ الْإِلَامَ الْكَثِيرَةَ لَوَصَلْتَ إِلَى هَدْفِكَ!

(سراسری - ریاضی - ۸۷)

۱۰۷۴- عَيِّنِ حَرْفَ اللَّامِ الْجَازِمَةَ:

- (۱) لِيَعْتَمِدَ الْمُؤْمِنُ عَلَى نَفْسِهِ وَ لَا يُحَاكِ الْآخِرِينَ!
(۲) أَسَافِرُ إِلَى ذَلِكَ الْبَلَدِ لِأُقَتِّشَ عَنْ مَوْضِعٍ مَهْمٍ!
(۳) أَرْسَلَ اللَّهُ الْأَنْبِيَاءَ لِتُؤْمِنُوا بِهِ وَ بِرَسُولِهِ!
(۴) لَا تَتَوَبَّعِ الْمُحَاصِيلَ لِتَزْدَادَ ثَرْوَتَكَ!

- ۱۰۷۵- عَيْن «مَنْ» منصوبه:
- (۱) ساعدی من تسألک امرأ ملتزمة.
- (۲) من نادنی عندما كنت أتکلم معک.
- (۳) ساعدنی من كان أقوى منی فی الدرس.
- (۴) من یهدنی فی الحیاة یر ثمره عمله.
- (سراسری - هنر - ۸۶)
- ۱۰۷۶- عَيْن «ما» الجازمة:
- (۱) ما عملت یعلمه الله!
- (۲) ما أحب أن یرانی المعلم!
- (۳) أظهر ما تحب من الخیرات!
- (۴) أیها العدو! ما هذه الجرائم!
- (سراسری - ریاضی - ۸۵)
- ۱۰۷۷- عَيْن «مَنْ» عاملة:
- (۱) من أجاب عن هذا السؤال.
- (۲) لا تعاشر من یری للسیئات و لا ینکرها.
- (۳) من عمل صالحاً جزاه الله خیراً.
- (۴) یساعدنا من یرانا فی هذه الحالة.
- (سراسری - هنر - ۸۵)
- ۱۰۷۸- عَيْن حرف «لام» الجازمة:
- (۱) لیف المسلم عن بعض الأخطاء.
- (۲) جننا لنرى آثارکم الجميلة.
- (۳) أرسل الله الأنبیاء لیهدوا.
- (۴) جئت إلیک للذهاب إلی المکتبة.
- (سراسری - ریاضی - ۸۳)
- ۱۰۷۹- عَيْن الصَّحیح (فی اعراب الفعل):
- (۱) إنَّ الکافرين لن یدعون بما أنزله الله.
- (۲) أولئک الطالبات لم یهملن واجباتهن.
- (۳) إنَّ یتعلَّم الطالب طول السنة یدعون ثمرته آخر السنة!
- (۴) طلبت من زملائی أن یساعدونی فی تعلم الدرس.
- (آزمایشی سنجش - ۹۰)
- ۱۰۸۰- عَيْن العبارة زمانها مستقبل:
- (۱) لم تنجح الطالبة التي لم تلاحظ عواقب أمورها دائماً!
- (۲) إن استمعت إلی کلام الخطیب جیداً انتفعت به کثیراً!
- (۳) للنباتات فوائد کثیرة منها المساعدة علی تنقیة الجو و تلطیفه!
- (۴) تشکلت الأرض و السماء بعد أن حدث انفجار المادة الأولى فی العالم!
- (آزمایشی سنجش - ۸۹)
- ۱۰۸۱- عَيْن الصَّحیح فی التشکیل: «لما شعرت النملة بالرطوبة اخرجت الحبوب و نشرتها حتی لا تفسد.»
- (۱) لَمَّا - شَعَرْتُ - النَّمْلَةُ - الحُبُوبُ
- (۲) النَّمْلَةُ - الرُّطُوبَةُ - نَشَرْتُ - تَفْسُدُ
- (۳) شَعَرْتُ - النَّمْلَةُ - أَخْرَجْتُ - نَشَرْتُ
- (۴) أَخْرَجْتُ - الحُبُوبُ - نَشَرْتُ - تَفْسُدُ
- ۱۰۸۲- «أرادوا أن مظلَّتهم و أن ها فوق رأسهم عندما تمطر السماء، و لكنَّ المطر لم من السماء هذا اليوم!»
- عَيْن الصَّحیح للفرغ:
- (۱) یحملوا/ یرفعوا/ ینزل
- (۲) یحملون/ یرفعوا/ تنزل
- (۳) یحمل/ یرفع/ تنزل
- (۴) تحملوا/ یرفعون/ ینزل
- (آزمایشی سنجش - ۸۹)
- ۱۰۸۳- عَيْن «لام» الجازمة:
- (۱) هی تدرِّس التاریخ لیفهم الطلاب حقائق القرون الماضية!
- (۲) هو یهتِّی ملزومات السفر لیذهبوا جمیعاً إلیه!
- (۳) تعلَّم أسرار العالم الغامضة لتحصیل علی ما تريد!
- (۴) یا أيُّها الناس! لدعُ الله حتی یرجیب لنا!
- (آزمایشی سنجش - ۸۹)
- ۱۰۸۴- عَيْن الخطأ فی أسلوب الشرط:
- (۱) من یتبع غیر الحق فی حیاته یکن نادماً من عمله غداً!
- (۲) إن لا یقبل الإنسان مشاكل الحیاة لم ینل آماله أبداً!
- (۳) إن یُحَن وقت الامتحانات یجب علینا أن نهتِّی أنفسنا!
- (۴) من یرد صعود الجبال یعیش ابد الدهر بین الحفر!
- (آزمایشی سنجش - ۸۸)
- ۱۰۸۵- عَيْن «لام» الأمر:
- (۱) لیلعلی المؤمن الصبر للوصول إلی المجد!
- (۲) تسبقون غیرکم للحصول علی الخیر!
- (۳) الیوم حاولوا لتطهیر أنفسکم من الدنایا!
- (۴) لتعاون علی البرّ یجتهد المؤمن!
- (آزمایشی سنجش - ۸۸)
- ۱۰۸۶- عَيْن الصَّحیح:
- (۱) لیجعلن نصیحة أستاذتهنَّ نصبَ أعینهنَّ لینجحن!
- (۲) لا تهملان فی وظائفكما یا ولدی!
- (۳) لم یجعلون المؤمنون لعملهم بالخیر قدراً!
- (۴) لا تفتشین عن الهدوء إلا فی قلب المؤمن!
- (آزمایشی سنجش - ۸۸)
- ۱۰۸۷- عَيْن الخطأ فی اعراب المضارع:
- (۱) ان خرجت الغیبة من فمک سببت نقمتک فی الحیاة!
- (۲) التلمیذات یکزرن الدرس بارشاد معلّمتهنَّ لیتعلّمنه!
- (۳) أستعمل البصل فی طعمی کی یطهر فمی من الجرثیم!
- (۴) یا مریم! لاتعاشرین فی حیاتک من تمدح نفسها کثیراً!
- (آزمایشی سنجش - ۸۸)
- ۱۰۸۸- عَيْن الخطأ فی علامات اعراب المضارع:
- (۱) إن تغرب الشمس تظهر أشعة القمر الفضية!
- (۲) إن ترحموا الضعفاء و تساعدوهم یرحمکم الله!
- (۳) إن تعمل عملاً حسناً و لا تنطق به یحترمک الناس!
- (۴) إن كنتَ لله لم یجعل للشیطان علی عقلک سبیل!
- ۱۰۸۹- «الاعداء سیهزمون لأنَّ المسلمین استطاعوا أن یربوا أبناءهم علی القیم الإسلامیة ليقوموا بأمر عظیمه و لن یرسلوا أمامها.» کم مضارعاً بعلامة فرعیة للاعراب؟
- (۱) اثنان (۲) ثلاثة (۳) أربعة (۴) خمسة
- (آزمایشی سنجش - ۸۸)

- ۱۰۹۰- عَيْن «لام» الجازمة:
- (۱) جالس العلماء لتتخلص من الجهل!
 - (۲) ليستغفر المذنب التائب عن ذنوبه حتى يفلح!
 - (۳) ساعدت الأم ولدها ليقوم بأعماله كلها!
 - (۴) هي احضرت اسلحة الابطاء ليندفعوا الى الحرب!
- (آزمایشی سنجش - ۸۸)
- ۱۰۹۱- عَيْن «من» موصولاً:
- (۱) من يُساعد المظلوم يُشاهد نتيجة عمله.
 - (۲) من يَنْظر إلى الجبال يحسب أنها ثابتة.
 - (۳) من الناس من يقول الحق ولو كان مرأً.
 - (۴) من يعلقُ الوسام في عنق التلميذ الناجح.
- (آزمایشی سنجشی - ۸۷)
- ۱۰۹۲- عَيْن «لام» الجازمة:
- (۱) لا تتأمل في الإحسان للفقراء والمساكين.
 - (۲) أسرع الفلسطينيين لطرْد الغاصبين من أرضهم.
 - (۳) ذهب التلاميذ لیساعدوا في انعقاد الحفلة.
 - (۴) ليحسن الغني إلى الفقير كما أمر الله.
- (آزمایشی سنجش - ۸۷)
- ۱۰۹۳- عَيْن الصَّحيح:
- (۱) لا تكذبوا، فمن يكذب يفشل في الحياة!
 - (۲) لم يحصل على العلي من يطلب الراحة!
 - (۳) ان تصبروا تقدرُوا الغلبة على الشدائد!
 - (۴) ماتفعلوا من أعمال الخير يعلمه الله!
- (آزمایشی سنجش - ۸۶)
- ۱۰۹۴- عَيْن «ما» اسم موصول:
- (۱) ما تفعل من أعمال الخير ترى ثمرته في حياتك.
 - (۲) إنكما لم تجتهدا في دروسكما فما تقدمتما فيها أبداً!
 - (۳) أنفقوا ممّا تحبون فتناولون البرّ والتقوى!
 - (۴) دخلت المدرسة بسرعة و لكنّي ما شاهدت معلّمی.
- (آزمایشی سنجش - ۸۶)
- ۱۰۹۵- عَيْن «من» يمكن أن تكون جازمة:
- (۱) من كان الذي دعاك إلى أعمال حسنة؟
 - (۲) شاهدت من ساعد المساكين والفقراء في حفلة.
 - (۳) من اجتهد في انتصار المسلمين ينصره الله.
 - (۴) إنّ العاقل من يعتمد على الأعمال لا على الأقول.
- (آزمایشی سنجش - ۸۶)
- ۱۰۹۶- عَيْن الخطأ في اعراب المضارع:
- (۱) ان تنظروا الى الحياة تدركوا عظمة الله!
 - (۲) لا تسمحى لنفسك أن تقتنط في الأمور!
 - (۳) سذهب جميعاً الى الصحراء فنشاهد العجائب!
 - (۴) هم لم يميلوا الى الراحة فنجحوا في أعمالهم!
- (آزمایشی سنجش - ۸۶)
- ۱۰۹۷- عَيْن الصَّحيح في الاعراب و التحليل الضرفي: «ان تحاولي اليوم لتهذيب نفسك تقدمي غداً!»
- (۱) تهذيب: اسم - مفرد مذکر - معرف بالاضافة - معرب / مضاف اليه و مجرور
 - (۲) تحاولي: معتل و أجوف - لازم - مبني للمعلوم / فعل شرط و مجزوم بحذف حرف العلة
 - (۳) اليوم: مشتق و اسم زمان - معرف بال - معرب - منصوب / مفعول فيه للزمان و منصوب
 - (۴) تتقدمي: للمخاطبة - مزيد ثلاثي من باب تفعل / فعل جواب شرط و مجزوم بحذف نون الاعراب
- (آزمایشی سنجش - ۸۶)
- ۱۰۹۸- عَيْن «من» يمكن أن تكون شرطية:
- (۱) إحترم من يحترمك.
 - (۲) من يُعلمك الدّرس.
 - (۳) من التلاميذ من ينجحون في الامتحان كل سنة.
 - (۴) من يقترب من السوء يمكن أن يقع فيه.
- (آزمایشی سنجش - ۸۶)
- ۱۰۹۹- «لن نبليح المجد حتى نلحق الصبر في حياتنا!»:
- (۱) حَتَّى - نَلْعَق - الصَّبْر - حَيَاة
 - (۲) نَبْلُغ - المَجْد - نَلْعَق - الصَّبْر
 - (۳) لَنْ - نَبْلُغ - المَجْد - حَتَّى - نَلْعَق
- (آزمایشی سنجش - ۸۵)
- ۱۱۰۰- «ان نقصر في أداء واجباتنا لن ننجح في حياتنا!»:
- (۱) وَاجِبَاتٍ - لَنْ - نَنْجَح - حَيَاة (۲) أَداء - وَاجِبَاتٍ - لَنْ - نَنْجَح (۳) نُقَصِّر - أَداء - وَاجِبَاتٍ - لَنْ (۴) إِنْ - نُقَصِّر - أَداء - نَنْجَح
- (آزمایشی سنجش - ۸۵)
- ۱۱۰۱- «لم تحضر أختي في الضيافة هذا الليلة لأنّ أُمّي لاتسمح له بالذهاب اليه!» صَحّح الأخطاء:
- (۱) تحضري - أخته - لم سمحت - لها
 - (۲) هذه - لم تسمح - لها - اليها
 - (۳) تحضرين - هذه - لاتسمح - اليها
 - (۴) أختك - ماسمحت - لك - لها
- (آزمایشی سنجش - ۸۵)
- ۱۱۰۲- «كثير من المسلمين يُسلمون و لكنهم لم يؤمنوا!»:
- (۱) كثير: مفرد مذکر - مشتق و صفت مشبهة - معرف بالاضافة / مبتدأ و مرفوع، و الجملة اسمية
 - (۲) يؤمنوا: للغائبين - مزيد ثلاثي - معرب / فعل منصوب بحذف نون الاعراب، و فاعله ضمير الواو
 - (۳) يُسلمون: فعل مضارع - للغائبين - معرب / فعل مرفوع بثبوت نون الاعراب، و فاعله ضمير الواو البارز
 - (۴) المسلمين: جمع سالم للمذکر - مشتق و اسم فاعل من مصدر «تسلم» / مجرور ب «من» و علامة جرّه الياء

(آزمایشی سنجش - ۸۵)

۱۱۰۳- «ان تجتهدوا تنجحوا فی امتحاناتکم!»:

- (۱) امتحانات: جمع سالم للمؤنث - معرّف بالاضافة / مجرور بحرف الجرّ و علامة جرّه الفتحة
 (۲) تجتهدوا: مضارع - مزید ثلاثی من باب افتعال - مبنی / فعل شرط و فاعله ضمیر الواو البارز
 (۳) تنجحوا: للمخاطبین - مجرد ثلاثی - لازم / فعل جواب شرط و مجزوم بحذف نون الاعراب
 (۴) کم: ضمیر منفصل للنصب - للمخاطبات - معرفة - مبنی علی السکون / مضاف الیه و مجرور محلاً

(آزمایشی سنجش - ۸۵)

۱۱۰۴- عَيِّنْ ما لیس فیهِ أسلوب الشرط:

- (۱) ما يُخرج العالم من الظلمات الى النور هو مصابيح السماء!
 (۲) ما یجمع الانسان من خیر یر ثمرته فی النهاية!
 (۳) ان لم تأمرهم أنهم بأن یجلسوا فلن یجلسوا و یدهبوا!
 (۴) ان لاتصبری علی مرارة الدّنيا فلن تذوقی حلاوة عاقبتها!

(آزمایشی سنجش - ۸۵)

۱۱۰۵- عَيِّنْ أسلوب الشرط:

- (۱) اعتمد علی نفسك حتّی لا تخاف من شیء!
 (۲) ما یتعلّموا فی المدرسة یساعدهم فی الحیاة!
 (۳) أحبّ من یعمل الخیر و ینفع الاخرین دائماً!
 (۴) لنبتعد عن الإهمال فی أداء واجبنا و ندرس جيّداً!

(آزمایشی سنجش - ۸۴)

۱۱۰۶- «لا يستطيع احد أن يبلغ المجد بدون الصبر!» عَيِّن الصّحیح فی التشکیل:

- (۱) یستطیع - أخذ - یبلغ - بدون (۲) أخذ - أن - یبلغ - المجد
 (۳) یبلغ - المجد - بدون - الصبر (۴) أن - یبلغ - المجد - الصبر

(آزمایشی سنجش - ۸۴)

۱۱۰۷- عَيِّن الصّحیح عن الافعال المضارعة:

- (۱) المؤمنون لا یطلبوا العزة من غیر الله!
 (۲) لن نسمح للأعداء أن یغصبوا بلادنا!
 (۳) علی المؤمنین أن یتعدوا عن الکاذب!
 (۴) إنّ المسلمین یحاولوا فی تحقیق الأهداف العالیة!

۱۱۰۸- عَيِّن المضارع المجزوم: «التمله حشرة صغيرة و لكنّ جهدها کبیر، فلیجعل الانسان التملة نصب أعینه لیصل إلى أهدافه!» (آزمایشی سنجش - ۸۳)

- (۱) یجعل (۲) جهدها (۳) یصل (۴) نصب

۱۱۰۹- عَيِّن العبارة التي یكون «لا» فیها غیر عامل:

- (۱) هُنّ لا یتکاسلن. (۲) أنتنّ لا تتکاسلن. (۳) أنت لا تتکاسلی. (۴) أنتم لا تتکاسلون.

۱۱۱۰- ما هو المناسب للفراغ فی الفارسیة؟ «..... یتوکل علی الله فَهُوَ حَسبه.»

- (۱) کسی که (۲) هر کس (۳) هر وقت (۴) چه کسی

۱۱۱۱- عَيِّن الخطأ للفراغ: «مَنْ بئراً لأخیه فیها.»

- (۱) حَفَرٌ / وَقَعَ (۲) یَقَعُ / یَحْفَرُ (۳) حَفَرٌ / یَقَعُ (۴) یحفِرُ / یقع

۱۱۱۲- عَيِّن الخطأ لإيجاد أسلوب الشرط:

- (۱) مَنْ یطلبُ العلی یسهَرُ اللیالی. (۲) مَنْ طَلَبَ العلی سَهَرُ اللیالی. (۳) مَنْ یطلبُ العلی یسهَرُ اللیالی. (۴) مَنْ طَلَبَ العلی یسهَرُ اللیالی.

۱۱۱۳- عَيِّن العبارة التي تكون مضارعاً فی المعنی:

- (۱) ما كان یمدح نفسه و لا یقلل من شأن غیره.
 (۲) هؤلاء الطّلاب لما یهملوا فی اداء واجبهم.
 (۳) الکفار لم یؤمنوا بما أنزل الله تعالی.
 (۴) إنّ حَفَرْتُ بئراً لأخیک وقعت فیها.

۱۱۱۴- عَيِّن الصّحیح:

- (۱) لم یقل: مجزوم بحذف العلة (۲) لاتتکاسلان: مرفوع بالالف (۳) قدّ یجتهدون: مرفوع بالنون (۴) لن یرجو: منصوب تقدیراً

درک مطلب

إقرأ النّصّ التّالی بدقّة ثمّ أجِب عن الأسئلة رقم ۱۱۱۵ حتّی رقم ۱۱۱۹:

«خَرَجَ رجل مع ابنه إلى الصّحراء و هما یریدان أن یصیدا. فَتَزَلَا عند رجل. كَانَ لهذا الرجل خروفٌ (گوسفند) فَذَبَحَهُ لهما فأکلا منه. عندما أرادَ الصّیْفُ أن یرتک الرجل قال لابنه: قَدِّمْ لَهُ مائَة (۱۰۰) دینار. فقال ولده: هو فقیر یقنع بالقلیل فأجاب: أنا لا أقبل أن أعطیه القلیل لأنّه ذبح لنا کلّ ما كان عنده.»

۱۱۱۵- لماذا أعطی الصّیْفُ صاحبَ الخروفِ مائة دینار؟ لأنّ صاحبَ الخروفِ ...

- (۱) ذَبَحَ لَهُ و لابنه کلّ ما كان یملک.
 (۲) كان فقیراً.
 (۳) طَلَبَ مِنَ الصّیْفِ أَنْ یعطیه مائة دینار.
 (۴) قَدِّمَ لَهُمَا مائة دینار سابقاً.

۱۱۱۶- لماذا ذَهَبَ الرجلُ معَ ولده إلى الصَّحراء؟

- (۱) لمُساعدة الفقير (۲) لِذبح الخروف (۳) لِلصَّيد (۴) لرؤية الرجل الفقير

۱۱۱۷- عَيَّن الصَّحِيح في التشكيل: «أنا لا أَقبل أن أعطيه القليل لأنَّه ذبح لنا كُلَّ ما كان عنده.»

- (۱) أَقبل - أعطى - كُل (۲) أُعطى - القليل - كُل (۳) القليل - ذبح - عند (۴) أن - القليل - كُل

۱۱۱۸- عَيَّن الصَّحِيح عن كلمة «يصيدا»:

- (۱) فعلٌ مضارعٌ - مجرَّد ثلاثيٌ - متعلِّدٌ - متعلٌّ و مثال يابى - معرَّبٌ / فعلٌ و فاعله ضميرٌ بارزٌ
(۲) فعلٌ مضارعٌ - لازمٌ - مبنيٌ للمجهول - معرَّبٌ و منصوبٌ / فعلٌ و فاعله ضميرٌ «هما» المستتر
(۳) فعلٌ مضارعٌ - متعلِّدٌ - متعلٌّ و اجوفٌ و اعلاؤه بالإسكان - معرَّبٌ / مضارعٌ منصوبٌ بالألف
(۴) فعلٌ مضارعٌ - للغائبين - متعلٌّ و اجوفٌ - مبنيٌ للمعلوم / مضارعٌ منصوبٌ بحذف التَّوْن و فاعله ضميرٌ «الف»

۱۱۱۹- عَيَّن الصَّحِيح عن كلمة «رَجُل»:

- (۱) اسمٌ - نكرةٌ - معرَّبٌ - صحيح الآخر - منصرفٌ / مضافٌ اليه و مجرورٌ
(۲) اسمٌ - مفردٌ - مذکرٌ - جامدٌ - معرفةٌ - معرَّبٌ / مجرورٌ بالإعراب الأصلي
(۳) اسمٌ - جامدٌ - نكرةٌ - صحيح الآخر - ممنوعٌ من الصَّرف / مجرورٌ بحرف جرٍّ
(۴) اسمٌ - مذکرٌ - مشتقٌ - معرَّبٌ - منصرفٌ / مضافٌ اليه و مجرورٌ بالإعراب الأصلي

اقرأ النَّصَّ التَّالِي بدقَّة ثمَّ أَجِب عن الأسئلة رقم ۱۱۲۰ حتَّى رقم ۱۱۲۴:

«التملة مهندسة معمارية تصنع القلاع و الحصون تحت الأرض. يَنْتَخِبُ هذا الحيوان مسكنه في باطن الأرض و يجمع فيه الحبوب المختلفة. إن تشعر التملة بالرطوبة تخرج الحبوب إلى سطح الأرض و تنشرها تحت ضوء الشمس حتى لا تفسد...»

۱۱۲۰- عَيَّن الصَّحِيح على حسب النَّص:

- (۱) التَّمْلَةُ تُشَرُّ الحبوبَ لإفْسادها. (۲) تجمع التَّمْلَةُ الحبوب في باطن الأرض.
(۳) التَّمْلَةُ تصنع الحصون فوق الأرض. (۴) لا تشعر التَّمْلَةُ بالرطوبة.

۱۱۲۱- متى تُخْرِجُ التَّمْلَةُ الحبوبَ إلى سطح الأرض؟

- (۱) لَمَّا أَصْبَحَتِ التَّمْلَةُ جَائِعَةً. (۲) لَمَّا أَحَسَّتِ التَّمْلَةُ بِالرَّطوبَةِ.
(۳) عندما كَثُرَتِ الحبوبُ في مسكن التَّمْلَةِ. (۴) عندما وَجَدَتِ على سطح الأرض رطوبةً.

۱۱۲۲- عَيَّن الصَّحِيح في التشكيل: «التملة مهندسة معمارية تصنع القلاع و الحصون تحت الأرض.»

- (۱) مُهندِسَةٌ - تَصْنَعُ - الحُصُون - الأرض (۲) مِعماريَّةٌ - القِلاع - تَحَتَّ - الأرض
(۳) التَّمْلَةُ - معماريَّةٌ - تَصْنَعُ - تَحَتَّ (۴) مُهندِسَةٌ - معماريَّةٌ - الحُصُون - الأرض

۱۱۲۳- عَيَّن الصَّحِيح عن كلمة «يَنْتَخِبُ»:

- (۱) فعلٌ مضارعٌ - للغائب - صحيحٌ و سالمٌ - مبنيٌ - مبنيٌ للمجهول - معرَّبٌ / فعلٌ و نائب فاعله «هذا»
(۲) فعلٌ مضارعٌ - مزيدٌ ثلاثيٌ - متعلِّدٌ - معرَّبٌ - مبنيٌ للمعلوم / فعلٌ و فاعله «الحيوان»
(۳) فعلٌ مضارعٌ - مزيدٌ ثلاثيٌ من باب افتعال - مبنيٌ للمعلوم - معرَّبٌ / فعلٌ و فاعله «هذا»
(۴) فعلٌ مضارعٌ - مزيدٌ ثلاثيٌ من مادَّة «نخب» متعلِّدٌ - مبنيٌ على الضَّم / فعلٌ و فاعلٌ والجملة فعلية

۱۱۲۴- عَيَّن الصَّحِيح عن كلمة «مَسْكَن»:

- (۱) اسمٌ - مذکرٌ - جامدٌ - معرَّفٌ بالإضافة - معرَّبٌ - ممنوعٌ من الصَّرف / مفعولٌ به و منصوبٌ
(۲) اسمٌ - مفردٌ - مشتقٌ - معرَّبٌ - صحيح الآخر - ممنوعٌ من الصَّرف / مفعولٌ به
(۳) اسمٌ - مفردٌ - مذکرٌ - جامدٌ - نكرةٌ - منصرفٌ / مفعولٌ به و منصوبٌ بالإعراب الأصلي
(۴) اسمٌ - مذکرٌ - مشتقٌ - معرفةٌ - معرَّبٌ - منصرفٌ / مفعولٌ به و منصوبٌ

اقرأ النص التالي بدقة ثم أجب عن الاسئلة رقم ۱۱۲۵ حتى ۱۱۲۹:

«الْعَالَم قائمٌ بِالْعَمَلِ. ولم تَخْرُجْ الْحيواناتُ - صَغِيرُهَا وَكَبِيرُهَا - عن هذا السَّنَةِ الإلهية. ولم يَكْتَشِفِ الْإنسانُ من أسرار هذه السَّنَةِ إِلَّا القليلَ مِنْهَا! على سبيل المثالِ مَنْ يَنْظُرُ إِلَى حَيَاةِ النَّمْلَةِ يشاهدُ عَجَائِبَ كَثِيرَةً... فلا تَنْظُرُوا إِلَى صِغَرِهَا؛ فهي مهندسةٌ معماريةٌ تَصْنَعُ الْقِلَاعَ وَالحُصُونَ تحتَ الْأَرْضِ! هذا الحيوانُ يَنْتَخبُ مسكنه في باطن الأرضِ وَيَجْمَعُ فيه الْحُبُوبَ الْمُخْتَلِفَةَ. و ما تجمع النملة في الصيف تجد ثمرته في الشتاء.

إن تشعر النملة بالرطوبة تخرج الحبوب إلى سطح الأرضِ وَ تَنْشُرُها تحت ضوء الشمس حتى لا تفسد... لِيَجْعَلَ الْإنسانُ جُهْدَ هذا الْحيوانِ الصَّغِيرِ نَصَبَ أَغْيَةٍ لِلْوُصُولِ إِلَى أَهْدَافِهِ!»

۱۱۲۵- عَيِّنِ الصَّحِيحَ على حسب النص: «حين تشعر النملة بالرطوبة...»

(۱) يَنْتَخبُ مسكنه في باطن الأرض.

(۲) تَصْنَعُ القلاعَ وَ الحُصُونَ تحت ضوء الشمس.

(۳) تَنْشُرُ الحبوبَ فوق الأرض.

۱۱۲۶- ما هي النتيجة المأخوذة من هذا النص؟

(۱) هذا الحيوانُ أفضلُ مُنْتَخبِ المسكن.

(۲) من يصنع القلاعَ وَ الحُصُونَ تحت الأرض فهو مهندسٌ معماري.

(۳) لِيَتَعَلَّمَ الْإنسانُ الْجَهْدَ مِنْ هذا الحيوانِ.

۱۱۲۷- عَيِّنِ الصَّحِيحَ في تشكيل عبارة: «و ما تجمع النملة في الصيف تجد ثمرته في الشتاء.»

(۱) تَجْمَعُ - النملة - الصيف - تجد - ثمرته

(۲) تجمع - النملة - الصيف - تجد - ثمرته

(۳) تجمع - النملة - الصيف - تجد - ثمرته

(۴) تجمع - النملة - الصيف - تجد - ثمرته

۱۱۲۸- عَيِّنِ الصَّحِيحَ في الاعراب وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ عن كلمة «لا تَفْسُدْ» في عبارة: «... تَنْشُرُها تحت ضوء الشمس حتى لا تَفْسُدْ.»

(۱) فعل مضارع مرفوع - لازم - مبني - ثلاثي مجرد / فعل و فاعله «هو» مستتر

(۲) فعل مضارع منصوب - متعدي - ثلاثي مزيد - معرب / فعل و فاعله «هو» مستتر

(۳) فعل مضارع منصوب - لازم - ثلاثي مجرد - معرب / فعل و فاعله «هي» مستتر

(۴) فعل مضارع مجزوم - لازم - ثلاثي مجرد - مبني / فعل و فاعله «هي» مستتر

۱۱۲۹- عَيِّنِ الصَّحِيحَ في الاعراب وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ عن كلمة «يَنْتَخبُ» في عبارة: «هذا الحيوانُ يَنْتَخبُ مسكنه في باطن الأرض.»

(۱) فعل مضارع مرفوع - لازم - ثلاثي مزيد من باب انفعال / فعل و فاعله «هو» مستتر

(۲) فعل مضارع مرفوع - متعدي - ثلاثي مزيد من باب افتعال / فعل و فاعله «هو» مستتر

(۳) فعل مضارع مجزوم - متعدي - ثلاثي مزيد من باب افتعال / فعل و فاعله «مسكنه»

(۴) فعل مضارع مرفوع - متعدي - ثلاثي مزيد من باب انفعال / فعل و فاعله «مسكنه»

اقرأ النص التالي ثم أجب عن الاسئلة (۱۱۳۰ - ۱۱۳۳) بما يناسب النص:

«من أهم المشكلات التي يواجهها الإنسان هي مشكلة تلوث (ضد «النظافة») البيئة. فبعد إن نجح الإنسان في تحسين معيشته واجه مشكلات عديدة و ذلك نتيجة لجهله أسلوب المحافظة على سلامة البيئة، فلماذا تدارك الموضوع قبل فوات الوقت! فالحقوق البيئية ذات وجهين، بمعنى أن من حقنا على الطبيعة أن نتولى الكشف عن أسرارها، و من حق الطبيعة علينا أن نحافظ عليها من التلوث!»

(سواسري - تجربي - ۸۷)

۱۱۳۰- نستنبط من النص أن

(۱) الحياة قد تحسنت بعد ما سخر الإنسان الطبيعة!

(۲) مشكلة البيئة تحل، بشرط عدم استخراج أسرار الطبيعة!

(۳) التلوث من ثمرات سيطرة الإنسان على الطبيعة و البيئة، و هذا أمر طبيعي!

(۴) العلم، من جهة حسن الأوضاع و من جهة أخرى ألقى الإنسان في بشر يصعب الخروج منها!

۱۱۳۱- تحوّل الأمور في البيئة إلى ضدّ مصالح الانسان

(۱) حين ترك الإنسان الطبيعة و اهتمّ بنفسه!

(۲) بعد ما كثرت المشكلات المعيشية و لم تحل!

(۳) بعد الاختراعات الصناعية و سيطرة الإنسان على الطبيعة!

(۴) حين نسي الإنسان أن من واجبه دراسة أوضاع البيئة وتغيّراتها!

۱۱۳۲- «علينا تدارك الموضوع قبل فوات الوقت!» يفهم من العبارة أنه ...

(۱) قد فات زمن الإصلاح فلذلك جبرانه من المحالات!

(۲) تدارك فرصة تحسين الأوضاع من واجباتنا الأساسية!

(۳) لم تنقُص الفرصة أبداً، فعندنا مجال واسع في هذا الأمر!

(۴) إيمان تحسين أوضاع البيئة موجود و لكن بشرط الإسراع!

۱۱۳۳- عَنِ الْخَطَا:

- (۱) كان مقدار التلوث في الماضي أكثر من زماننا هذا.
(۲) أصبح التلوث من الموضوعات الخطرة لحياة الإنسان.
(۳) الإنسان بأعماله الجنونية لا يسمح للآخرين أن يتنعموا بالبيئة.
(۴) لا يعلم الإنسان طريق الاستفادة من البيئة فيخربها بعض الأحيان.

عَنِ الصَّحِيحِ فِي التَّشْكِيلِ (۱۱۳۴ و ۱۱۳۵):

- ۱۱۳۴- «بعد أن نجح الإنسان في تحسين معيشته واجه مشكلات عديدة.»:
(۱) بَعْدَ- نَجَحَ- مَعِيشَةً- وَاجَهَ
(۲) أُنْ- الْإِنْسَانِ- تَحْسِينِ- مَعِيشَةٍ
(۳) الْإِنْسَانُ- تَحْسِينِ- وَاجَهَ- مُشْكَلَاتٍ
(۴) تَحْسِينِ- مَعِيشَةٍ- مُشْكَلَاتٍ- عَدِيدَةٍ
۱۱۳۵- «علينا تدارك الموضوع قبل فوات الوقت، فالحقوق البيئية ذات وجهين.»:
(۱) الْمَوْضُوعُ- قَبْلَ- الْحَقُوقِ- ذَاتُ
(۲) عَلَيْنَا- تَدَارُكُ- الْمَوْضُوعِ- فَوَاتِ
(۳) تَدَارُكُ- الْمَوْضُوعِ- قَبْلَ- الْوَقْتِ
(۴) فَوَاتِ- الْوَقْتِ- الْبَيْئَةِ- وَجْهَيْنِ

عَنِ الصَّحِيحِ فِي الْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ (۱۱۳۶- ۱۱۳۸):

۱۱۳۶- «واجه»:

- (۱) متعّدّ- مبني للمعلوم- مبني على الفتح/ فعل، و مع فاعله جملة فعلية و نعت و مجرور محلاً
(۲) فعل ماضٍ- للغائب- معتل و مثال- متعّدّ- مبني/ فعل و فاعله ضمير «هو» المستتر
(۳) مزيد ثلاثي من باب تفاعل- مبني للمعلوم/ فعل و فاعله «المشكلات» و الجملة فعلية
(۴) للغائب- مزيد ثلاثي من باب مفاعلة- لازم- معرب/ فعل و فاعله الضمير المستتر

۱۱۳۷- «نحافظ»:

- (۱) للمتكم وحده- مزيد ثلاثي من باب مفاعلة- صحيح/ فعل منصوب بحرف «أن» الناصبة
(۲) مزيد ثلاثي من باب مفاعلة- معتل و أجوف- متعّدّ- معرب/ فعل و مع فاعله جملة فعلية
(۳) مضارع- للمتكم مع الغير- مزيد ثلاثي من باب مفاعلة/ فعل و فاعله ضمير «نحن» المستتر
(۴) فعل مضارع- صحيح- متعّدّ- مبني للمجهول/ فعل و نائب فاعله ضمير «نحن» المستتر

۱۱۳۸- «المحافظة»:

- (۱) مشتق و صفة مشبهة- معرّف بأل- منصرف/ نعت و مجرور
(۲) مفرد مؤنث- معرّف بأل- معرب/ مضاف اليه و مجرور
(۳) اسم- مفرد مؤنث- مشتق و اسم فاعل- معرب- منصرف/ مضاف اليه
(۴) جامد (مصدر من باب مفاعلة)- معرب/ نعت و مجرور بالتبعية للمنعوت «أسلوب»

للمحترفين اسئلة

۱۱۳۹- «إن يقتلونا الغزاة و يكسروا عظامنا لن تلين الأجيال القادمة أمامهم»

- (۱) اگر چه اشغالگران ما را بکشند و استخوان ما را بشکنند اما نسل‌های آینده‌ی ما در مقابلشان تسلیم نمی‌شوند.
(۲) اگر به وسیله غارتگران کشته شویم و استخوان‌هایمان شکسته شود نسل بعدی در مقابل آنها سر خم نمی‌کند.
(۳) اگر مهاجمان غارتگر ما را بکشند و استخوان‌هایمان را بشکنند نسل‌های آینده در برابر آنها سر خم نخواهند کرد.
(۴) گرچه مهاجمان دشمن ما را بکشند و استخوان ما را بشکنند اما نسل‌های بعدی ما در برابر آنها تسلیم نخواهند شد.

۱۱۴۰- «در روستای کوچک ما هنوز کتابخانه‌ی عمومی برای استفاده‌ی اهالی روستا نساخته‌اند.»

- (۱) في قريتنا صغيرة لَمَّا تصنع مكتبة عامة لإستفادَة أهالي القرية.
(۲) في قريتنا الصغيرة لَمْ يصنعوا مكتبة عامة لإستفادَة ساكني القرية.
(۳) في قريتنا الصغيرة لَمَّا يَصْنَعُوا المكتبة العامة لإستفادَة أهالي القرية.
(۴) في قرية صغيرة لَمَّا يَصْنَعُوا مكتبة عامة لإستفادَة ساكنين القرية.

۱۱۴۱- ما هو الأقرب لمفهوم الآية الشريفة: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؟»

- (۱) دل قوی دار که بنیان بقا محکم از اوست.
(۲) به عمل کار برآید به سخن دانی نیست.
(۳) مَنْ طَلَبَ الْعُلَى سَهَرَ اللَّيَالِي.
(۴) إلى الفجر سيري فَعَمَّا قريب/ من الله يَأْتِيكَ نصرٌ مبين.

۱۱۴۲- عَيْنِ الْمُخْتَلَفِ فِي الْمَفْهُومِ:

(۱) مَنْ طَلَبَ الْعُلَى سَهَرَ اللَّيَالِي. (۲) لَنْ تَبْلُغَ الْمَجْدَ حَتَّى تَلْعَقَ الصَّبْرَ. (۳) مَنْ يَعْمَلِ الْخَيْرَ يَنْتَفِعْ بِهِ. (۴) لَا تَحْسَبِ الْمَجْدَ تَمَرًا أَنْتَ آكَلُهُ.

۱۱۴۳- «لَا يَتَعَاوَنُ الْمُسْلِمُونَ فِي الْمَعَاصِي وَ لَا يَعْتَمِدُوا عَلَى الْأَعْدَاءِ فِي الْمَشَاكِلِ»

- (۱) مسلمانان در گناه مشارکت نمی‌کنند و در مشکلات به دشمنان اعتماد ندارند.
- (۲) مسلمانان نباید در گناهان یک‌دیگر را یاری کنند و در مشکلات نباید به دشمنان اعتماد نمایند.
- (۳) مسلمانان در گناهان یک‌دیگر را یاری نمی‌کنند و در سختی‌ها به دشمن اعتماد نمی‌کنند.
- (۴) مسلمانان را در گناهان یاری نکنید و در مشکلات به دشمنان اعتماد نداشته باشید.

۱۱۴۴- «ثَأْرُو وَطَنًا لَا يَنْحُنُونَ إِمَامَ الطَّغَاةِ وَ إِنْ يَمُوتُوا فِي طَرِيقِ الدِّفَاعِ عَنْ هَوِيَّتِهِمْ.»

- (۱) انقلابیون میهن ما در مقابل طغیانگران سر خم نمی‌کنند اگرچه در راه دفاع از هویت خود بمیرند.
- (۲) رزمندگان وطن در مقابل سرکشی تسلیم نمی‌شوند و در راه دفاع از هویتشان می‌میرند.
- (۳) مدافعان میهن ما در مقابل ستمگری و طغیان سر خم نمی‌کنند اگرچه در راه دفاع از هویت بمیرند.
- (۴) انقلابیون میهن ما در برابر طغیانگران نرمش نشان نمی‌دهند و در راه دفاع از هویت خود می‌میرند.

۱۱۴۵- عَيْنِ الْخَطَأِ:

- (۱) لَمَّا تَقْصُرُونَ الْيَوْمَ فِي تَهْذِيبِ أَنْفُسِكُمْ فَكَيْفَ تَنْظُرُونَ التَّقَدُّمَ غَدًا؟ زمانی که امروز در پاکی درونتان کوتاهی می‌کنید پس چگونه انتظار پیشرفت در آینده را می‌کشید؟
- (۲) فَلْيَعْلَمُوا أَنَّ الْعَالَمَ قَائِمٌ بِالْعَمَلِ وَ مَنْ تَحَرَّكَ يَجِدْ مَا يَطْلُبُ: باید بدانند که جهان بر کار استوار است و هر کس حرکت کند آن‌چه را می‌طلبد، می‌یابد.
- (۳) فَحَاوِلْ وَ لَا تَتَكَاَسَلْ، إِنَّ الثَّمَرَاتِ عَلَى الشَّجَرَاتِ الْبَاسِقَةِ: پس تلاش کن و تنبلی نکن، میوه‌ها بر بالای درختان بلند هستند.
- (۴) وَ فِي هَذَا الطَّرِيقِ اجْعَلْ جُهْدَ الْحَيَوَانَاتِ فِي الطَّبِيعَةِ نَصَبَ عَيْنِيكَ: و در این راه تلاش‌های حیوانات را در طبیعت مورد توجه باید قرار داد.

اقرأ النَّصَّ ثُمَّ اجِبْ عَنْ الْأَسْئَلَةِ (۱۱۴۶-۱۱۵۱) بِمَا يَنْاسِبُ النَّصَّ:

«إن نظرنّا إلى المصادر الرئيسة (منابع اصلی) لأحاديث الأئمة المعصومين نجد فيها عبارات كثيرة حول «الصدق و الصداقة». لماذا أكد الإسلام على أن تنتهّم في هذا الموضوع إهتماماً؟ من الصديق الحقيقي؟ عل الصديق من يُصدّقنا في جميع الأمور؟ ماذا يفعل الصديق الوفيّ عندما يُشاهدنا عند المعصية؟! يُشجّعنا أو يسكت أو يمنعنا؟ ماذا يفعل الصديق عندما يسمع أنّ قوماً يغتابُ عن صديقه؟ هل يستمع بفرح أو يمرّ دون العناية (بدون توجه)؟! إذا تصادق شخصاً فعلياً مسؤوليات كثيرة بنسبة له. منها التعاون في البرّ لا في الإثم و الدفاع عنه عند غيابه. و أخيراً لنعلم أنّنا نشترك في أعمال أصدقائنا خيراً أو شراً يوم القيامة.»

۱۱۴۶- ما هو الأبعد لمفهوم النصّ؟

- (۱) المرء على دين خليله و قرينه.
- (۲) صديقك من صدّقك لا من صدّقك.
- (۳) أحبُّ إخواني من أهدى إلى عيوبي.
- (۴) سلّ عن الرفيق قبل الطريق.

۱۱۴۷- ما هو الخطأ؟

- (۱) الإسلام يؤكّد على الصداقة أكثر من سائر الأمور.
- (۲) الصديق الوفيّ لا يصدّق كلّ أعمالنا و إن نحزن منه.
- (۳) الصديق يعتبر زين صديقه زين نفسه.
- (۴) الصديق كالمرأة لا يصرخ و لا يسخر.

۱۱۴۸- ما هو الصحيح؟

- (۱) علينا أن نساعد أصدقائنا في جميع الامور!
- (۲) الذي يغتابُ عن صديقنا كمن يغتابُ عنا!
- (۳) إذا شاهد عيباً في صديقنا علينا أن نستتره منه!
- (۴) إذا شاهد صديقنا يرتكبُ معصية فعلياً أن لا نُعاتبه!

۱۱۴۹- ما هو الصحيح عن تشكيل عبارة «إن نظرنّا إلى المصادر الرئيسة لأحاديث الأئمة المعصومين نجد فيها عبارات كثيرة حول «الصدق و الصداقة»؟»

- (۱) نظرنّا، الأئمة، عبارات، كثيرة
- (۲) المصادر، نجد، حول، الصديق
- (۳) المصادر، أحاديث، نجد، كثيرة
- (۴) الأئمة، نجد، عبارات، كثيرة

۱۱۵۰- ما هو الصحيح عن الإعراب و التحليل الصرفي: «يشاهد»؟

- (۱) فعل مضارع، للغائب، مزيد ثلاثي بزيادة حرف واحد، معرب/ فعل مضارع مرفوع و فاعله ضمير مستتر
- (۲) فعل مضارع، للغائب، مزيد ثلاثي، معرب، لازم/ فعل مضارع و خبر و مرفوع محلاً
- (۳) فعل مضارع، مزيد ثلاثي بزيادة حرفين، معرب و متعد/ فعل و فاعله ضمير بارز «نا»
- (۴) فعل مضارع، للغائب، مزيد ثلاثي من مصدر «مشاهدة»، مبنی/ فعل مرفوع و الجملة فعلية

۱۱۵۱- ما هو الصحيح عن الإعراب و التحليل الصرفي: «المعصومين»؟

- (۱) اسم، الجمع السالم للمذكر، مشتق و اسم المفعول من مصدر «عصمة» / نعت و مجرور بالياء
- (۲) اسم، الجمع السالم للمذكر، مشتق، معرب، معرف بـأل، منصرف / مضاف اليه و مجرور
- (۳) اسم، مشتق و اسم المفعول من مصدر «عصمة»، معرف بـأل / نعت و منصوب فرعا
- (۴) اسم، جمع التذكير، مشتق، معرب، صحيح الآخر و منصرف / مضاف اليه و مجرور

۱۱۵۲- عَيْن المضارع في المعنى ماضياً:

- (۱) من حفر بئراً لأخيه وقع فيها!
- (۲) لم يُساعدني في هذا الصيد أحد ساكني الجزيرة!
- (۳) فليعبدوا ربَّ هذا البيت!
- (۴) المؤمنون لَنْ يكذبوا من أجل زخارف الدنيا!

۱۱۵۳- ما هو الصحيح عن حرف «لام»:

- (۱) إِنْ تُحِبُّوا أَنْ تَفُوزُوا فَوْزاً عَظِيماً فَلْيَتَّبِعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ: ناصبة
- (۲) صرخ قائد الجيوش: لِيَكُنْ فِي هَذِهِ الْمُنْطَقَةِ جُنُودُ الْعَدُوِّ: ناصبة
- (۳) لَيَنْظُرَ عَاقِبَةُ أَعْمَالِهِ، يَسْتَطِيعُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُطَالَعَ التَّارِيخُ: ناصبة
- (۴) لِتَوْصِلَ الْإِنْسَانَ إِلَى هَذِهِ الْقَوَانِينِ تَجَرَّعَ الْعُلَمَاءُ أَلَاماً كَثِيراً: جازمة

۱۱۵۴- عَيْن ما ليس فيه خطأ:

- (۱) ما تقدّموا لأنفسكم من خير تجدونه عند الله!
- (۲) من يطلب العلى و المعالى يسهر الليالى!
- (۳) ليتكم تعلموا قدر حياتكم حتّى تتمتعوا بمواهبها!
- (۴) على النساء أن يحافظن حجابهم ما دُمْن على قيد الحياة!

۱۱۵۵- ائى عبارة ماجاء فيها أداة شرط؟

- (۱) واهجر التوم و حصّله فَمَنْ يعرف المطلوب يحقر ما بذل!
- (۲) طُغَاءٌ لَإِنْ قَتَلُوا وَرَدْنَا قَلَنْ يَقتُلُوا الخُلم فى الياسمين!
- (۳) ما يُعَانِي الْعُظَمَاءُ مِنْهُ هِيَ الْكِسَالَةُ وَ الْخُمُولُ فى شباههم!
- (۴) بَادِرِ الْفُرْصَةَ وَ اعْلَمْ أَنَّ مِنْ بَادِرِ الصَّيْدِ مَعَ الْفَجْرِ قُنْصٌ

۱۱۵۶- ما هو الصحيح عن الإعراب الأفعال المضارعة؟

- (۱) العاقل ليس مَنْ يزرع الشرَّ و ينتظر الخير!
- (۲) ما تفعلون فى هذه السنة الدراسية التى تشاهدون أصدقاؤكم!
- (۳) لن تتالوا البرَّ حتّى تُنفقوا ممّا تحبّوا!
- (۴) أ لا تعلمى أَنَّ الله يحبُّ أَنْ يرى أثر النعمة على عبده!

۱۱۵۷- عَيْن «اللام» غير الجازمة:

- (۱) الإنسان ليدرك جمال الطبيعة و يُسبِّح خالقها.
- (۲) لتكوين المجتمع الإنسانية السعيدة نحترم القوانين.
- (۳) ليعلم الصادقون ينفعهم صدقهم يوم القيامة.
- (۴) إن تطلبوا السعادة فلتكن منكم امة يدعون إلى الخير.

۱۱۵۸- ائى عبارة جاء فيها ثلاثة أفعال مضارعة من اعراب واحد؟

- (۱) لن تتالوا البرَّ حتّى تُنفقوا ممّا تحبّون.
- (۲) من يتأمل قبل أن يتكلّم يسلم من الخطأ.
- (۳) من يتوكّل على الله و يصبر على المصاعب يفلح.
- (۴) لمّا جلسنا على المائدة لتتناول العشاء جاء ضيفٌ.

۱۱۵۹- عَيْن «اللام» غير الناصبة.

- (۱) يُبْعَثُ الْأَنْبِيَاءُ لِيَهْدِيَ النَّاسَ إِلَى طَرِيقِ الْحَقِّ.
- (۲) حَصَرْنَا فى الصفِّ هذا اليوم لتعلّم القرآن.
- (۳) طلبتُ من معلّمتي لشّاعدي فى فهم الدّرس.
- (۴) ركضنا نحو الشارع لنشاهد إصطدام السيّارتين.

۱۱۶۰- عَيْن الفراغ ليس مناسباً لـ «مَنْ»:

- (۱) المؤمنون لا يكذبون من أجل زخارف الدنيا.
- (۲) ينظر إلى حياة النملة يشاهد عجائب كثيرة.
- (۳) هذا الصيادون ينتخبون مأمنهم بين الأشجار.
- (۴) تفعلوا من خير يعلمه الله.

۱۱۶۱- ما هو الصحيح عن الأفعال؟

- (۱) مَنْ حَفَرَ بئراً لأخيه وقع فيها.
- (۲) لتبتعد عن الكذب؛ أنظر إلى عاقبة الكاذبين.
- (۳) لا تحسب المجد تماًراً أَنْتَ تَأْكُلُهُ بسهولة.
- (۴) الكسلاّن لم ينجحوا فى حياته.

۱۱۶۲- عَيْن المضارع المجزوم فى محلّ الرفع.

- (۱) لا تقنطوا من رحمة الله.
- (۲) فليعبدوا ربَّ هذا البيت.
- (۳) إِنْ تَتَصَرَّعُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ.
- (۴) الْكُفَّارُ لَمْ يَؤْمِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ.

۱۱۶۳- عَيْن الخطأ:

- (۱) من يهدنى فى حياتى ير ثمره عمله ← «مَنْ» جازمة
- (۲) سرّنى من أخبرنى بأنتصار المجاهدين ← «مَنْ» موصولة
- (۳) مَنْ نادانى عندما كنت أتكلّم معك ← «مَنْ» استفهامية
- (۴) يساعدنا من يرانا فى هذه الحالة ← «مَنْ» عاملة



درس هفتم (منادا)

انواع منادا

- ۱- منادای عَلَم ← یا + اسم خاص انسان، شهر، کشور و ... ← اعراب منادا: مبنی بر ضمّ و محلاً منصوب ← یا علی، یا فاطمه، یا قدس، یا ایران
- ۲- منادای مضاف ← یا + اسم + مضاف الیه ← اعراب منادا: منصوب ← یا رسول الله / یا تلميذ المدرسة / یا تلميذات الصف / یا مسلمی العالم / یا معلّی / یا صدیقی / (برای مطالعه) ۳- منادای نکره مقصوده ← یا + اسم نکره (غیر عَلَم) ← اعراب منادا: مبنی بر ضمّ و محلاً منصوب ← یا رجل! / یا طالِب! / یا طالب! / یا انسان! / (برای مطالعه) ۴- منادای شبه مضاف ← یا + اسم نکره + [جمله‌ی وصفیه / جار و مجرور] ← اعراب منادا: منصوب ← یا بصیراً بالعباد! / یا مجاهداً فی سبیل الله! / یا عالماً لا یَعْلَم! / یا غنیّاً لا یفتقر! / یا صادقاً لا یخلف! /

نکته‌های منادا

- ۱- اللهم ← یا الله م ← اللهم: منادای عَلَم، مبنی بر ضمّ و محلاً منصوب
- ۲- اگر اسم مورد ندا دارای «ال» بود ← «یا» مستقیماً بر سر آن نمی‌آید ← [اگر مذکر بود ← ائِها ← اگر مؤنث بود ← ایتِها] در این حالت «ای» و «ایة» منادای نکره مقصوده هستند ← «ها» حرف تنبیه است ← اسم «ال» دار پس از «ایها» و «ایتِها» تابع منادا و مرفوع است. * یا ائِها المسلمون * یا ایتِها الصادقة
- ۳- حذف حرف ندا از ابتدای منادا ← راه تشخیص [جمله‌ی بعد از آن، دارای نشانه‌ی مخاطب بودن است. جمله‌ی بعد از آن، مستقل است.] * انسان، هل تدعو من لا یتستجیب دعوتک؟! * ربنا، ائنا سمعنا منادیاً ینادی للایمان [جمله‌ی مستقل] * حافظ القرآن، علیک العمل به! * فاطمة، جاءت صدیقاتک لزیارتک! ۴- اگر مضاف الیه «ی» متکلم وحده باشد ← می‌تواند حذف شود ← به جای آن، کسره می‌آید ← یا ربی، یا رب، رب / یا اولادی، یا اولاد، اولاد /

دو نکته‌ی فرعی

- ۱- انواع واو
 - واو عطف ← وَعَدَ الله المؤمنين وَ الْمُؤْمِنَاتِ جناتٍ / خلق الله الليلَ وَ النَّهارَ
 - واو قسم ← جزء جروف جرّ است (واو جارة) ← وَ الفجرِ / وَ العصرِ / وَ الله / (برای مطالعه) واو حالیه ← ... وَ + اسم + خبر ← جاء الطالب وَ هو یضحک.
- ۲- (برای مطالعه) فعل مضاعف: فعلی که در حروف اصلی آن حرف تکراری وجود دارد ← در صورت مجزوم شدن ← در صیغه‌های ۱، ۴، ۷، ۱۳ و ۱۴ به جای ساکن، فتحه می‌گیرد. ← * تردُّ ← لا تردُّ * یفکُّ ← لم یفکُّ

پرسش های چهار گزینه ای درس هفتم



ترجمه

عَيْنِ الْاَصَحِّ وَالادَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ لِلْأَسْئَلَةِ رَقْم ٣١١٨ حَتَّى رَقْم ٣١٨٨:

٣١١٨- «لَا تَسْمَحُوا لِلنَّاسِ أَنْ يَشْرُكُوا الدُّنْيَا بِذَرِيعَةِ الْخُصُولِ عَلَى الْآخِرَةِ»:

- (۱) مردم اجازه ندارند که دنیا را بهانه کنند و به آخرت دست یابند. (۲) به مردم اجازه ندهید که به بهانه‌ی دستیابی به آخرت دنیا را رها کنند.
(۳) مردم اجازه نمی‌دهند که به بهانه‌ی آخرت، دنیا رها شود. (۴) به مردم اجازه نمی‌دهید که دنیا و آخرت را به طور یکسان رها کنند.

٣١١٩- «إِذْ التَّبَسَّتَ عَلَيْكَ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلَمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ»:

- (۱) زمانی که فتنه‌ها همچون شبی گمراه کننده پوشیده شوند، پس بر شما لازم است که قرآن بخوانید.
(۲) موقعی که لباس شب تاریک بر شما پوشیده شود، بر شما واجب است که به قرآن تمسک جویید.
(۳) اگر لباس فتنه‌ها را مانند تکه‌های شب تاریک بپوشید، قرآن بر شما حکم می‌کند.
(۴) هرگاه فتنه‌ها مانند پاره‌های شب تاریک بر شما مشتبه شوند، بر شماست که بر قرآن رجوع کنید.

٣١٢٠- «كُلُّ أَبَدَى رَأَيْهِ فِي الْجَلْسَةِ الَّتِي كُنْتُ قَدْ اشْتَرَكْتُ فِيهَا»:

- (۱) در جلسه‌ای که در آن شرکت کرده بودیم هر کسی شروع به سخن گفتن نمود.
(۲) هر اظهار نظری که در جلسه عنوان شد، من در آن شرکت داشتم.
(۳) در جلسه‌ای که در آن شرکت می‌کردیم، هر کسی نظرش را بیان می‌کرد.
(۴) هر کسی نظرش را در جلسه‌ای که در آن شرکت کرده بودم اظهار کرد.

٣١٢١- «أَيُّ دَانِسِ آمُوزَانِ بَا فُرُوتَنِی پُرُورْدگَارَتَانِ رَا بَخَوَانِید.»:

- (۱) یا طَلَابُ! اُدْعُوْنَ رَبَّکُمْ خَاشِعِیْنَ.
(۲) اَیُّهَا الطَّالِبَاتُ! اُدْعُوْنَ رَبَّکُنَّ خَاشِعَاتٍ.
(۳) اَیُّهَا طَلَابُ! اُدْعُوا رَبَّکُمْ خَاشِعِیْنَ.
(۴) یا طَالِبَاتُ! اُدْعُوا رَبَّکُنَّ خَاشِعَاتٍ.

٣١٢٢- عَيْنِ الْخَطَا عَنْ الْمَرَادِفَاتِ:

- (۱) یترک - یدَعُ (۲) جَعَلَ - وَضَعَ (۳) طَلَبَ - رَامَ (۴) أَحْسَنَ - أَسَاءَ

٣١٢٣- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) «مَنْ كَسَرَ مَوْئناً فَعَلَيْهِ جَزْءُهُ.» هر کس مؤمنی را بشکند ترمیم و اصلاحش بر او واجب است.
(۲) «رُبُّ ظَمَانٍ يَصْفُو الْمَاءَ غَصَّ.» چه بسا گرسنه‌ای که با آب زلال مُرده است.
(۳) «نَظَنُّ أَنْ الْوَالِدَةَ تَتَكَلَّمُ مَعَ نَفْسِهَا.» گمان می‌کنیم که پدر با خودش صحبت می‌کند.
(۴) «هِيَ أَكْثَرُ مَتَى صَبْرًا.» او صبر مرا زیاد کرد.

٣١٢٤- «قُرْآن، جَامِعِیْ اِنْسَانِی رَا اَز نَاامِیدِی بَه سَوِی اَمِیدواری بیرون می‌آورد.»:

- (۱) یَخْرُجُ الْقُرْآنُ مُجْتَمَعَ الْإِنْسَانِ مِنْ يَأْسٍ إِلَى الرَّجَاءِ.
(۲) الْقُرْآنُ يَخْرِجُ الْجَامِعَةَ الْإِنْسَانِيَّةَ مِنَ الْيَأْسِ إِلَى الرَّجَاءِ.
(۳) يَخْرِجُ الْقُرْآنُ مُجْتَمَعَ اِنْسَانِی مِنْ يَأْسٍ إِلَى رَجَاءِ.
(۴) الْقُرْآنُ يَخْرِجُ الْمُجْتَمَعَ الْإِنْسَانِي مِنَ الْيَأْسِ إِلَى الرَّجَاءِ.

٣١٢٥- «وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ.»:

- (۱) حق را بگو که از جانب پروردگار شماست، پس هر کس خواست باید ایمان بیاورد.
(۲) بگو: حق از سوی پروردگارتان است، پس هر کس بخواهد باید ایمان بیاورد.
(۳) بگو که حق و حقیقت از پروردگارشان است، تا هر کس که بخواهد ایمان بیاورد.
(۴) حق را که از جانب پروردگارتان است بگو تا هر کس که بخواهد ایمان بیاورد.

٣١٢٦- «أَيُّ دَانِسِ آمُوزَانِ مُحْتَرَمٍ! پُرُورْدگَارَتَانِ رَا فَرَامُوشِ نَکَنِید و بَر او تَوَکَلِ نَمایید.»:

- (۱) اَیُّهَا الطَّالِبُ الْمُحْتَرَمُ! لَا تَنْسُوا رَبَّکُمْ وَ تَوَكَّلُوا عَلَيْهِ.
(۲) اَیُّهَا الطَّالِبُ الْمُحْتَرَمُونَ! لَا تَنْسُوا رَبَّکُمْ وَ تَوَكَّلُوا عَلَيْهِ.
(۳) اَیُّهَا الطَّالِبَاتُ الْمُحْتَرِمَاتُ! لَا تَنْسَيْنَ رَبَّکُنَّ وَ تَوَكَّلْنَ عَلَيْهِ.
(۴) یا طَالِبَاتِ الْمُحْتَرِمَاتِ! لَا تَنْسِينَ رَبَّکُنَّ وَ تَوَكَّلْنَ عَلَيْهِ.

۳۱۲۷- «و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»:

- (۱) و می‌خواهیم کسانی که در زمین ضعیف شدند بر ما منت بگذارند و ما را پیشوایان و وارثان (زمین) قرار دهند.
- (۲) و ما خواستیم که با منت گذاشتن بر مستضعفان زمین آن‌ها را امان و وارثان (زمین) قرار دهیم.
- (۳) و اراده می‌کنیم که همانا بر کسانی که در زمین، مستضعف شدند منت بگذاریم و آن‌ها را ائمه و وارثان همراه کنیم.
- (۴) و می‌خواهیم بر کسانی که در زمین ضعیف شمرده شدند منت بگذاریم و آن‌ها را پیشوایان و وارثان (زمین) قرار دهیم.

۳۱۲۸- «ای مسلمانان جهان! مانند کسانی نباشید که خداوند را فراموش کردند»:

- (۱) یا ایها المسلمون العالم! لا تَكُونُوا كَمَنْ نَسُوا اللَّهَ.
- (۲) یا مسلمون العالم! لا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ.
- (۳) یا مسلمات العالم! لا تَكُنَّ كَمَنْ نَسِيَتْ اللَّهَ.
- (۴) یا مُسْلِمِي العالم! لا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ.

(سراسری - تجربی - ۹۲)

۳۱۲۹- عَيْنُ الصَّحِيح:

- (۱) عندما أشعر بالألم ألتصق بالأرض بالسجود الطويل: هنگامی که احساس درد می‌کنم با سجده‌ی طولانی به زمین می‌چسبم،
- (۲) وأُخرج كلَّ ما بداخلي فسأجد هناك من يسمعي: و آن‌چه را در درون دارم بیرون می‌ریزم پس در آن‌جا کسی را خواهم یافت که به او گوش دهم.
- (۳) و ما أعرفه إلا بعد أن أسبَّحه ليلاً و نهاراً بالاشتياق: و او را نشناختم مگر این‌که شبانه روز به خاطر شوقم وی را تسبیح گفته باشم.
- (۴) و هذا الشوق لا يوصلني إلا إلى من هو الله الواحد! و این اشتیاق مرا به کسی که همان خدای واحد است رسانده است!

(سراسری - انسانی - ۹۲)

۳۱۳۰- «ای کسانی که بزرگی را می‌خواهید، تلاش کنید تا آن را به‌دست آورید!». عَيْنُ الْخَطَأ:

- (۱) يا أَيُّهَا الَّذِينَ تَرِيدُونَ الْعُلُوَّ، اسْعُوا حَتَّى تَكْتَسِبُوهُ!
- (۲) يا أَيُّهَا الَّذِينَ تَرِيدُونَ الْعُلُوَّ، اسْعُوا حَتَّى تَكْتَسِبُوهُ!
- (۳) يا أَيُّهَا اللَّتَانِ تَرِيدَانِ الْعُلُوَّ، اسْعِيَا حَتَّى تَكْتَسِبَاهُ!
- (۴) يا أَيُّهَا اللَّاتِي تَرِدْنَ الْعُلُوَّ، اسْعَيْنِ حَتَّى تَكْتَسِبْنَاهُ!

(سراسری - ریاضی - ۹۱)

۳۱۳۱- «أخذتني الدهشة عندما وجدت في بعض الكتب آراء و نظريات كان المسلمون قد طرحوها لأول مرة!»: (سراسری - ریاضی - ۹۱)

- (۱) شگفتی مرا فرا گرفت زمانی که افکار و نظراتی را که برای بار اول مسلمین در برخی کتاب‌ها طرح کرده بودند یافتم!
- (۲) حیرت مرا فرا گرفت هنگامی که در بعضی کتاب‌ها آراء و نظریاتی یافتم که مسلمانان برای اولین بار آن‌ها را مطرح کرده بودند!
- (۳) دچار تعجب شدم وقتی دریافتم در بعضی کتاب‌ها آراء و نظریاتی از مسلمانان آمده که برای نخستین بار آن‌ها، آن را طرح کرده بودند!
- (۴) دچار حیرت و تعجب شدم هنگامی که افکار و نظراتی را که توسط مسلمین برای بار نخست طراحی شده بود در آن کتاب‌ها یافتم!

(سراسری - ریاضی - ۹۱)

۳۱۳۲- عَيْنُ الْخَطَأ:

- (۱) خير و نيكي را جز با خوبي جواب مده! لا تَرُدَّ الْخَيْرَ إِلَّا بِالْخَيْرِ!
- (۲) صبور پيروي را با صبر به دست می‌آورد! يحصل الصبور على الظفر بالصبر!
- (۳) کسی که نصیحت را به تو هدیه کند، آن را بپذیر! اقبل كل نصيحة أهداها إليك!
- (۴) در دشمنی با دشمنان نه افراط کن و نه تفريط! لا تُفْرِطْ وَ لا تُفْرِطْ فِي الْعُدَاوَةِ مَعَ الْأَعْدَاءِ!

(سراسری - تجربی - ۹۱)

۳۱۳۳- عَيْنُ الْخَطَأ:

- (۱) أصلح عملك حتى ترى جمال العلم و فوائده! عملت را اصلاح کن تا زیبایی و فواید علم را ببینی!
- (۲) إِنَّ الْعَالَمَ كُلَّمَا يُحَاوِلُ فِي كَسْبِ الْعِلْمِ لَا يَتَعَبُ! عالم هر چند در راه علم می‌کوشد ولی خسته نخواهد شد!
- (۳) قل الحق و لاتخف عواقبه لأنَّ قيمتك بشجاعتك! حق را بگو و از عواقب آن بیم نداشته باش، زیرا ارزش تو به شجاعت تو است!
- (۴) إذا بُعِدَ النوم الكثير عن نفسك فستتقدم في جميع أمورك! هرگاه خواب زیاد را از خود دور کنی در همه‌ی کارهای خود پیشرفت خواهی کرد!

(سراسری - انسانی - ۹۱)

۳۱۳۴- عَيْنُ الْخَطَأ:

- (۱) لا يستطيع الباطل أن يصصر الحق في الميدان أبداً: باطل هرگز نتوانسته است که با حق در میدان درگیر شود،
- (۲) لأنَّ الحقَّ موجود و الباطل زهوق إن شاء الله: زیرا حق موجود است و باطل نابودشدنی است اگر خدا بخواهد،
- (۳) لا يستطيع الفرد الواحد في العصر الواحد أن يهدم بناء الباطل: یک فرد واحد در یک زمان واحد نمی‌تواند بنای باطل را ویران کند،
- (۴) و هدمه إنما يحصل بواسطة أفراد متعددين و في عصور متعدده: و ویران کردن آن فقط توسط افرادی متعدد و در زمان‌هایی متعدد رخ می‌دهد!

(سراسری - انسانی - ۹۱)

۳۱۳۵- «بد اصل گدا، چو خواجه گردد نه نکوست / مغرور شود، نداند از دشمن دوست!»: عَيْنُ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُوم: (سراسری - انسانی - ۹۱)

- (۱) كلَّ إناءٍ يترشح بما فيه! لا يصير العدو صديقاً بالتعطف! (۲) طار الوشاة على صفاء ودادهم! (۴) مَنْ قَصَدَ الْبَحْرَ اسْتَقْلَّ السَّوَابِقَا!
- ۳۱۳۶- «تجربه‌هایی که در طول عمرم کسب کرده‌ام ثابت کرده است که اگر درباره‌ی موضوعی خوب ببیندیشم، به نتیجه‌ی مفیدی می‌رسم!»

(سراسری - ریاضی - ۹۰)

- (۱) لقد بينت تجاربي طول حياتي، أنني لأحصل على عاقبة جيدة، لو فكرت أفكاراً جيدة!
- (۲) قد ثبتت التجارب التي تزيت بها طول عمري، لو تأمل جيداً، لأحصل على نتيجة مفيدة!
- (۳) لقد أظهرت ما اكتسبته من التجارب في حياتي، لو أفكر حول الموضوع جيداً، لأصل على نتيجة حسنة!
- (۴) قد أثبتت التجارب التي اكتسبتها طول عمري، أنني إن تأملت حول موضوع تأملاً حسناً، وصلت إلى نتيجة مفيدة!

۳۱۳۷- «أخذتني الدهشة عندما شاهدت اجتهد زميلاتي في أداء واجباتهن أكثر من غيرهن!»: (سراسری - زبان - ۹۰)

- ۱) آن‌گاه که تلاش دوستان خود را که بیش از دیگران در ادای وظایف خویش می‌کوشیدند می‌بینم در شگفت می‌شوم!
- ۲) وقتی سعی رفقایم را بیش‌تر دیدم که در انجام دادن وظایفشان تلاش می‌کنند، تعجب و حیرت مرا فرا گرفت!
- ۳) آن‌گاه که فعالیت همکلاسیهایم را در انجام تکالیف بیش‌تر از سایرین دیدم سخت حیرت کردم!
- ۴) وقتی تلاش همکلاسیهایم را در انجام تکالیفشان بیش از دیگران دیدم حیرت مرا فرا گرفت!

۳۱۳۸- عَيْنُ الْخَطَا: (سراسری - تجربی - ۸۹)

- ۱) «قطعاً شما در شرف بهبودی هستید!»: إنکم علی وشک الشفاء!
- ۲) «کفّاش در مغازه‌ی خود بسیار کار می‌کرد!»: کان الحدّاء یعمل فی حانوته عملاً کثیراً!
- ۳) «امکان ندارد اسم من از این مسابقه حذف شود!»: لا یمکن أن یحذف اسمی من هذه المسابقة!
- ۴) «ماهی بزرگ دریا از سمتی به سمتی دیگر شنا می‌کرد!»: کان السمكة الكبيرة البحار تسبح من جانب إلى جانب!

۳۱۳۹- «یری الکافر یوم القیامة أنّ أعماله السيئة تشهد علیه، و لا بدّ من ذلك!»: (سراسری - زبان - ۸۹)

- ۱) انسان کافر روز قیامت را در حالی که اعمال بدش علیه او شهادت می‌دهند، خواهد دید، و راه فراری هم ندارد!
- ۲) کافر روز قیامت را می‌بیند که کارهای بد او بر ضد وی شاهد هستند، و هیچ راه چاره‌ای برای او نیست!
- ۳) انسان کافر روز قیامت را می‌بیند که اعمال بد گواه او شده است، و راه گریزی هم از آن ندارد!
- ۴) کافر روز قیامت می‌بیند که اعمال بدش علیه او شهادت می‌دهند، و چاره‌ای هم از آن نیست!

۳۱۴۰- «لا تسمح لنفسك أن تخدعك و توقعك في طلب مال الدنيا بذريعة ضرورتها!»: (سراسری - زبان - ۸۹)

- ۱) نفس تو اجازه ندارد که به‌وسیله‌ی نیاز به مال تو را فریب داده، تا به راه کسب ثروت دنیا وارد شوی!
- ۲) به نفست اجازه مده فریب دهد و تو را به دنبال طلب مال دنیا بپندازد به بهانه‌ی ضروری بودن آن!
- ۳) اجازه مده که نفست به بهانه‌ی ضرورت، تو را به دنبال طلب مال اندک دنیا انداخته، فریب بدهد!
- ۴) نیاز به مال را بهانه‌ای برای به‌دست آوردن مال دنیا قرار مده، تا نفس تو نیز چنین بهانه‌ای یابد!

۳۱۴۱- عَيْنُ الصَّحِيح: (سراسری - ریاضی - ۸۸)

- ۱) «إذا ذُوقَ النَّاسُ الرَّحْمَةَ فرحوا بها.»: هنگامی که به مردم رحمت چشانده شود بدان خوشحال می‌شوند.
- ۲) «و إن أصابتهم سيئة بما كانوا يكذبون.»: و چون به خاطر گفتن یک دروغ مصیبتی به آن‌ها رسید،
- ۳) «يَسْأَلُوا كُلَّهُمْ من رحمة ربهم.»: آنان نسبت به رحمت الهی ناامید می‌شوند،
- ۴) «فالله يُذِيقُهُمْ بعضَ ما عملوا، لعلهم يرجعون!»: پس خدا به بعضی از آن‌ها کارهایشان را چشانده، شاید بازگردند!

۳۱۴۲- «لا تترك الدنيا بذريعة الحصول على الآخرة.» عَيْنُ الْخَطَا عن مفهوم العبارة: (سراسری - ریاضی - ۸۸)

- ۱) یکتسب ما فی الآخرة بما فی هذه الدّنيا!
- ۲) یجب أن تكون الدّنيا وسیلة لکسب الآخرة!
- ۳) یجب علیک أن تعمل فی الدّنيا للآخرة!
- ۴) لا تحصل علی الآخرة إلا بترك الدّنيا!

۳۱۴۳- عَيْنُ الْخَطَا: (سراسری - تجربی - ۸۸)

- ۱) «ما سمح والدای أن أترك الدراسة بذريعة تأمين المعاش!»: والدینم اجازه ندادند که به بهانه‌ی تأمین معاش تحصیل را ترک کنم!
- ۲) «تعلّمت فی الحیاة أنّی إن کسرت مؤمناً فعلی جبره!»: در زندگی آموختم که اگر مؤمنی را بشکنم ترمیم آن بر من واجب است!
- ۳) «یعانی الإنسان هذا المرض مادام مجهولاً علی الأطباء!»: مادام که بیماری انسان برای اطبا ناشناخته باشد از آن رنج می‌برند!
- ۴) «جعل التقدير الإلهی شیخاً عالماً وسیلة لهدایتی فی الحیاة!»: تقدیر الهی پیر فرزانه‌ای را وسیله‌ای برای هدایتم در زندگی قرار داد!

۳۱۴۴- عَيْنُ الْخَطَا: (سراسری - انسانی - ۸۸)

- ۱) «ینبغی لک أن تصفح عن خطا صديقك مهما قل!»: شایسته است که اشتباه دوستت را هر قدر هم اندک باشد تکرار نکنی!
- ۲) «لا تنس أنّک عاهدتني أن تحفظني فی الوطن کلها!»: فراموش مکن به من قول دادی که مرا در همه‌ی جاها حفظ کنی!
- ۳) «ما اعظم المرء الذی یستقلّ جوده الكثير إلى الآخرين!»: چه بزرگ است انسانی که سخای زیاد خود را نسبت به دیگران اندک می‌شمارد!
- ۴) «کانت المدرسة تضجّ بأصوات التلاميذ الذین یلعبون كرة القدم!»: مدرسه مالا مال از صداهای دانش‌آموزانی بود که فوتبال بازی می‌کردند!

۳۱۴۵- «مادری که فرزندان را از حرکت در راه پیشرفت باز نمی‌دارد نیکو مادری است!»: (سراسری - انسانی - ۸۸)

- ۱) نعمت الأمّ، الأمّ التي لن تمنع الأولاد عن سیر فی طریق تقدّم!
- ۲) نعم الأمّ، الأمّ التي لا تصدّ أولادها عن السیر فی طریق التقدّم!
- ۳) الوالدة لم تمنع أولادها عن حركة إلى طریق التقدّم نعمت الوالدة!
- ۴) الوالدة التي أولادها لم تصدّ عن الحركة فی الطريق التقدّم نعم الوالدة!

۳۱۴۶- عَنِ الْخَطَا:

(سراسری - انسانی - ۸۸)

- ۱) «هیچ رنگی همچون رنگ سبز، شادی را در وجودم بر نمی‌انگیزد!»: لا لون يبعث السرور في نفسى مثل اللون الأخضر!
- ۲) «توانم را به خاطر کار زیاد از دست دادم، ولی آن را به تدریج باز یافتم!»: فقدت طاقتي بسبب العمل الكثير، ولكنني استعدتها تدريجياً!
- ۳) «خوشا به حال تو، زیرا همیشه برای مواجه شدن با سختی‌ها آماده‌تر از من هستی!»: طوبى لك، لأنك دائماً أكثر استعداداً مني لمواجهة الشدائد!
- ۴) «آیا می‌دانید که شتر می‌تواند هفته‌ها بدون غذا یا آب زنده بماند!»: أعلمتم أنّ الجمل قادرة على أن يبقى الأسبوع كله بدون الطعام أو الماء!

(سراسری - هنر - ۸۸)

۳۱۴۷- «يريد الله من عباده أن لا يحرموا النعم الإلهية على أنفسهم ولا يضيّعوها!»:

- ۱) پروردگار از بندگان خویش خواسته است که نعمت‌های او را بر خود حرام و تباه نکنند!
- ۲) خواسته‌ی خداوند از بندگان این است که موهبت‌های خدا را بر خودشان حرام و ضایع نکنند!
- ۳) خداوند از بندگان خویش می‌خواهد که نعمت‌های الهی را بر خویش حرام نکنند و آن‌ها را تباه نسازند!
- ۴) خدا از بنده‌های خود خواسته است که نعمت پروردگار را بر نفس خویش تحریم نکنند و آن را ضایع نسازند!

(سراسری - هنر - ۸۷)

۳۱۴۸- «و لا تترك الدنيا بذريعة الحصول على الآخرة» الصّحيح عن مفهوم العبارة:

- ۱) الحصول على الآخرة ذريعة مفيدة للإنسان.
- ۲) مفتاح الوصول إلى الآخرة في الدنيا.
- ۳) لا تحصل على الآخرة إلا بترك الدنيا.
- ۴) ترك الدنيا مقدّمة لترك الآخرة.

(سراسری - انسانی - ۸۶)

۳۱۴۹- «يا طالب العلم ينبغي لك أن تتخلّى بالحلم والوقار!»:

- ۱) ای جوینده‌ی علم برای تو شایسته است که به بردباری و متانت آراسته شوی!
- ۲) ای دانشجو شایسته و سزاوار است که تو خود را به شکیبایی و متانت بیاری!
- ۳) ای دانش‌آموز شایستگی تو در این بود که مزین به تحمل و وقار بشوی!
- ۴) ای جویای دانش بر تو لازم است که در خود صبر و متانت را ایجاد کنی!

(سراسری - انسانی - ۸۶)

۳۱۵۰- عَنِ الْخَطَا:

- ۱) «آیا تصور می‌کنی در اسلام ظلمی وجود دارد،»: أتتصور أنّ في الاسلام ظلماً،
- ۲) «که هوادارانش را از پیشرفت باز می‌دارد!»: يصدّ محبّيه عن التقدّم!
- ۳) «حال آن‌که همین اسلام در دوران گذشته‌اش،»: وهذا إسلام في العهد الماضي،
- ۴) «در علم و فرهنگ پیشرفت بسیاری کرده بود!»: كان قد تقدّم في العلم و الثقافة كثيراً!

(سراسری - تجربی - ۸۵)

۳۱۵۱- عَنِ الْخَطَا:

- ۱) «لا تُضيع نعم الله بالاستفادة منها في غير طريق الحق!»: نعمت‌های خدا را با استفاده‌ی از آن‌ها در راه غیر حق تباه مساز!
- ۲) «إنّ التأمل في القرآن يغيّر أسلوبنا في الحياة»: دقت کردن در قرآن روش ما را در زندگی دگرگون می‌کند.
- ۳) «إنّ القرآن هادٍ إلى أفضل وأقوى الطرق»: قرآن به‌سوی برترین و استوارترین راه‌ها هدایتگر است.
- ۴) «الفتن كقطع الليل المظلم فاجتنبوها!»: فتنه‌ها چون پاره‌ی شب تاریک است پس از آن دوری کردند!

۳۱۵۲- «تجد في بعض الآثار والرسائل العلمية في العالم نظريات كانت قد طُرحت لأول مرة من جانب العلماء المسلمين.»:

- ۱) ما در برخی آثار و نوشته‌های علمی دنیا به نظراتی برخورد کرده‌ایم که اولین بار از سوی دانشمندان مسلمان مطرح شده است.
- ۲) در بعضی آثار و رساله‌های علمی در جهان نظریه‌هایی می‌یابیم که برای اولین بار از جانب دانشمندان مسلمان طرح شده بود.
- ۳) در نشانه‌ها و رساله‌های علمی جهان بعضی تئوری‌ها را می‌بینیم که برای بار اول از طرف علمای مسلمان طرح شد.
- ۴) در آثار و کتب علمی در دنیا ما به برخی نظریات از سوی علمای مسلمان برای بار اول برخورد می‌کنیم.

(سراسری - هنر - ۸۵)

۳۱۵۳- «إنّ الإنسان لن يتمتّع بقدرته العظيمة إلاّ في مساعدة الآخرين!»:

- ۱) قطعاً انسان از نیروی عظیمی جز کمک به دیگران، بهره نمی‌برد!
- ۲) انسان فقط در کمک به دیگران از نیروی عظیم خود بهره‌مند خواهد شد!
- ۳) انسان مسلماً هنگام کمک به دیگران از نیروهای زیاد خویش بهره خواهد برد!
- ۴) هرگز انسان جز با کمک دیگران از نیروهای بزرگ خود استفاده نخواهد کرد!

(سراسری - هنر - ۸۵)

۳۱۵۴- «قرآن و اسلام به مردم اجازه نمی‌دهند که دنیا را به بهانه‌ی آخرت رها سازند!» عَنِ الصّحيح:

- ۱) لا يسمح القرآن و الإسلام للشعوب ليدعون دنياهم بذريعة الآخرة!
- ۲) لن يسمح القرآن و الإسلام للناس لكي يدعوا الدنيا بدليل الآخرة!
- ۳) إنّ القرآن و الإسلام لا يسمحان للناس ليدعون دنياهم بذريعة الآخرة!
- ۴) إنّ القرآن و الإسلام لا يسمحان للناس أن يتركوا الدنيا بذريعة الآخرة!

(سراسری - هنر - ۸۵)

۳۱۵۵- «أُتصدّق أنّ قوى الظلم تقدّر أن تسيطر على العالم!»:

- ۱) آیا تو راست می‌گویی که نیروی ظلم می‌تواند بر جهان مسلط شود؟!
- ۲) آیا باور داری که نیروهای ستم می‌توانند بر جهان مسلط شوند؟!
- ۳) آیا تو صدقه می‌دهی که سپاه ستم بتواند بر جهان سیطره یابد؟!
- ۴) آیا سیطره‌ی نیروهای ظالم را بر عالم می‌توانی باور کنی؟!

- ۳۱۵۶- «انسان با استفاده از سنن و قوانین غیرقابل تغییر در جهان به هدف خود خواهد رسید.»:
(۱) بالانتفاع من السنن و القوانين التي لا تتغير يصل الإنسان إلى أهدافه.
(۲) سيصل الإنسان إلى غايته بالاستفادة من السنن و القوانين التي لا تتغير في العالم.
(۳) الإنسان يتمتع بالسنن و القوانين التي لا تتغير و سوف يصل إلى الغاية في الدنيا.
(۴) سوف يصل الإنسان إلى هدفه باستفادته من السنة و القوانين دون تغيير.
- ۳۱۵۷- «مؤمنان از سلطه‌ی ستمگران ناامید نمی‌شوند زیرا می‌دانند سرانجام حق پیروز است!»:
(۱) لن تأس المؤمنات من سيطرة الظالم لأنهن يعرفن الحق غالب أخيراً!
(۲) المؤمنون لا يياسون من غلبه الظلمة عليهم و يعرفون الحق هو الغالب أخيراً!
(۳) إن المؤمنات لم يياسن من تسلط الكفار و يدركون بأن الحق هو الباقي في النهاية!
(۴) لا يأس المؤمنون من سيطرة الظالمين لأنهم يعلمون أن الحق هو المنتصر في النهاية!
- ۳۱۵۸- «إن سبب تقدّم المسلمين العلمي تكريم الاسلام العلم و العلماء.»:
(۱) قطعاً پیشرفت علم نزد مسلمانان، احترام اسلام به دانش و دانشمندان بوده است.
(۲) قطعاً علت پیشرفت علمی مسلمانان، بزرگ داشتن علم و دانشمندان توسط اسلام است.
(۳) بی‌شک محترم شمردن علم و عالمان در اسلام، باعث پیشروی مسلمانان در علم بوده است.
(۴) همانا احترام گذاشتن به دانش و دانش‌پژوهان، باعث پیشرفت علم نزد مسلمانان شده است.
- ۳۱۵۹- «مسلمانان در جستجوی علوم، به دورترین نقطه‌ی کره‌ی زمین سفر می‌کردند!»:
(۱) كان المسلمون يرحلون إلى أقصى الأرض باحثين عن العلوم!
(۲) كانوا المسلمين يرحلون إلى أقصى الأرض يبحثون عن العلوم!
(۳) المسلمون كان يسافرون إلى أقصى كرة الأرض و هم يبحثون عن العلم!
(۴) أن المسلمين كانوا يسافرون إلى أبعد نقاط الأرض و هم باحثين عن العلوم!
- ۳۱۶۰- عَيْنِ الْخَطَأِ:
(۱) «من ضيع نعم الله فقد كفر بها!»: کسی که نعمت‌های خدا را ضایع می‌کند کافر است!
(۲) «ليس من أولياء الله إلا المتقون!»: فقط افراد با تقوی از اولیاء خداوند هستند!
(۳) «علينا أن نكرم الذين ضحوا بأنفسهم لكرامة شعبنا!»: ما باید کسانی را که خود را برای کرامت ملت ما فدا کردند گرامی بداریم!
(۴) «كان سبب تقدّم المسلمين في مجال العلم، تكريم الإسلام له.»: علت پیشرفت مسلمانان در عرصه‌ی علم، بزرگداشت اسلام نسبت به علم بود.
- ۳۱۶۱- «يا طُلاب العلم، اعتبروا بالفشل و بالتجارب القيمة!»:
(۱) ای دانش‌آموزان، از ناکامی‌ها و تجربه‌ها پند بگیرید!
(۲) ای طالبان علم، از شکست و تجربه‌های ارزشمند عبرت بگیرید!
(۳) ای جویندگان علم، آن‌ها از شکست‌ها و تجربه‌های با ارزش عبرت گرفته‌اند!
(۴) ای طالبان علم! آیا به شکست و تجربه‌های قیمتی با عبرت نگاه کرده‌اید!
- ۳۱۶۲- «ای جوینده‌ی علم، به درجات والای علمی نخواهی رسید مگر با تلاش و امید!»:
(۱) يا طالب العلم، لن تتوصل إلى الدرجات العالية العلمية إلا بالاجتهاد و الأمل!
(۲) يا طالبة العلم، سوف لا تبْلغين مكانة علمية رفيعة إلا بالسعي و الرجاء!
(۳) يا طُلاب العلم، لن تصلوا إلى درجات علمية عالية إلا بالعمل و الأمانة!
(۴) يا طالب العلم، سوف لم تصل إلى مقامات عالية علمية إلا باجتهادك و الأمل!
- ۳۱۶۳- عَيْنِ الْخَطَأِ:
(۱) إن القرآن لا تفني عجائبه، : حقیقتاً شگفتی قرآن فناپذیر است،
(۲) و لا نهايه لغرائبه، : و معانی بی‌نظیرش را پایانی نیست،
(۳) و لا يهتدى الناس إلا بهدایت، : فقط با هدایت اوست که مردم راهنمایی می‌شوند،
(۴) و لن تُكشَف الظلمات إلا به! : و تاریکی‌ها بدون استمداد از او مرتفع نخواهد گشت!

۳۱۶۴- «کسی که یکبار جامه‌ی تقوا بر تن کند، کارهای نیکش به ده‌ها صورت ظاهر می‌گردد!» (آزمایشی سنجش - ۹۰)

- (۱) من زین ثوب التقوی لمرة، أبرزت حسناته عشرات أشكال!
- (۲) من لبس لباس التقوی مرة واحدة، ظهرت حسناته بعشرات الصور!
- (۳) من ألبست لنفسه ثوب الزهد مرة، برز أعماله الحسنة بعشرة أشكال!
- (۴) من حلّى نفسه بلباس الزهد مرة واحدة، أظهرت أعماله الصالحة عشرة صور!

۳۱۶۵- عین الخطأ: (آزمایشی سنجش - ۹۰)

- (۱) كانت تعاني المريضة مرضها في تلك الليلة الحزينة: مريض در آن شب حزن‌انگیز از بیماریش رنج می‌برد!
- (۲) لم يحسن الناس إلى الفقير بمال في ذلك البرد الشديد! : مردم به فقیر در آن سرمای شدید پولی ندادند!
- (۳) الرؤيا إذا لم تتحقق، فهي خيرٌ عند الله، فعلى الإنسان أن يتوكل عليه! : رؤیا هرگاه محقق نشود آن خیری از جانب خداست، پس انسان باید بر او توکل کند!
- (۴) الناس يحتفلون في أيام خاصة من حياتهم و يستقبلون الآخرين بحفاوة! : مردم در روزهای خاصی از زندگی خود جشن می‌گیرند و با گرمی از دیگران استقبال می‌کنند!

۳۱۶۶- «الغريق يتشبّث بكلّ حشيشة!» عین الصحيح في المفهوم: (آزمایشی سنجش - ۹۰)

- (۱) ره چاره خود بر قضا بسته نیست / ز دست قضا هیچ‌کس رسته نیست!
- (۲) تا نکنی جای قدم استوار / پای منه در طلب هیچ‌کار!
- (۳) در بیابان لنگه کفش کهنه نعمت خداست!
- (۴) غرقه در نیل چه اندیشه کند باران را!

۳۱۶۷- «الحقيقة أنّ هذه الدنيا فتره العمل و لا حساب فيها، غداً يوم الحساب و لا عمل فيه!» (آزمایشی سنجش - ۹۰)

- (۱) حقيقة دنیا اینست که دوران اقدام بوده و در حالی‌که محاسبه وجود ندارد، و فردا دوران محاسبه بوده و عمل وجود ندارد!
- (۲) واقعیت در دنیا اینست که موقع عمل است بدون محاسبه در آن، و فردا موقع محاسبه بدون فرصتی برای عمل است!
- (۳) حقیقت اینست که این دنیا دوره‌ی عمل کردن است و حسابی در کار نیست، و فردا موقع حساب است و عملی در کار نیست!
- (۴) واقعیت در این دنیا آنست که کاری کنی بدون حساب و کتاب، و فردا زمان آنست که فقط محاسبه کنی بدون هرگونه اقدامی!

۳۱۶۸- عین الصحيح: (آزمایشی سنجش - ۸۹)

- (۱) في عصرنا الحاضر وصل الإنسان إلى درجة عظيمة من التقدّم و صنع الآلات و الأدوات التي تخدمه، : در عصر حاضر، انسان به پیشرفت عظیمی رسیده است و ابزار و وسایلی را که به او خدمت می‌کند ساخته است،
- (۲) فاستفاد من قوى الطبيعة و استخدم ما خلق الله في الأرض لمصلحته، : پس از قوای طبیعت استفاده کرد و آنچه را که خداوند در زمین برای منافع او خلق کرده، به‌کار گرفت،
- (۳) و قد وصل الغربيون اليوم إلى أعظم درجات التقدّم العلميّ و العملی بفضل المسلمين، : در حالی که غربی‌ها امروزه به برکت مسلمانان بر پیشرفت بزرگی از مراتب علمی و عملی دست یافته‌اند،
- (۴) و إن لايعترف كثير منهم بهذا الفضل! : هر چند آنان به بسیاری از این برتری‌ها اعتراف نمی‌کنند!

۳۱۶۹- عین الخطأ: (آزمایشی سنجش - ۸۹)

- (۱) في نهر قرب بيتنا عشر سمكات و هي ملوّنة و جميلة، : در رودخانه‌ای نزدیک منزل ما ده ماهی هستند که رنگارنگ و زیبا می‌باشند،
- (۲) ذات يوم كنث جالساً إلى جانب النهر أنظر إليه بكلّ سرور، : روزی در کنار رودخانه نشسته بودم و با شادی تمام به آن می‌نگریستم،
- (۳) فجأة شاهدت إحدى السمكات قد وقعت على الأرض بجانب النهر، : ناگهان یکی از ماهی‌ها را دیدم که بر روی زمین کنار رودخانه افتاده است،
- (۴) فأخذتها بسرعه و وضعها في النهر ففتحت فمها و سبحت بفرحة! : پس آن را برداشتم و به سرعت در رودخانه‌ای قرار دادم، او دهانش را گشود و با شادی شنا کرد!

۳۱۷۰- «علينا أن نشارك في الامتحانات واثقين بعلمنا حتّى ننجح!» (آزمایشی سنجش - ۸۷)

- (۱) ما باید با اعتماد به علم خود در امتحانات شرکت کنیم تا موفق شویم!
- (۲) ای کاش با تکیه بر علم و دانش خود در امتحانات شرکت کنیم تا پیروزی حاصل شود!
- (۳) شرکت ما در امتحانات باید با اعتماد بر علم خویش باشد تا به دنبال خود موفقیت بیاورد!
- (۴) بر ما لازم بود بر علم خویش تکیه می‌کردیم آن‌گاه در امتحانات شرکت می‌کردیم و موفق می‌شدیم!

- ۳۱۷۱- «يَشْجَعُ دِينَا الْمُسْلِمَ الْمُؤْمِنَ عَلَى أَنْ يَبْحَثَ عَنِ الْعِلْمِ وَ إِنْ كَانَ فِي أَقْصَى نَقَاطِ الْأَرْضِ!»:
 (۱) مسلمان مؤمن به جستجوی علم اگر در دورترین جای زمین باشد توسط دین ما تشویق می‌شود!
 (۲) دین ما مسلمان مؤمن را به جستجوی علم تشویق می‌کند اگر چه در دورترین نقاط زمین باشد!
 (۳) دین ما همیشه مسلمان واقعی را تشویق کرده که علم را بجوید اگر چه در دورترین جاهای زمین باشد!
 (۴) مسلمان واقعی دائماً برای جستجوی علم اگر چه در دورترین نقاط سرزمین باشد مورد تشویق دین ما قرار دارد!
 (آزمایشی سنجش - ۸۶)
- ۳۱۷۲- «الْمُعْلَمُونَ يَشْجَعُونَ طُلَابَهُمْ إِلَى التَّمَتُّعِ مِنْ فُرْصِ الْخَيْرِ وَ إِغْتِنَامِهَا.»:
 (۱) آموزگار شاگردان را به استفاده از فرصت‌های نیک و غنیمت دانستن آن‌ها تحریک می‌کردند.
 (۲) معلم‌ها به بهره بردن دانش‌آموزان و مغتنم دانستن آن‌ها فرصت‌های خوب را، تشویق می‌کنند.
 (۳) آموزگارها دانش‌آموختگان خویش را به سود بردن از اوقات نیک و مغتنم شمردن آن‌ها برمی‌انگیزند.
 (۴) معلمان دانش‌آموزان خود را به بهره بردن از فرصت‌های خوب و غنیمت شمردن آن‌ها تشویق می‌کنند.
 (آزمایشی سنجش - ۸۶)
- ۳۱۷۳- «خُدای من، برترین اعمال نزد من اطاعت از تو و دوری کردن از معصیت نسبت به تو است!» عَيْنُ الْخَطَا:
 (۱) رَبِّ، أَعْلَى عَمَلٍ لِي إِطَاعَتُكَ وَ اجْتِنَابُ مَعْصِيَةِ لَكَ!
 (۲) إلهي، أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ عِنْدِي طَاعَتُكَ وَ الرِّغْبَةُ عَنْ مَعْصِيَتِكَ!
 (۳) رَبِّي، أَعْلَى الْأَعْمَالِ عِنْدِي أَنْ أَطِيعَكَ وَ أَجْتَنِبَ مَعْصِيَتَكَ!
 (۴) اللَّهُمَّ، أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ عِنْدِي إِطَاعَتُكَ وَ الْإِبْتِعَادُ عَنْ مَعْصِيَتِكَ!
 (آزمایشی سنجش - ۸۵)
- ۳۱۷۴- «إِنَّ الْعُلَمَاءَ سَبَبُ تَقَدُّمِ الْمُسْلِمِينَ الْعِلْمِيِّ فِي كُلِّ الْمَجَالَاتِ.»:
 (۱) علماء باعث گسترش علم مسلمان‌ها در هر عرصه‌ای بودند.
 (۲) دانشمندان سبب پیشرفت علمی مسلمانان در تمام عرصه‌ها می‌باشند.
 (۳) فضلا هستند که موجب گسترش علم مسلمین در تمامی عرصه‌ها می‌شوند.
 (۴) دانشمندان علم را علت پیشرفت مسلمانان در همه‌ی عرصه‌های دانش می‌دانند.
 (آزمایشی سنجش - ۸۵)
- ۳۱۷۵- «هناك آراء و نظريات متعدّدة في كتب المسلمين تبعث فينا العجب!»:
 (۱) عقاید و نظریات متعددی در کتاب‌های مسلمانان وجود دارد که باعث شگفتی ما می‌شود!
 (۲) اندیشه‌ها و دیدگاه‌هایی در مکتوبات علماء مسلمان هست که ما را متعجب کرده است!
 (۳) در کتاب‌های دانشمندان مسلمان آراء و اندیشه‌های متفاوتی است که تعجب ما را برمی‌انگیزد!
 (۴) آن‌جا نظریات و اندیشه‌های متعددی در نوشته‌های مسلمانان است که برای ما شگفت‌آور است!
 (آزمایشی سنجش - ۸۵)
- ۳۱۷۶- «الأمة الإسلامية تنتفع من الخيرات والطيبات، و كلّها في خدمة العباد.»:
 (۱) ملت اسلام از خیرات و نعمت‌های پاک بهره برده، و همگی آن در خدمت بنده بوده است.
 (۲) امت اسلامی از خیرات و روزی‌های پاکیزه سود می‌برد، و همگی آن‌ها در خدمت بندگان است.
 (۳) جامعه‌ی اسلامی از نعمت‌ها و برکات سود می‌برد، که همه‌ی آن‌ها در خدمت ما بندگان خداست.
 (۴) در اجتماع اسلامی ملت اسلامی از روزی‌ها و خیرات بهره‌مند شده، همگی در خدمت بندگان است.
 (آزمایشی سنجش - ۸۴)
- ۳۱۷۷- عَيْنُ الصَّحِيحِ:
 (۱) «شَجَّعَ الْمُعْلَمُ طُلَابَهُ إِلَى اسْتِفَادَتِهِمْ مِنَ الْفُرْصِ لِلْوُصُولِ إِلَى الْمَجْدِ.» معلم دانش‌آموزان خود را به استفاده از فرصت برای رسیدن به سربلندی تشویق می‌کند.
 (۲) «عليك أن لاتنسى مسئوليتك أمام الناس، و هذا من واجباتك!» تو نباید مسئولیت خود را در مقابل مردم فراموش کنی، و این از تکالیف توست!
 (۳) «لاتسمح لنفسك أن تترك الدّنيا بذريعة الآخرة.» به نفس خود گوش فرا مده و دنیا را به بهانه‌ی آخرت ترک مکن.
 (۴) «زوّد الله تعالی مخلوقاته بالحواس المختلفة.» خداوند آفریدگان را به حواس متنوعی مجهز کرده است.
 (آزمایشی سنجش - ۸۴)
- ۳۱۷۸- «خداوند انسان را از تحریم نعمت‌ها بر خویشتن باز داشته است.»:
 (۱) يَنْهَى اللَّهُ الْإِنْسَانَ عَنْ تَحْرِيمِ نِعْمَتِهِ عَلَيْهِ.
 (۲) الْإِنْسَانُ نُهِيَ عَنْ تَحْرِيمِ نِعْمَةٍ عَلَى نَفْسِهِ.
 (۳) إِنَّ اللَّهَ قَدْ نَهَى الْإِنْسَانَ عَنْ تَحْرِيمِ النِّعَمِ عَلَى نَفْسِهِ.
 (۴) نَهَى اللَّهُ الْإِنْسَانَ عَنْ تَحْرِيمِهِ عَلَى النِّعْمَةِ عَلَى نَفْسِهِ.
 (آزمایشی سنجش - ۸۴)
- ۳۱۷۹- «دانشمندان مسلمان درجات علمی والایی را در قرن‌های اولیه کسب کرده بودند.»:
 (۱) كان العلماء المسلمون قد اكتسبوا درجات علمية رفيعة في القرون الأولى.
 (۲) كان علماء المسلم يكتسبون درجات علمية سامية في القرون الأولى.
 (۳) إِنَّ عِظَمَاءَ الْإِسْلَامِ كَانُوا يَكْسِبُونَ الْمَقَامَاتِ الْعِلْمِيَّةَ فِي قُرُونِ الْأَوَّلَى.
 (۴) إِنَّ عِلَمَاءَ الْمُسْلِمِينَ كَسَبُوا مَكَانَةً عِلْمِيَّةً عَالِيَةً فِي الْقُرُونِ الْأَوَّلَى.

۳۱۸۰- «ما باید از نعمت‌های الهی به عنوان رزق و روزی و وسیله‌ای برای حرکت به سوی کمال استفاده کنیم!»: (آزمایشی سنجش- ۸۴)

(۱) يجب علينا أن نتمتع من النعمة الإلهية رزقاً و وسيلةً حركتنا إلى الرشد و الكمال!

(۲) الواجب لنا أن نتمتع بالموهب الإلهي كالرزق و الوسيلة للسیر إلى الرشد!

(۳) علينا الاستفادة من الطيبات الإلهية للحركة نحو الكمال و الهداية!

(۴) علينا أن نستفيد من النعم الإلهية كرزق و وسيلة للحركة نحو الكمال!

۳۱۸۱- «كان المسلمون يبحثون عن العلوم و لذلك يرحلون إلى نقاط بعيدة من الأرض.»: (آزمایشی سنجش- ۸۴)

(۱) در جستجوی علوم، مسلمانان به نقطه‌های دور در روی زمین کوچ می‌کردند.

(۲) مسلمین در پی دانش‌ها رفته بودند لذا به مناطق دوردست در زمین کوچ کرده بودند.

(۳) مسلمانان در جستجوی علوم بودند و به خاطر همین به نقاط دوری در روی زمین سفر می‌کردند.

(۴) به خاطر دانش و علوم مسلمانان به تحقیق پرداخته به نقاط دوری در روی زمین مهاجرت کرده‌اند.

۳۱۸۲- «كان العلماء الإيرانيون قد اكتسبوا مكانة عالية و رفيعة في العلوم في القرون الماضية.»: (آزمایشی سنجش- ۸۴)

(۱) علمای ایرانی مقام عالی و بلند مرتبه در علم، در دوران قدیم به دست آوردند.

(۲) محققان ایران درجات والا و بلند در دانش‌ها در زمان‌های گذشته کسب کرده‌اند.

(۳) بزرگان ایرانی در اکتساب مقامی والا و رفیع در علوم در سده‌های گذشته تلاش کردند.

(۴) دانشمندان ایرانی در قرن‌های گذشته جایگاهی والا و بلند در علوم به دست آورده بودند.

۳۱۸۳- «قرآن هرگز به انسان اجازه نمی‌دهد که دنیا را به بهانه‌ی دست‌یابی بر آخرت ترک کند!»: (آزمایشی سنجش- ۸۳)

(۱) لن يسمح القرآن للناس أن يتركوا الدّنيا بسبب نيل العقبی! (۲) القرآن لن يسمح للانسان أن يترك الدّنيا بذريعة الحصول على الآخرة!

(۳) القرآن لن يسمح للانسان بترك الدّنيا بذريعة الوصول على العقبی! (۴) إنّ القرآن لا يسمح للانسان أن يدع الدّنيا وسيلة للحصول إلى الآخرة!

۳۱۸۴- «يجب على الطّالبات أن لا ينسین مسؤوليتهنّ تجاه بلادهنّ!»: (آزمایشی سنجش- ۸۳)

(۱) نباید دانشجویان مسئولیت خود را در وطن فراموش کنند!

(۲) باید دانش‌آموزان مسئولیت را در برابر میهن خویش فراموش نکنند!

(۳) بر شاگردان ما واجب است که هرگز مسئولیتی را در مقابل کشور خود به فراموشی نسپارند!

(۴) بر دانش‌آموزان ما واجب است که مسئولیت خود را در قبال کشورشان فراموش نکنند!

۳۱۸۵- «حينَ النظرِ إلى هذه الكتب تأخذنا الدهشة لأننا نجد فيها آراء و نظريات كنّا نعتقد أنّنا قد طرحناها.»:

(۱) هنگامی که به این کتاب‌ها نظر می‌افکنیم تعجب می‌کنیم زیرا در آن‌ها آراء و نظریاتی را می‌یابیم که اعتقاد داشتیم ما آن را مطرح نموده‌ایم.

(۲) هنگام نگاه کردن به این کتاب‌ها تعجب ما را فرا می‌گیرد، برای این‌که در آن‌ها آراء و نظریه‌هایی را می‌یابیم که معتقد بوده‌ایم ما آن‌ها را مطرح کرده‌ایم.

(۳) به هنگام دیدن این کتاب‌ها شگفت زده شدیم، زیرا مواجه با آراء و عقایدی شدید که گمان کردیم ما آن‌ها را مطرح کرده‌ایم.

(۴) هنگامی که نگاه ما به این کتاب‌ها افتاد، حیرت ما را گرفت، برای این‌که آراء و نظریه‌هایی را دیدیم که مورد اعتقاد ما بود.

۳۱۸۶- «بينما كان الغرب يدخل عُلمائهُ في زمرة المارقين كان المسلمون يبحثون عن العلوم في أقصى النقاط.»:

(۱) زمانی که غربی‌ها دانشمندان خود را بی‌دین به شمار می‌آوردند مسلمانان در اقصی نقاط به دنبال علوم کاوش می‌کردند.

(۲) در حالی که غرب علمای خود را در زمره‌ی از دین برگشتگان قرار می‌داد، مسلمانان در دورترین نقاط به دنبال علوم می‌گشتند.

(۳) در آن هنگام که علمای غرب در زمره‌ی افراد بی‌دین به حساب می‌آمدند دانشمندان مسلمان به دنبال علوم در نقاط مختلف بودند.

(۴) در زمانی که غرب علمایش را در رده‌ی خارج از دین قرار می‌داد مسلمانان به دنبال یافتن علوم در دورترین نقطه بودند.

۳۱۸۷- «لا يسمح القرآن لك أن تترك الدّنيا بذريعة الحصول على الآخرة، عليك أن تجعل الدّنيا وسيلةً للعقبی.»: قرآن ...

(۱) به تو اجازه نمی‌دهد که دنیا را به بهانه‌ی دست یافتن به آخرت‌ها رها کنی، تو باید دنیا را وسیله‌ای برای آخرت قرار دهی.

(۲) اجازه نمی‌دهد که ما دنیا را به خاطر دستیابی به آخرت رها کنیم، در حالی که دنیا وسیله‌ای برای آخرت است.

(۳) اجازه نداده است که دنیا را به بهانه‌ی آخرت ترک کنی، چون دنیا ابزاری برای روز قیامت است.

(۴) به شما اجازه نخواهد داد که به بهانه‌ی آخرت ترک دنیا را بنمایی، بنابراین دنیا را وسیله‌ای برای آخرت قرار بده.

۳۱۸۸- «علينا أن نسعى للاستفادة من النعم في طريق الكمال فمن ضيع النعم في غير طريق الحق كُفر بها.»:

(۱) به عهده‌ی ماست که از نعمت‌ها در راه کمال استفاده کنیم، زیرا کسانی که به نعمت‌ها کفر می‌ورزند، آن‌ها را تباه می‌سازند.

(۲) تلاش کنیم که از نعمت‌ها در راه کمال استفاده ببریم، چون کسی که نعمت‌ها را در راه ناحق تباه می‌سازد، به آن کفر می‌ورزد.

(۳) ما باید برای استفاده از نعمت‌ها در راه کمال تلاش کنیم، زیرا هر کس در غیر راه حق، نعمت‌ها را تباه سازد، به آن‌ها کفر می‌ورزد.

(۴) ما باید سعی کنیم که از نعمت‌ها استفاده کنیم، چون هر کسی که نعمت‌ها را در راه ناحق ضایع کند، به آن کفر ورزیده است.

قواعد

۳۱۸۹- عَنِ الْعَبَّارَةِ الَّتِي مَا جَاءَ فِيهَا الْمَنَادَى:

- (۱) رَبَّنَا آتِنَا سَمْعَنَا مَنَادِيًا يَنَادِي لِلْإِيمَانِ.
(۲) رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ.
(۳) رَبَّنَا يَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ يَكْفِرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا.
(۴) رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مِنْ رَحِمَتِكَ مَحْرُومِينَ.

۳۱۹۰- اِی عِبَارَةِ جَاءَ فِيهَا «الْمَنَادَى الْمُضَافُ»؟

- (۱) یَا بَصِيرًا بِالْعِبَادِ أَغْنِنَا. (۲) یَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا، آمِنُوا. (۳) یَا طَالِبَةُ خُذِي وَرَقَّتْكَ. (۴) یَا رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا.

۳۱۹۱- عَنِ الْخَطِّاءِ عَنِ الْعَبَّارَةِ الثَّالِيَةِ: «يَا مُحَمَّدُ! أَيُّهَا الطَّالِبُ! سَلِّمْ عَلَى الْمَعْلَمِينَ وَ الْمُعَلِّمَاتِ.»

- (۱) أَيْ: مَنَادَى وَ مَنْصُوبٌ مَحَلًّا
(۲) الطَّالِبُ: مَنَادَى وَ مَرْفُوعٌ بِالضَّمَّةِ الظَّاهِرَةِ
(۳) سَلِّمْ: فَعْلٌ وَ فَاعِلُهُ «أَنْتَ» الْمُسْتَر
(۴) الْمَعْلَمَاتِ: مَعْطُوفٌ وَ مَجْرُورٌ بِاعْرَابِ أَصْلَى

۳۱۹۲- فِی أَى عِبَارَةٍ مَا جَاءَ حَرْفُ عَطْفٍ:

- (۱) وَالْعَصْرَ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خَسِرٍ.
(۲) هَؤُلَاءِ يَتَعَلَّمُونَ وَ يَمُقِّهُونَ الْجَاهِلَ.
(۳) «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»
(۴) اللَّهُمَّ أَنْطِقْنِي بِالْهُدَى وَ أَلْهِمْنِي التَّقْوَى.

۳۱۹۳- عَنِ الصَّحِيحِ فِي اسْلُوبِ النَّدَاءِ:

- (۱) یَا سَعِيدُ- یَا حَافِظَ الْقُرْآنِ- یَا مُحَمَّدُ
(۲) یَا رَبَّ الْعَالَمِينَ- یَا أَبَا الْفَضْلِ
(۳) یَا مَرِيْمُ- أَيُّهَا الطَّالِبُ
(۴) یَا أَيْبَى- یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

۳۱۹۴- عَنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) یَا صَدِيقِي! دَعْ التَّكَاسُلَ.
(۲) یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ! فَكُّ كُلِّ أَسِيرٍ.
(۳) یَا فَلَاحِی الْقَرْيَةِ! أَدْعُوا رَبَّكَ.
(۴) یَا فَاطِمَةُ! اِشْفَعِي لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

۳۱۹۵- عَنِ الْمَنَادَى غَيْرِ الْمُنَاسِبِ لِلْفَرَاعِينَ: «يَا ... اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا، وَ يَا ... اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا.»

- (۱) رَبَّنَا- إِبَانَا (۲) الْهَى- إِبْنَاءُ الْأُمَّةِ (۳) اللَّهُ- أَيُّهَا الْمُؤْمِنُ (۴) سَمِيعُ الدَّعَا- حَسَنُ

۳۱۹۶- عَنِ الْخَطِّاءِ فِي اسْلُوبِ النَّدَاءِ؟

- (۱) یَا مُجَاهِدِينَ الْبِلَادِ! حَارِبُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ.
(۲) رَبَّنَا لَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا.
(۳) یَا أَيُّهَا الطَّالِبُ! لَا تَنْتَسِ يَوْمَ الْإِمْتِحَانِ.
(۴) یَا سَمِيعُ الدَّعَا! اِسْمَعْ نِدَائِي.

۳۱۹۷- عَنِ «وَاوِ» الْجَارَةِ:

- (۱) دَخَلَ الطَّالِبُ الصَّفَّ وَ سَلِّمْ عَلَى إِصْدِقَائِهِ.
(۲) هِيَ خَرَجَتْ مِنَ النِّصْفِ مَسْرُورَةً وَ مُبْتَسِمَةً.
(۳) نُونٌ وَ الْقَلَمُ وَ مَا يَسْطُرُونَ.
(۴) وَلَمَّا وَصَلْنَا إِلَى الْمَنْزِلِ دَخَلْنَا الْغُرْفَةَ مَعًا.

۳۱۹۸- عَنِ الصَّحِيحِ فِيمَا يَلِي:

- (۱) اللَّهُمَّ! رُدِّ كُلَّ غَرِيبٍ.
(۲) إِلَهِي! لَا تَزُدْ حَاجَتِي.
(۳) رَبَّنَا! إِنَّا لَمْ نُسْرِ مِنْ فَشْلِهِ.
(۴) إِلَهْنَا! نَحْنُ لَمَّا نَحِجَّ بَيْتَكَ الْحَرَامَ.

۳۱۹۹- مَا هُوَ الْمُنَاسِبُ لِلْفَرَاعِينَ عَلَى التَّرْتِيبِ: «يَا ... يَا ... الْأَحْزَانِ!»

- (۱) قَدْسٌ - مَدِينَةٌ (۲) قَدْسٌ - مَدِينَةٌ (۳) قَدْسٌ - مَدِينَةٌ (۴) قَدْسٌ - مَدِينَةٌ

۳۲۰۰- مَا هُوَ الْمُنَاسِبُ لِلْفَرَاعِ؟ «يَا ... اذْهَبْ إِلَى الصَّفِّ.»

- (۱) مُحَمَّدًا! (۲) أَبُوالْفَضْلِ! (۳) أَيُّهَا تَلْمِيزُ! (۴) طَالِبُ الدَّرْسِ!

۳۲۰۱- عَنِ الصَّحِيحِ فِي التَّشْكِيلِ: «يَا عُلَمَاءَ الْأُمَّةِ! وَجَدْنَا فِي هَذِهِ الْكُتُبِ آرَاءَ وَ نَظَرِيَّاتٍ كَثِيرَةً فَأَخَذْنَا الدَّهْشَةَ.»

- (۱) آرَاءٌ- كَثِيرَةٌ- أَخَذْنَا- الدَّهْشَةَ
(۲) عُلَمَاءٌ- نَظَرِيَّاتٍ- كَثِيرَةٌ- الدَّهْشَةَ
(۳) الْأُمَّةُ- آرَاءٌ- كَثِيرَةٌ- الدَّهْشَةَ
(۴) عُلَمَاءٌ- وَجَدْنَا- نَظَرِيَّاتٍ- كَثِيرَةٌ

۳۲۰۲- عَنِ الْخَطِّاءِ عَنِ الْعَبَّارَةِ الثَّالِيَةِ: «إِلَهِي! إِنْ كُنْتُ غَيْرَ مُسْتَأْهِلٍ لِرَحِمَتِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيَّ.»

- (۱) إِلَه: مَنْصُوبٌ تَقْدِيرًا
(۲) كُنْتُ: مَعْتَلٌّ وَ أَجُوفٌ، إِعْلَالُهُ بِالْحَذْفِ
(۳) غَيْر: خَبَرٌ وَ مَنْصُوبٌ
(۴) تَجُود: مَعْتَلٌّ وَ أَجُوفٌ، دُونَ الْإِعْلَالِ

۳۲۰۳- عَنِ الْخَطِّاءِ فِيمَا يَلِي:

- (۱) يَا أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ! ائْتِجِدُوا. (۲) يَا ذَا الرَّحْمَةِ وَ الرَّضْوَانِ! (۳) يَا أَيُّهَا النَّفْسُ! اِرْجِعِي. (۴) يَا فَاطِمَةُ! اِمْشِي.

۳۲۰۴- عَيْنِ الْمَنَادَى يَخْتَلِفُ عَنِ الْبَاقِي:

(۱) يَا أَهْلَ الْفَضْلِ؛ جُودُوا بِأَمْوَالِكُمْ!

(۳) يَا طِفْلَةَ؛ لَا تَلْعَبِي بِالْأَثَرِ لِأَنَّهَا خَطَرَةٌ!

(سراسری - ریاضی - ۹۲)

(۲) يَا أَيُّهَا اللَّيْلُ؛ كَمْ فَيْكٍ مِنَ الْأَسْرَارِ!

(۴) ارْفَعُوا أَعْلَامَ بِلَادِكُمْ، يَا جُنُودَ!

(سراسری - تجربی - ۹۲)

(۲) مَسَلَمَاتٌ عَلَيْكَ الصَّيَّامَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ الْمُبَارَكِ!

(۴) رَبَّنَا يَسْتَجِيبُنَا إِذَا دَعَوْنَاهُ بِإِخْلَاصٍ فِي الْقَلْبِ!

(سراسری - زبان - ۹۲)

(۲) أُمِّي الْحَنُونُ؛ أَنْتِ تَبْذِلِينَ لَنَا كُلَّ مَا فِي يَدِكَ!

(۴) يَا أُمُّ؛ أَنْتِ تَسَاعِدِينَ أَوْلَادَكَ فِي اكْتِسَابِ الْخَيْرَاتِ!

(سراسری - هنر - ۹۲)

(۲) إِلَهِنَا؛ إِنَّمَا أَنْتِ أَهْلٌ لَتَجُودَ عَلَيْنَا بِفَضْلِكَ!

(۴) يَا رَحِيمُ؛ أَنْشُرْ خَزَائِنَ عُلُومِكَ عَلَيْنَا بِرَحْمَتِكَ!

(سراسری - زبان - ۹۱)

(۲) أَيُّهَا الْأُمُّ؛ أَعْلَمُ أَنَّ قَلْبَكَ يَخْفِقُ بِشِدَّةٍ لِمُسْتَقْبَلِ أَوْلَادِكَ!

(۴) أَيُّهَا الْأَرْضُ؛ مَتَى تَمْلِكِينَ بِالْعَدْلِ بَعْدَ أَنْ مِلْتِ جَوْرًا؟

(سراسری - ریاضی - ۹۰)

(۲) لَنْ أَفْرَّ مِنَ الْمَصَاعِبِ وَالْمَشَاكِلِ فِي الْحَيَاةِ أَبَدًا!

(۴) أَرَادَتْ صَدِيقَتِي أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ بِإِنْفَاقِهَا، فَمَا قَبِلْتُهُ!

(سراسری - ریاضی - ۹۰)

(۲) يَا كَاتِبًا؛ أَنْظِرْ إِلَى مَا تَكْتُبُ!

(۴) أَيُّهَا الْعَيْنُ؛ إِلَى مَتَى الْغَفْلَةُ!

(سراسری - زبان - ۹۰)

(۲) ذَا الْحَاجَةِ؛ لَا تَطْلُبِ الْمُسَاعَدَةَ إِلَّا مِنْ رَبِّكَ الْحَنُونِ!

(۴) يَا طَالِبَةُ الْمَدْرَسَةِ؛ لَا تُقْصِرِي فِي أَدَاءِ وَاجِبَاتِكَ الْمَدْرَسِيَّةِ!

(سراسری - هنر - ۹۰ با تغییر)

(۲) «استجاب الجندي امر قائده و بدأ بعمله»

(۴) «لكم دينكم و لي دين»

(سراسری - تجربی - ۸۹)

(۲) أُمِّي أَنْتِ الَّتِي أَخَذْتِ يَدَيَّ أَمَشِي فِي أَيَّامِ الصَّبَا!

(۴) زَمِيلَاتُنَا نَحْنُ بِحَاجَةٍ إِلَى مَسْئُولَةٍ لِمَكْتَبِنَا، هَلْ تَعْرِفْنَ أَحَدًا!

(سراسری - تجربی - ۸۸)

(۲) يَا مَخْطُوعِي؛ إِلَى مَتَى إِرْتِكَابُ الْخَطِيئَةِ!

(۴) أَيُّهَا الْأَصْدِقَاءُ الْأَوْفِيَاءُ؛ لَا تَتْرَكُونِي!

(سراسری - هنر - ۸۸)

(۲) كَمْ يَسْعَى لَخْدْمَةِ جِسْمِهِ!

(۴) لَنْ تَدْرِكَ كُنْهَ اللَّهِ أَبَدًا!

(سراسری - ریاضی - ۸۷)

(۳) أَيُّهَا الطَّالِبُ (۴) صَدِيقِي

(سراسری - تجربی - ۸۷)

(۲) هَذَا الطَّالِبُ أَفْضَلُ مِنْ زَمَلَائِهِ عِلْمًا!

(۴) لَا طَالِبَ فِي صَفَّنَا إِلَّا وَ قَدْ نَجَحَ فِي الْامْتِحَانِ!

۳۲۰۵- عَيْنِ مَا لَيْسَ فِيهِ الْمَنَادَى:

(۱) إِلَهِي أَنْتَ مُنْسٌ وَحَشَنِي فَلَا تُعْرِضْ عَنِّي!

(۳) لَا تَرُدَّ رَبِّي عَبْدَكَ الضَّعِيفَ لِمَا أَنْادِيكَ!

۳۲۰۶- عَيْنِ الْمَنَادَى لَيْسَ مِثْلَ مِثْلِهِ:

(۱) يَا رَبِّ؛ إِرْحَمْ عَبْدَكَ الدَّالِيلَ الضَّعِيفَ!

(۳) ذَا الْإِحْسَانِ؛ تَهَبْ رَحْمَتَكَ الْوَاسِعَةَ لِمَنْ تَشَاءُ!

۳۲۰۷- عَيْنِ الْمَنَادَى لَيْسَ مِثْلَ مِثْلِهِ:

(۱) إِلَهِي؛ لَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ!

(۳) يَا قَوْمُ؛ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تَشْرِكُوا فِي عِبَادَتِهِ شَيْئًا!

۳۲۰۸- عَيْنِ الْخَطَا فِي أَسْلُوبِ النَّدَاءِ:

(۱) عِبَادِي؛ إِذَا تَدْعُونَنِي أَسْتَجِيبُ لَكُمْ دَعْوَتَكُمْ!

(۳) يَا زَمِيلَتِي؛ هَلْ يُمْكِنُكَ أَنْ تَكْتُبِي عُنْوَانَكَ بِالْعَرَبِيَّةِ؟

۳۲۰۹- عَيْنِ مَا لَيْسَ فِيهِ مِثْلُ مِثْلِهِ:

(۱) يَا وَلَدِي قُوْ نَفْسَكَ وَ مَعْنِيَتَكَ لِمُوَاجَهَةِ الشَّدَائِدِ!

(۳) أَوْلِيَاءُ الْمَدْرَسَةِ عُدُّوا هَؤُلَاءِ التَّلَامِيذَ مِنَ النَّاجِحِينَ!

۳۲۱۰- عَيْنِ الْخَطَا:

(۱) يَا كَاتِبُ؛ اقْرَأْ مَا تَكْتُبُهُ حَتَّى لَا تَشْتَبِهَ!

(۳) يَا ذَا الْإِحْسَانِ؛ نَزَّلَ إِلَيْنَا جُودَكَ!

۳۲۱۱- عَيْنِ الْمَنَادَى لَيْسَ مِثْلَ مِثْلِهِ:

(۱) إِلَهِنَا؛ كَيْفَ نَشْكُرُكَ عَلَى هَذِهِ النِّعَمِ الْكَثِيرَةِ!

(۳) أَيُّهَا الطَّبِيبُ؛ رَجَاءٌ صِفْ لِي دَوَاءً يَفِيدُنِي!

۳۲۱۲- عَيْنِ الْوَاوِ مِنَ الْحُرُوفِ الْجَارَةِ:

(۱) «و بِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ»

(۳) «وَالْفَجْرِ وَ لِيَالٍ عَشْرَ»

۳۲۱۳- عَيْنِ مَا لَا يُمْكِنُ أَنْ يَكُونَ مَنَادَى:

(۱) أَوْلَادِي اجْتَمَعُوا حَتَّى يَكْرُمُوا ذِكْرِي وَ لَادَةَ أَبِيهِمْ!

(۳) رَبَّنَا إِيَّاكَ أَدْعُو فِي اللَّحْظَاتِ الَّتِي أَصْبَحَ فِيهَا قَلْقَلَةً!

۳۲۱۴- عَيْنِ الْخَطَا فِي النَّدَاءِ:

(۱) رَبِّ؛ اجْعَلِ الْحَقَّ عَلَى لِسَانِي!

(۳) مَرِيئُ؛ لِأَخِيرٍ فِي مَجَالَسَةِ الْأَحْمَقِ!

۳۲۱۵- عَيْنِ مَا لَا يَنْبَغُ الْفَرَاغُ: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ ...»

(۱) لَا يَعْلَمُ أَحَدُكُمْ عَظَمَتَكَ، لِأَنَّكَ خَلِيفَةُ اللَّهِ!

(۳) لَا تُحْصِ أَيَّامَ عَمْرِكَ، بَلْ أَحْصِ أَعْمَالَكَ!

۳۲۱۶- «يَا ...، سَتَفُوزُ فِي الدَّارَيْنِ!» عَيْنِ الْخَطَا لِلْفَرَاغِ:

(۱) طَالِبُ الْعِلْمِ (۲) طَالِبُ الْعِلْمِ

۳۲۱۷- عَيْنِ كَلِمَةِ «طَالِب» مَبْنِيَّةٌ عَلَى الضَّمِّ:

(۱) يَا طَالِبُ حَاوِلِ الْيَوْمَ فِي كَسْبِ الْعِلْمِ!

(۳) إِنَّمَا الطَّالِبُ النَّاجِحُ هُوَ الَّذِي يَغْتَنِمُ الْفُرْصَةَ!

۳۲۱۸- عَيْنٌ مَا لَيْسَ فِيهِ فَعْلٌ مُضَاعَفٌ:

(۱) أَحَبُّ أَنْ أَشُقَّ عَلَى نَفْسِي،

(۳) كَيْ أَعْدَّ لِي نَفْسًا يَفْرُّ الشَّيْطَانُ مِنِّي،

(۲) حَتَّى أَذِلَّ هَوَايَ وَأَشَدَّ عِزْمِي،

(۴) فَيَا رَبِّ يَسِّرْ لِي وَلَا تُعَسِّرْ!

(سراسری - تجربی - ۸۷)

۳۲۱۹- عَيْنٌ مَا لَيْسَ مَنَادِي:

(۱) رَبِّي لَقَدْ أَخْطَأْتُ، فَاعْفُ عَنِّي!

(۳) رَبِّ لَيْتَنِي كُنْتُ إِنْسَانًا مَجْهُرًا بِجَنَاحَيْنِ، الْعِلْمُ وَالْدِينُ!

(۲) رَبَّنَا عَلَّامُ الْغُيُوبِ وَ يَعْلَمُ مَا فِي صُدُورِنَا!

(۴) إِلَهِي أَصْبَحْتَ حَزِينَةً، لِأَنَّنِي مَا اسْتَطَعْتُ مُسَاعَدَةَ الْآخِرِينَ!

(سراسری - انسانی - ۸۷)

۳۲۲۰- عَيْنٌ الْمَنَادِي مُضَافًا:

(۱) يَا قَوْمَ، لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ الْوَاحِدَ!

(۳) يَا أَيُّهَا النَّاسُ، لَا تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ!

(۲) يَا مَنْ لَهُ الْعِزَّةُ وَالْكَامِلُ، يَا جَمِيلُ!

(۴) اَللّهُمَّ، آتِنَا بَصِيرَةً وَ حِكْمَةً فِي حَيَاتِنَا!

(سراسری - انسانی - ۸۷)

۳۲۲۱- عَيْنٌ الْخَطَا:

(۱) فَاطِمَةُ! جَاءَتْ صَدِيقَاتِي لِزِيَارَتِي.

(۳) أَيُّهَا الشَّمْسُ! مَتَى تَظْهَرُ فِي السَّمَاءِ؟

(۲) طَالِبُ! اجْتَهِدْ فِي الْإِحْسَانِ إِلَى الْفُقَرَاءِ.

(۴) يَا ذَا الْعِلْمِ وَالْحِكْمَةِ! ادْفَعْ زَكَاةَ عِلْمِكَ.

(سراسری - زبان - ۸۷)

۳۲۲۲- عَيْنٌ الْخَطَا عَنْ نَوْعِ الْوَاوِ:

(۱) وَالْقَلَمُ وَ مَا يَسْطُرُونَ! ← قَسَمُ

(۳) نَجِدُ فِي كُتُبِ الْمُسْلِمِينَ آراءَ وَ نَظَرِيَّاتٍ عِلْمِيَّةٍ ← عَامِلَةٌ

(۲) يَا صَاحِبَ الرَّحْمَةِ وَ الرِّضْوَانِ! ← عَطْفُ

(۴) وَ اللَّهِ لَنْ أَتَكَاسَلَ فِي أَعْمَالِي بَعْدَ هَذَا الْيَوْمِ! ← جَارَةٌ

(سراسری - زبان - ۸۷ با تغییر)

۳۲۲۳- عَيْنٌ مَا لَيْسَ فِيهِ الْمَنَادِي:

(۱) صَدِيقَتِي أَنْتَ خَيْرُ زَمِيلَاتِي حَنَانًا!

(۳) بَنَاتُ كَلَمُنَ الْفَائِزَاتِ لَتَفْهَمَنَّ سِرَّ نَجَاحِهِنَّ!

(۲) أُمُّ أَعْلَمْنِي عَنْ سِرِّ نَجَاحِي فِي الْحَيَاةِ!

(۴) أَيْ تَلْمِيزَةٌ كَانَتْ خَيْرَ التَّلْمِيزَاتِ فِي الْمَدْرَسَةِ!

(سراسری - هنر - ۸۷ با تغییر)

۳۲۲۴- عَيْنٌ الصَّحِيحِ فِي النَّدَاءِ:

(۱) يَا أُخْتَايَ، ادْفَعِي لِي وَرَقَةَ الْامْتِحَانِ!

(۳) ذَالْفَنُونِ وَ ذِي الْعُلُومِ، لَا تُعْجَبْ بِنَفْسِكَ!

(۲) أُخْتَيَّ، عَلَيْكُمَا أَنْ تَجْتَهِدَا فِي خِدْمَةِ وَالِدَيْكُمَا!

(۴) يَا أَيُّهَا النَّفْسُ، إِلَى مَتَى تَحْتَمِلِينَ الذَّلَّ وَالْهَوَانَ!

(سراسری - تجربی - ۸۶)

۳۲۲۵- عَيْنٌ الْخَطَا فِي الْمَنَادِي:

(۱) يَا مُفَكِّرِينَ الْعَالَمِ، لَا تَتَّبِعُوا ثَقَافَةَ الْأُمَمِ بِشَمَنِ بَخْسٍ!

(۳) يَا قُدُسُ، هَاجِمِي الظُّلْمَ وَ الظَّالِمِينَ وَ لَا تَخَافِي!

(۲) أَيُّهَا الْمُؤْمِنَاتُ، اجْتَهِدْنَ فِي طَرِيقِ اكْتِسَابِ الْعِلْمِ!

(۴) ذَا الْعِلْمِ، أَنْفِقْ عِلْمَكَ لِطَالِبِي الْعِلْمِ!

(سراسری - انسانی - ۸۶)

۳۲۲۶- عَيْنٌ مَا لَيْسَ فِيهِ الْمَنَادِي:

(۱) رَبَّنَا، لَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا.

(۳) رَبِّي، كَرَّمْتَ الْعِلْمَ وَ الْعُلَمَاءَ بِالْإِسْلَامِ.

(۲) رَبِّي، الَّذِي رَزَقَنَا النِّعَمَ الْوَافِرَةَ.

(۴) إِلَهِي وَ رَبِّي، اقْضِ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.

(سراسری - ریاضی - ۸۵)

۳۲۲۷- عَيْنٌ الْخَطَا وَفْقَ أُسْلُوبِ النَّدَاءِ:

(۱) رَبِّي! إِرْحَمْ ضَعْفَ بَدَنِي وَ عَقْلِي!

(۳) أَيُّهَا الْيَدُ! لِمَاذَا لَا تَسْعِي فِي سَبِيلِ رِضَا اللَّهِ.

(۲) يَا طَالِبَةَ الْمَدْرَسَةِ! لَا تَنْسِيَ سَيِّئَاتِي يَوْمَ الْامْتِحَانِ!

(۴) يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ! أَنْصُرِ الْإِسْلَامَ وَ الْمُسْلِمِينَ!

(سراسری - تجربی - ۸۵ با تغییر)

۳۲۲۸- عَيْنٌ الْمَنَادِي:

(۱) رَبَّنَا خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ.

(۳) رَبَّنَا هُوَ الَّذِي ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ.

(۲) رَبَّنَا مُنْزِلَ الْقُرْآنِ وَ حَافِظَهُ.

(۴) رَبَّنَا اقْضِ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.

(سراسری - انسانی - ۸۵)

۳۲۲۹- «يَا ... الْعَالَمُ! كَانَ ... سَبَبٌ ... نَا ...» عَيْنٌ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاقَاتِ:

(۱) عِلْمَاءُ / الْإِسْلَامُ / تَقَدَّمَ / عِلْمِيَّةٌ (۲) عِلْمَاءُ / إِسْلَامُ / التَّقَدُّمُ / عِلْمِيَّةٌ (۳) عِلْمَاءُ / الْإِسْلَامُ / تَقَدَّمَ / الْعِلْمِيَّةُ (۴) عِلْمَاءُ / الْإِسْلَامُ / تَقَدَّمَ / الْعِلْمِيَّةُ

(سراسری - زبان - ۸۵)

۳۲۳۰- عَيْنٌ الْخَطَا:

(۱) يَا ذَا النِّعْمَةِ وَ الْامْتِنَانِ! إِرْحَمْ عَلَيْنَا.

(۳) يَا الْاَغْنِيَاءُ! سَاعِدُوا الْمَسَاكِينَ وَ الْيَتَامَى.

(۲) يَا أَيُّهَا الطَّالِبَةُ! أَدْرِسِي كَثِيرًا رَغْبَةً فِي الْعِلْمِ.

(۴) يَا مُسْلِمَاتِ الْعَالَمِ! حَاولن فِي اكْتِسَابِ الْحَقِّ.

(سراسری - هنر - ۸۵ با تغییر)

۳۲۳۱- «أَيُّهَا ... ! أَكْرَمُوا الْعُلَمَاءَ لَا الْجُحَّالَ!» عَيْنٌ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ:

(۱) التَّلَامِيذُ (۲) الطِّفْلَانِ

(۳) الْمُؤْمِنِينَ

(۴) الطَّالِبَاتُ

(سراسری - ریاضی - ۸۴)

۳-۳۰۹۷-گزینہی ۳ «هر کاری وقت معینی دارد که اگر آن را دریایی موفق می‌شوی» این مفهوم در بیت شماره ۳ بیش‌تر دیده شود. «و سعیت را به کار بند بدان که هر کس سپیده‌دم به شکار اقدام کند، موفق می‌شود.»

۴-۳۰۹۸-گزینہی ۴ در گزینہی ۱: «تلاشتان را هدر ندهید»- در گزینہی ۳: تأکید بر روی «در این دنیا» به جای تأکید بر روی «تلاشگران» و در گزینہی ۴: «تلاشتان را با زحمت ادامه دهید» نادرستند.

۱-۳۰۹۹-گزینہی ۱ «روزگار را دیدم که به صورت مختلف می‌چرخد پس نه غمی دوام دارد و نه شادی‌ای» با گزینہی ۱، «گاهی در دنیا شادی است و گاهی غم و هر دوی این‌ها هرگز دوام ندارند» از نظر مفهوم نزدیک‌تر است.

۴-۳۱۰۰-گزینہی ۴ در گزینہی ۱: «فقط هنگام کمک کردن در سختی‌ها شناختم» درست است. در گزینہی ۲: قلب مادر از شادی پر شد بعد از این‌که دانست که دخترش موفق شده است. در گزینہی ۳: «هر سال یک دور کامل» درست است.

۴-۳۱۰۱-گزینہی ۴ در گزینہی ۱: «الجامعات» نادرست است و درست آن «المجتمعات» است.

در گزینہی ۲: «تعرف» نادرست است و درست آن «یتعرف علی» است. در گزینہی ۳: «الشعب علی بُعد ...» نادرست است و درست آن «شعبها علی الابتعاد عن ...» است.

۲-۳۱۰۲-گزینہی ۲ در خطرناک‌ترین مرحله تأثیرپذیری ملت‌ها اصلتشان را از دست می‌دهند.

۳-۳۱۰۳-گزینہی ۳ هنگامی که تأثیرپذیری به مرحله تقلید کورکورانه می‌رسد این تأثیرپذیری زیان‌بار است.

۱-۳۱۰۴-گزینہی ۱ ارتباط بین افراد بشر امروزه در دنیا جداً کاری دشوار است!! (نادرست است).

۳-۳۱۰۵-گزینہی ۳ بدترین مرحله تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بین ملت‌ها «جنگ فرهنگی» نامیده می‌شود.

۴-۳۱۰۶-گزینہی ۴ حرکت‌گذاری درست به صورت «و لکن مظاهر التأثير تصل الى درجة التقليد الأعمى عند الشعوب الصغيرة» است. حرکت‌گذاری صحیح «لأنها تفقد أصالتها و لا تهتم بثقافتها و تميل الى كل جديد» است.

۲-۳۱۰۸-گزینہی ۲ موارد نادرست سایر گزینہ‌ها: مزید ثلاثی بزيادة حرف واحد، متعدّد، مبنی للمجهول، نائب فاعله، ضمير مستتر، مضارع، معرب

۳-۳۱۰۹-گزینہی ۳ موارد نادرست سایر گزینہ‌ها: مضارع، فاعله «المسافات»، للمخاطب، مزید ثلاثی بزيادة حرف واحد، اسم ضمير «هو» المستتر، معرب، نائب فاعله «المسافات»

۴-۳۱۱۰-گزینہی ۴ موارد نادرست سایر گزینہ‌ها: جامد، نکره، مبنی، مجرور بحرف جرّ محلاً، اسم مبالغة، فاعل و مرفوع، معرف بالاضافة، منصرف، مجرور ظاهراً

۳-۳۱۱۱-گزینہی ۳ در این گزینہ «نحن مستتر» مستثنی منه است.

۴-۳۱۱۲-گزینہی ۴ در این گزینہ در جمله‌ی پیش از الّا «مفعول به» وجود ندارد. لذا «الاستراحة» منصوب است. در گزینہی ۱: پیش از الّا «فاعل» در گزینہی ۲ اسم کان و در گزینہی ۳ «نائب فاعل» ذکر نشده است که همگی مرفوع هستند.

۲-۳۱۱۳-گزینہی ۲ در گزینہی ۲: فاعل فعل «لن يبق» ذکر نشده است لذا «الوفاء» مستثنی مفرغ بدل از فاعل است.

در گزینہی ۱: «الجاهلین» و در گزینہی ۳ «الأدب» مستثنای تام هستند. در گزینہی ۴: «لم يوجد» فعل مجهول است و «تاجرون» مستثنای مفرغ بدل از «نائب الفاعل» است.

۲-۳۱۱۴-گزینہی ۲ در این گزینہ فاعل فعل «ما تعرف» قبل از الّا وجود ندارد پس مستثنی مفرغ است و «من» مستثنی مفرغ و مرفوع محلاً به اعراب فاعل است.

۱-۳۱۱۵-گزینہی ۱ «من» در این گزینہ فاعل و مرفوع محلاً است.

۱-۳۱۱۶-گزینہی ۱ «زميلة» فاعل و تقدیراً مرفوع است و در سایر گزینہ‌ها اسم بعد از «الّا» منصوب است.

۴-۳۱۱۷-گزینہی ۴ در این گزینہ «عمل» مستثنی منه است. در سایر گزینہ‌ها مستثنی منه حذف شده است.

۲-۳۱۱۸-گزینہی ۲ «لَا تَسْمَحُوا»: اجازہ ندهید / «أَنْ يَتْرَكُوا الدُّنْيَا»: که دنیا را رها کنند / «بَذْرِعَةً»: به بهانه‌ی / «الْحُصُولُ عَلَى»: دستیابی

۴-۳۱۱۹-گزینہی ۴ «إِذَا التَّبَسَّتْ»: هرگاه مشتبه شود / «قَطَعَ»: مانند پاره‌های، مانند تکه‌های / «الْمُظْلَم»: تاریک / «علیکم»: بر شما لازم است، بر شماست، شما باید

۴-۳۱۲۰-گزینہی ۴ «أَبْدَى»: اظهار کرد / «كُنْتُ قد اشتركت»: شرکت کرده بودم

۲-۳۱۲۱-گزینہی ۲ در گزینہی (۱)، حرف نون باید از آخر فعل حذف شود. در گزینہی (۳)، «طَلَب» باید «ال» داشته باشد. در گزینہی (۴)، نون نباید از آخر فعل حذف شود زیرا جمع مؤنث مخاطب است.

۴-۳۱۲۲-گزینہی ۴ معنای فعل‌های گزینہ‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: (۱) رها می‌کند. / (۲) قرار داد. / (۳) خواست. / (۴) «أَحْسَن»: احسان و خوبی کرد، «أَسَاءَ»: بدی کرد.

۱-۳۱۲۳-گزینہی ۱ شکل درست ترجمه‌ی سایر گزینہ‌ها: (۲) «چه بسا تشنه‌ای که با آب زلال، گلوگیر و خفه شده است.» / (۳) «گمان می‌کنیم که مادر با خودش صحبت می‌کند.» / (۴) «صبر او از من بیش‌تر است.»

۳۱۲۴-گزینه‌ی ۴ بیرون می‌آورد: «یخرجُ» (باب افعال) /

جامعه: «المجتمع» / «الإنسانی» صفت است لذا باید «ال» داشته باشد و منصوب باشد. / «الیأس و الرجاء» باید «ال» داشته باشند تا نکره نشوند.

۳۱۲۵-گزینه‌ی ۲ «قُلْ»: بگو / «الحَقُّ»: مبتدا است نه مفعول /

«رَبِّکُمْ»: پروردگارتان، پروردگار شما / «شاءَ»: بخواهد (چون بعد از «مَنْ» شرطی آمده است، به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود: / «فَلْيُؤْمِن» باید ایمان بیاورد. (لام، برای امر و به معنای «باید» است.)

۳۱۲۶-گزینه‌ی ۲ در گزینه‌ی (۱) «المحترمين» به دلیل صفت

بودن باید مرفوع شود (اسم بعد از آنها مرفوع است.)، توکل کنید: تَوَكَّلُوا (مذکر) تَوَكَّلْ (مؤنث) / در گزینه‌ی (۳) «لَا تَنْسَى» نادرست است و شکل درست آن می‌شود: لَا تَنْسِينَ. «دانش آموزان محترم» یک ترکیب وصفی است لذا هر دو کلمه باید «ال» داشته باشند.

۳۱۲۷-گزینه‌ی ۴ «تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ»: می‌خواهیم منت بگذاریم /

«اسْتَضِعُّوا»: ضعیف شمرده شدند / «نَجْعَلُهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلُهُمُ الْوَارِثِينَ»: آن‌ها را پیشوایان و وارثان (زمین) قرار دهیم.

۳۱۲۸-گزینه‌ی ۴ در گزینه‌ی (۱)، «المسلمون» مضاف شده

است لذا نباید «ال» بگیرد. / در گزینه‌ی (۲) «مسلمون» منادی مضاف است لذا با «ی» می‌آید و «ن» نیز از آخر آن حذف می‌شود، ضمناً «نسیوا» اشتباه است. «ی» باید حذف شود. / در گزینه‌ی (۳) «مسلمات» در حالت نصبی اعراب فرعی دارد لذا باید با کسره بیاید. ضمناً «نسبت» نیز نادرست است، زیرا «فراموش کردند» برای جمع مؤنث سالم می‌شود: «نَسِينَ»

۳۱۲۹-گزینه‌ی ۱ موارد نادرست سایر گزینه‌ها: گزینه‌ی (۲):

یسمعنی: به من گوش می‌دهد / گزینه‌ی (۳): أَعْرِفُهُ: او را می‌شناسم، بَعْدُ أَنْ أُسَبِّحَهُ: بعد از اینکه او را تسبیح بگویم، بالاشتقاق: با شوق / گزینه‌ی (۴): لا یوصلنی: مرا نمی‌رساند.

۳۱۳۰-گزینه‌ی ۱ «اسعی» و «حتی تکتسب» درست است.

۳۱۳۱-گزینه‌ی ۲ «أخذتني الدهشة»: حیرت مرا فرا گرفت

«كان المسلمون قَدْ طرَحوا»: مسلمانان طرح کرده بودند

* در گزینه‌ی (۱) کلمات با توجه به نقش آن‌ها درست ترجمه نشده‌اند.

۳۱۳۲-گزینه‌ی ۳ «کسی که» در عبارت عربی ترجمه نشده است.

ضمناً ترجمه‌ی «نصیحت» به «کُلْ نصیحة» (هر نصیحتی) نادرست است.

۳۱۳۳-گزینه‌ی ۲ «کسب العلم»: به دست آوردن علم /

«لا یتعب»: خسته نمی‌شود.

۳۱۳۴-گزینه‌ی ۱ «لا یستطیع»: نمی‌تواند / «أَنْ یصرع»: که

زمین بزند

۳۱۳۵-گزینه‌ی ۱ مفهوم بیت «عدم اصلاح ذات بد افراد» است

که با گزینه‌ی (۱) «هر ظرفی آن چیزی که در آن است را بروز می‌دهد» هم مفهوم است.

۳۱۳۶-گزینه‌ی ۴ ثابت کرده است: قد أثبتت / کسب کرده‌ام:

اكتسبت / ضمناً چون «تجارب» جمع غیر عاقل است باید ضمیر و فعل و ... برای آن مفرد مؤنث به کار رود یعنی ضمیر «ها» درست است.

۳۱۳۷-گزینه‌ی ۴ أخذتني الدهشة: حیرت مرا فرا گرفت

۳۱۳۸-گزینه‌ی ۴ ماهی بزرگ دریا: «سمكة البحر الكبيرة» /

كَانَ ← كانت

۳۱۳۹-گزینه‌ی ۴ «يَوْمَ الْقِيَامَةِ» مفعول فیه است یعنی «در روز

قیامت» که فقط در گزینه‌ی (۴) آمده است. / «أعماله السيئة»: کارهای بدش

۳۱۴۰-گزینه‌ی ۲ «لا تسمع»: اجازه نده / «تخدع»: فریب

می‌دهد، «أَنْ تخدع»: که فریب دهد / «توقع»: می‌اندازد، «أَنْ توقع»: که بیندازد / «بذريعة ...» به بهانه‌ی ...

۳۱۴۱-گزینه‌ی ۱ صحیح سایر گزینه‌ها: (۲) و اگر به مصیبتی

دچار شوند به‌خاطر آن‌چه که دروغ می‌پنداشتند / (۳) همه‌ی آن‌ها از رحمت پروردگارشان ناامید شدند. / (۴) پس خدا بخشی از آن‌چه را انجام دادند به آن‌ها می‌جشاند شاید بازگردند.

۳۱۴۲-گزینه‌ی ۴ ترجمه‌ی عبارت: «دنیا را به بهانه‌ی به‌دست

آوردن آخرت رها نکن» با گزینه‌ی (۴) که «آخرت را به‌دست نمی‌آوری مگر با ترک دنیا» سنجیتی ندارد.

۳۱۴۳-گزینه‌ی ۳ ترجمه‌ی صحیح عبارت گزینه‌ی (۳): «انسان

از این بیماری رنج می‌برد تا زمانی که برای پزشکان ناشناخته است.»

۳۱۴۴-گزینه‌ی ۱

۳۱۴۵-گزینه‌ی ۲

۳۱۴۶-گزینه‌ی ۴

۳۱۴۷-گزینه‌ی ۳ «أَنْ لَا يُحَرِّمُوا»: که حرام نکنند / «أَنْ لَا

یضیعوها»: که آن‌ها را تباه نسازند.

۳۱۴۸-گزینه‌ی ۲ ترجمه‌ی جمله چنین است: «دنیا را به

بهانه‌ی رسیدن به آخرت رها مکن.» و گزینه‌ی (۲) می‌گوید: «کلید رسیدن به آخرت دنیا می‌باشد.»

۳۱۴۹-گزینه‌ی ۱ «يا طَالِبَ العلم»: ای جوینده علم، «يَنْبَغِي

لَكَ»: برای تو شایسته است، «أَنْ تَتَخَلَّقَ بالحلم والوقار»: که به بردباری و متانت آراسته شوی.

۳۱۵۰-گزینه‌ی ۳ صورت صحیح تعریب: «و هذا الاسلام في

عهده الماضي.»

۳۱۵۱-گزینه‌ی ۴ «الفتن كقطع الليل ... إجتنبوها»: از آن‌ها

اجتناب کنید

۳۱۵۲-گزینه‌ی ۲ «نَجِدُ»: می‌یابیم، «في بعض الآثار و الرسائل

العلمية»: در بعضی از آثار و رساله‌های علمی، «في العالم»: در جهان، «نظريات»: نظریه‌هایی را که، «كَانَتْ قَدْ طُرِحَتْ»: طرح شده بود، «لأَوَّل

مَرَّةً»: برای اولین بار، «من جانب العلماء المسلمين»: از جانب دانشمندان مسلمان

۳۱۵۳-گزینہ ۲

«لَنْ يَتَمَتَّعَ بِقُدْرَتِهِ الْعَظِيمَةِ»: از نیروی عظیم خود بهره‌مند نخواهد شد / «إِلَّا»: به جزء، مگر / «فِي مُسَاعَدَةِ الْآخَرِينَ»: در کمک به دیگران. (با توجه به وجود کلمه‌های لَنْ و إِلَّا در جمله، بهتر است که عبارت را به شکل مثبت همراه با کلمه‌ی «فَقَطُّ» معنی کنیم.)

۳۱۵۴-گزینہ ۴

اجازه نمی‌دهند: «لَا يَسْمَحَانِ» / «لِلنَّاسِ»: به مردم / که ترک کنند: «أَنْ يَتْرُكُوا» / به بهانه‌ی: «بِذَرِيعَةٍ»

۳۱۵۵-گزینہ ۲

«أُيَا، تُصَدِّقُ»: باور داری، «أَنْ»: که، «قُوَى الظُّلَمِ»: نیروهای ستم، «تَقْدَرُ»: می‌تواند، «أَنْ تُسَيِّطَرَ»: که مسلط شوند، «عَلَى الْعَالَمِ»: بر جهان

۳۱۵۶-گزینہ ۲

فعل مستقبل «خواهد رسید» ← «سَيَصِلُ» یا سوف یصل در گزینہ ۱ غلط ترجمه شده است. در گزینہ ۳ فعل «يَتَمَتَّعُ» معنی «استفاده» نمی‌دهد و در گزینہ ۴ ضمیر «ه» در «استفاده» زائد است و در ضمن «دُونَ تَغْيِيرٍ» به معنی «غیرقابل تغییر» نیست و کلمه‌ی «جهان» ترجمه نشده است.

۳۱۵۷-گزینہ ۴

علت رد سایر گزینہ‌ها: ۱) فعل «يعرفن» معنی «شناختن» می‌دهد نه «دانستن» و کلمات «غالب و اخیر» تعریب دقیق «پیروز و سرانجام» نیست و همچنین مفرد تعریب شدن کلمه‌ی «ستمگران» / ۲) زائد بودن «علیهم» در تعریب، تعریب نشدن «زیرا» و ... / ۳) تعریب کلمه‌ی ستمگران به صورت «كُفَّار» و «می‌دانند» به صورت «یدركون» و ... از موارد نادرست در سایر گزینہ‌ها می‌باشند.

۳۱۵۸-گزینہ ۲

عبارت «تَقَدُّمُ الْمُسْلِمِينَ الْعِلْمِيِّ» به معنی «پیشرفت علمی مسلمانان» است که فقط در همین گزینہ درست و دقیق ترجمه شده است.

* نکته: در عربی هرگاه کلمه‌ای دارای صفت و مضاف‌الیه باشد، مضاف‌الیه بر صفت مقدم است ولی در فارسی عکس این قضیه رخ می‌دهد.

(تقدم المسلمین العلمی ← پیشرفت علمی مسلمانان)



۳۱۵۹-گزینہ ۱

مسلمانان سفر می‌کردند: «كَانَ الْمُسْلِمُونَ يَرْحَلُونَ»، به دورترین نقطه‌ی کره‌ی زمین: «إِلَى أَقْصَى الْأَرْضِ»، در جستجوی علوم: «بِاحْتِثٍ عَنِ الْعُلُومِ». (باحثین، حال مفرد است.)

۳۱۶۰-گزینہ ۱

«من»: هر کس (اسم شرط است) / «ضَيْع»: ضایع کند (فعل شرط در اینجا در معنای مضارع التزامی آمده است.) / «كَفَّرَ بِهَا»: به آن‌ها ناسپاسی می‌کند (جواب شرط)

۳۱۶۱-گزینہ ۲

«اعتبروا»: عبرت بگیرند / «الْفُشْلُ»: شکست / «الْقِيَمَةُ»: ارزشمند

۳۱۶۲-گزینہ ۱

موارد نادرست گزینہ‌های دیگر: گزینہ ۲: مکانة علمیة رفیعة (صورت صحیح: به صورت جمع بیاید) / گزینہ ۳: طُلاب (صورت صحیح: «طالب»، لَنْ تصلوا (صورت صحیح: «لَنْ تُصَلَّ» / گزینہ ۴: مقامات عالیة علمیة بدون اَل اشتباه است. باجتهادک (صورت صحیح: «بالاجتهاد»)

۳۱۶۳-گزینہ ۱

شگفتی («عجائب» جمع است. ص: شگفتی‌ها)، فناپذیر (معادل أدق برای فعل «لاتفنی» نیست. ص: فنا نمی‌پذیرد.)

۳۱۶۴-گزینہ ۲

گزینہ ۱: زین (معادل صحیح برای «بر تن کرد» نیست.)، اُبرزت (معادل صحیح برای «ظاهر می‌گردد» نیست.) / گزینہ ۳: اُلبست: (پوشاند)، لِنفسه (در عبارت فارسی وجود ندارد)، برز (فعل است برای فاعل «اعمال». ص: «برزت»)، عشرة (ص: «عشرات» / گزینہ ۴: حَلَى (توضیحات گزینہ ۱)، زین، نفسه (توضیحات گزینہ ۳)، بلباس (فارسی آن حرف اضافه ندارد)، اظهرت (توضیحات گزینہ ۱)، اُبرزت، عشرة (توضیحات گزینہ ۳)

۳۱۶۵-گزینہ ۲

پولی ندادند (ترجمه‌ی أدق برای «لم یحسن ... بمال» نیست. ص: به‌وسیله‌ی مالی احسان نکردند.)

۳۱۶۶-گزینہ ۳

«انسان در حال غرق شدن به هر گیاه خشکی چنگ می‌زند.» که با در نظر گرفتن معنی و مفهوم عبارت فقط همین گزینہ مناسب آن می‌باشد.

۳۱۶۷-گزینہ ۳

گزینہ ۱: حقیقت دنیا (اولاً در عبارت عربی ترکیب اضافی نیست، ثانیاً «هذه» در ترجمه‌ی فارسی لحاظ نشده است.)، دوران اقدام بوده (معادل أدق برای «فترة العمل» نیست.)، در حالی که ... (در عبارت عربی جمله‌ی حالیه وجود ندارد.)، عمل («عمل» در عبارت عربی نکره است.) / گزینہ ۲: واقعیت در دنیا این است ... (ساختار عبارت فارسی با عربی آن کاملاً تفاوت دارد.)، بدون محاسبه در آن (معادل أدق برای «لا حساب فيها» نیست.)، بدون فرصتی برای عمل است (معادل صحیح برای «لا عمل فيها» نیست.) / گزینہ ۴: واقعیت در این دنیا آن است (توضیحات گزینہ ۲)، کاری کنی بدون حساب و کتاب ... (ساختار عبارت فارسی با عربی آن کاملاً متفاوت است.)

۳۱۶۸-گزینہ ۲

گزینہ ۱: در عصر حاضر («فی عصرنا الحاضر»: در عصر حاضر ما)، پیشرفت عظیمی ... (به درجه‌ی عظیمی از پیشرفت) / گزینہ ۳: پیشرفت بزرگی از مراتب ... («أعظم درجات التقدم ...»: بسیاری از آنان به ... / گزینہ ۴: آنان به بسیاری از ... («كثير منهم ...»: بسیاری از آنان به ...)

۳۱۶۹-گزینہ ۴

پس آن را برداشتم و به سرعت ... («فأخذتها بسرعة»: پس آن را به سرعت برداشتم)، در رودخانه‌ای ... («النهر» معرفة است، ص: در رودخانه)

۳۱۷۰-گزینہ ۱

گزینہ ۲: پیروزی حاصل شود (اولاً «پیروزی» معادل أدق برای «نجاح» نیست، ثانیاً «نجاح» للمتكلم مع الغير است نه للغائب.) / گزینہ ۳: شرکت ما باید ... باشد (ساختار عبارت با اصل عربی آن تفاوت دارد.)، به‌دنبال خود (چنین قیدی در عبارت عربی وجود ندارد.)، بیاورد («نجاح» للمتكلم مع الغير است.) / گزینہ ۴: لازم بود ... می‌کردیم ... می‌شدیم («علینا» زمان حال است نه زمان گذشته.)، آن‌گاه (چنین قیدی در عبارت عربی وجود ندارد.)

۳۱۷۱-گزینهی ۲ «يُشَجِّعُ دِينُنا»: دین ما تشویق می‌کند، «المسلم المؤمن»: مسلمان مؤمن را، «علی أن»: به این که، «یبحث»: جستجو کند، «عن العلم»: علم را، «و إن»: هر چند، «كان»: باشد، «فی أقصى»: دورترین، «نقاط الارض»: نقاط زمین.

۳۱۷۲-گزینهی ۴ «المعلّمون» جمع است: معلمان / «یشجعون» (تشویق می‌کنند) / «طلّاهُم»: دانش‌آموزان خود را / «إلی التّمتّع» به بهره بردن / «فرص الخیر» فرصت‌های خوب / «إغتنامها» غنیمت شمردن آن‌ها

۳۱۷۳-گزینهی ۱ لی (معادل أدقّ برای «نزد من» نیست)، معصية لک (صورت صحیح: «معصیتک»)

۳۱۷۴-گزینهی ۲ ۱) گسترش (معادل أدقّ برای «تقدّم» نیست)، علم («علمی» صفت است برای «تقدّم» نه مضاف‌الیه، یعنی پیشرفت‌کننده «المسلمین» است نه «علم»)، هر عرصه‌ای («مجالّات» جمع است، هر عرصه‌ای = کلّ مجال)، بودند (زمان در جمله‌ی عربی حال است نه ماضی) / ۳) هستند که ... (چنین ساختاری در عربی می‌شود: هُم الذّین)، علم (توضیحات گزینهی ۱)، می‌شوند (چنین فعلی در عبارت عربی نیست) / ۴) مطابقتی میان مفهوم عبارت فارسی با عربی وجود ندارند.

۳۱۷۵-گزینهی ۱ ۳) دانشمندان مسلمان (چنین ترکیبی در عبارت عربی وجود ندارد)، متفاوتی (متعدّدة: متعدد بسیار) / ۲) علماء مسلمانان (چنین ترکیبی در عبارت عربی وجود ندارد)، ما را متعجب کرده است (تَبَعْتُ: برمی‌انگیزد) / ۴) آن‌جا «هناک» در این‌جا اصطلاحاً به معنای «وجود دارد» است، شگفت‌آور (تَبَعْتُ: بر می‌انگیزد، العجب: تعجب)

۳۱۷۶-گزینهی ۲ ۱) اسلام (الاسلامیة: صفت نسبی یا اسم منسوب)، آن (ها: مرجع آن، الخیرات: آن‌ها)، بنده: مفرد (العباد: بندگان: جمع)، بوده است: ماضی (زمان جمله عربی حال می‌باشد) / ۳) جامعه (الامه: ملت)، برکات (الطّیبات: روزی‌های پاکیزه)، ما (در جمله‌ی عربی وجود ندارد) / ۴) در اجتماع اسلامی (در جمله‌ی عربی وجود ندارد)، همگی (کلها: همگی آن‌ها)، بردگان (العباد: بندگان، عید به معنی برده جمع آن عبید است اما در معنی بنده جمع آن عباد می‌شود).

۳۱۷۷-گزینهی ۲ ۱) فرصت (الفرص صورت صحیح: فرصت‌ها)، تشویق می‌کند (شَجَّعَ: ماضی، تشویق کرد) / ۳) گوش فرا مده (لا تَسْمَعْ: اجازه مده)، ترک مکن (أَنْ تترك: که ترک کند، مضارع منصوب للغایبه، معادل مضارع التزامی فارسی است) / ۴) تعالی (در جمله‌ی فارسی لحاظ نشده است)، آفریدگان را (مخلوقات: آفریدگانش را)

۳۱۷۸-گزینهی ۳ ۱) نعمته (نعمت او!)، علیه (معادل أدقّ برای «بر خویشان» نیست) / ۲) نُهی (مبنی للمجهول!)، انفسه (جمع!) / ۴) تحریمه (ضمیر «ه» زائد است)، النعمة (مفرد!)

۳۱۷۹-گزینهی ۱ ۲) علماء المُسلمین (صورت صحیح: «العلماء المسلمون»)، کان یکتسبون (کسب می‌کردند)، علمی (صورت صحیح: «علمیة» / ۳) عظماء الاسلام (بزرگان اسلام!)، کانوا یکسبون (توضیحات گزینهی ۲)، المقامات (ترجمه‌ی أصح و أدقّ برای درجات نیست)، قرون

الاولی (صورت صحیح: «القرون الاولی» / ۴) علماء (صورت صحیح: «العلماء»)، کسبوا (فعل ماضی، کسب کردند!)، مکانه عالیه (جایگاهی والا!)

۳۱۸۰-گزینهی ۴ ۱) النعمه: مفرد (نعمت‌های: النعم، جمع)، برای حرکت (للحركة) / ۲) الإلهی: صفت و مذکر، المواهب: موصوف و جمع مکسر که صفت آن به صورت مفرد مؤنث می‌آید: الالهیه، کالرزق و الوسیله: معرف بآل (به عنوان روزی و وسیله‌ای، نکره: رزق و وسیله) / ۳) به عنوان رزق و روزی و وسیله‌ای در ترجمه‌ی عربی این عبارت لحاظ نشده است.

۳۱۸۱-گزینهی ۳ ۱) در جستجوی (کان یبحثون: در جستجو بودند)، لذلک (در جمله‌ی فارسی لحاظ نشده است) / ۲) در پی ... رفته بودند (توضیحات گزینهی ۱)، کوچ کرده بودند (یرحلون: مضارع، کوچ می‌کردند) / ۴) به خاطر (ترجمه‌ی أصح برای «عن» نیست)، به تحقیق پرداخته (توضیحات گزینهی ۱) / مهاجرت کرده بودند (توضیحات گزینهی ۲)

۳۱۸۲-گزینهی ۴ ۱) مقام: معرفه (مکانه: مقامی، نکره)، علم: مفرد (علوم: علم‌ها، جمع)، به دست آوردند: ماضی (کان ... قد اکتسبوا: ماضی بعید به دست آورده بودند) / ۲) ایران: به صورت اضافه آمده (الایرانیون: ایرانی، صفت نسبی)، درجات: جمع و معرفه (مکانه: مفرد و نکره، مقامی)، کسب کرده‌اند: ماضی نقلی (کان ... قد اکتسبوا توضیحات گزینهی ۱) / ۳) اکتساب ... تلاش کردند (کان ... قد اکتسبوا: کسب کرده بودند)

۳۱۸۳-گزینهی ۲ «التّاس، أن یتروکا و سبب» در گزینهی ۱) درست نیستند / «الوصول» در گزینهی ۳) درست نیست. / «لا یسمح، أن یدع و وسیله» در گزینهی ۴) نادرست هستند.

۳۱۸۴-گزینهی ۴ «یجب علی الطّالبات»: بر دانش‌آموزان واجب است، دانش‌آموزان باید، «أَنْ لا ینسین»: که فراموش نکنند، «مسؤولیتهن»: مسوولیت خود را، «تجاة»: در برابر، «بلادهن»: سرزمینشان.

۳۱۸۵-گزینهی ۲ ۱) «حین النّظر»: هنگامی که نظر می‌افکنیم (صورت صحیح: هنگام نگاه کردن)

۳) النّظر: دیدن (صورت صحیح: نگاه کردن)، تأخذنا الدهشة: شگفت زده شدیم (صورت صحیح: تعجب ما را فرا می‌گیرد)، لأنّنا ... زیرا مواجه ... شدیم (صورت صحیح: برای این که ... می‌یابیم)

۴) حین النّظر: هنگامی که نگاه ما ... افتاد (صورت صحیح: مانند (۱))، کنا نعتقد: مورد اعتقاد ما بود (صورت صحیح: معتقد بودیم)

۳۱۸۶-گزینهی ۲ زیرا معادل کلمات عبارت مذکور چنین است: «بینما»: در حالی که / «كان الغرب یدخل»: غرب قرار می‌داد / «علماء»: علمای خود را، علمایش را / «زمرة المارقین»: زمره از دین برگشتگان / «كان المسلمون یبحثون»: مسلمانان جستجو می‌کردند / «أقصى النقاط»: دورترین نقاط

۳۱۸۷-گزینهی ۱ زیرا صحیح کلمات عبارتند از: «لا یسمع»: اجازه نمی‌دهد / «لک»: به تو / «أَنْ تترك»: که ترک کنی، که رها کنی / «الذّیاء»: دنیا / «بذریعه»: به بهانه / «الحصول»: دست یافتن / «علیک أن تجعل»: تو باید قرار دهی / «للعقبی»: برای آخرت

۳۲۰۳-گزینہی ۴ برای «فاطمه» فعل باید «مِشِی» باشد با حذف نون این فعل در اصل، «تَمَشِیَن» بوده است.

۳۲۰۴-گزینہی ۱ در گزینہی (۱) منادای مضاف و منصوب است و در گزینہ‌های (۲) و (۳) و (۴) «أَيُّ» «طِفْلَةٌ» و «جَنُودٌ» منادای نکره‌ی مقصوده مبنی بر ضمّ و محلاً منصوب هستند.

۳۲۰۵-گزینہی ۴ وجود ضمیر مخاطب «أَنْتَ» در گزینہی (۱) و «كُنْ» در گزینہی (۲) و «ك» در گزینہی (۳) و فعل‌های مخاطب «لا تُعْرَضُ» و «لا تَرَدُّ» نیز نشان می‌دهند در این گزینہ‌ها منادا به کار رفته است. ولی در گزینہی (۴) «يَسْتَجِيبُ» خبر برای «رَبُّ» است.

۳۲۰۶-گزینہی ۴ «رَبُّ»، «أُمِّي»، «ذَا» منادای مضاف هستند ولی «أُمُّ» منادای نکره‌ی مقصوده است.

۳۲۰۷-گزینہی ۴ «الهي»، «الهنّا»، «قوم» منادای مضافند. دقت کنید که «يا قوم» در اصل «يا قومي» بوده که «ياء» آن حذف شده و به جای آن کسره قرار گرفته است.

۳۲۰۸-گزینہی ۴ باتوجه به مونث بودن «الارض»، «أَيْتُهَا» درست است.

۳۲۰۹-گزینہی ۱ در گزینہی (۱) «قَوَّ» فعل امر از «ق و ی» از باب تفعیل است.

در گزینہی (۲) «أَفَرَّ» از «ف ر» است. پس مضاعف است.

در گزینہی (۳) «عُدُّوا» از «ع د» است. پس مضاعف است.

در گزینہی (۴) «تَمَنَّ» از «م ن ن» است. پس مضاعف است.

۳۲۱۰-گزینہی ۴ با توجه به مؤنث بودن «العین»، «أَيْتُهَا» درست است.

۳۲۱۱-گزینہی ۳ «أَيُّ» در این گزینہ منادای نکره‌ی مقصوده، مبنی بر ضمّ و محلاً منصوب است.

در سایر گزینہ‌ها «اله»، «ذَا» و «طالِبَةٌ» منادای مضافند.

۳۲۱۲-گزینہی ۳ در گزینہی (۳) «واو»، واو قسم است که جزء حروف جازّۀ است.

۳۲۱۳-گزینہی ۱ مخاطب نبودن جمله‌ی بعد از «أولادی» نشان دهنده‌ی منادا نبودن «أولادی» است. پس فعل «اجْتَمَعُوا» است که غایب است.

۳۲۱۴-گزینہی ۲ درست این گزینہ «يا مخطیء» است.

۳۲۱۵-گزینہی ۲ با توجه به مخاطب بودن باید به «كَمْ تَسْعَى لخدمَةِ جسمک» تغییر یابد.

۳۲۱۶-گزینہی ۲ «طالِباً» به عنوان منادای مضاف، تنوین نمی‌پذیرد.

۳۲۱۷-گزینہی ۱ «طالِبُ» منادای نکره‌ی مقصوده مبنی بر ضمّ و محلاً منصوب است.

۳۱۸۸-گزینہی ۳ زیرا صحیح کلمات آن چنین است: «علینا»: ما باید / «تَسْعَى»: تلاش کنیم / «للاستفاده»: برای استفاده / «النعم»: نعمت‌ها / «طریق الکمال»: راه کمال / «فَمَنْ»: پس هر کس / «ضَیْع»: تباه سازد

۳۱۸۹-گزینہی ۳ در این گزینہ «رَبُّ» مبتدا است.

۳۱۹۰-گزینہی ۴ گزینہی (۱): منادای نکره‌ی غیر مقصوده یا شبه مضاف است. / گزینہی (۳): منادای مفرد از نوع نکره مقصوده است. / گزینہی (۲): منادای نکره مقصوده است. / گزینہی (۴): یا ربّی بوده است که (مضاف‌الیه) حذف شده است.

۳۱۹۱-گزینہی ۲ «الطّالِبُ» منادی نیست بلکه تابع منادی است و مرفوع. (چون مشتق است صفت گرفته می‌شود).

۳۱۹۲-گزینہی ۱ «واو» در گزینہی (۱)، قسم و در سایر گزینہ‌ها عاطفه است.

۳۱۹۳-گزینہی ۲ اصلاحات سایر گزینہ‌ها به شرح زیر است:

(۱) یا مُحَمَّدُ / (۳) أَيْهَا الطّالِبُ / (۴) یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

۳۱۹۴-گزینہی ۴ در گزینہی (۱)، منادی مثنی می‌باشد «صَدِيقَيْنِ + ی» که نون آن حذف شده است لذا فعل جمله باید مثنی شود. در گزینہی (۲)، منادای مضاف است پس «أَرْحَمَ» درست است. در گزینہی (۳)، به جای «رَبِّک» باید «رَبِّکُم» باشد.

۳۱۹۵-گزینہی ۲ چون فعل «استغفر» در جای خالی دوم مفرد است و باید منادا مفرد باشد ولی «ابناء الامة» جمع است که با فعل مطابقت ندارد.

۳۱۹۶-گزینہی ۱ در گزینہی (۱) وقتی جمع مذكر سالم به کلمه‌ی بعدی اضافه می‌شود نون حذف می‌شود.

۳۱۹۷-گزینہی ۳ در گزینہی (۱) و (۲) واو حرف عطف است و در گزینہی (۳) واو قسم است و گزینہی (۴) واو عطف است.

۳۱۹۸-گزینہی ۴ افعال مضاعف در حالت مجزومی به جای سکون، با فتحه ظاهر می‌شوند: «رُدَّ- لَا تَرُدُّ- لَمْ تُسَرَّ»

۳۱۹۹-گزینہی ۳ «قدس» منادی علم است لذا ضمّه می‌گیرد. «مدینة» (شهر) منادی مضاف و منصوب است.

۳۲۰۰-گزینہی ۴ منادی علم، تنوین نمی‌گیرد (رَدّ گزینہی (۱)، منادای مضاف، منصوب است پس أباالفضل درست است (رَدّ گزینہی (۲)، اسم بعد از «أَيُّها» باید «ال» داشته باشد. (رَدّ گزینہی (۳))

۳۲۰۱-گزینہی ۲ «علماء»: منادی مضاف و منصوب / «الأمة»: مضاف‌الیه و مجرور / «وَجَدْنَا»: فعل ماضی متکلم مع الغير / «آراء»: مفعول و منصوب و نکره و تنوین‌دار چون منصرف است / «نظريات»: معطوف و منصوب با اعراب فرعی / «كثيرة»: صفت و منصوب / «أَخَذْتُ»: فعل ماضی صیغه‌ی چهارم / «الدّهشة»: فاعل و مرفوع

۳۲۰۲-گزینہی ۴ «تَجُود» اعلان به اسکان دارد. سایر گزینہ‌ها درست هستند. ضمنا «غیر» خبر «كنت» است که از افعال ناقصه است. و «إله» منادی مضاف و منصوب تقدیراً است.

۳۲۱۸-گزینه‌ی ۴ فعل‌های عبارت «یَسِّر» و «لَا تُعَسِّر» هیچ‌کدام

مضاعف نیستند (از باب تفعیل هستند). ریشه‌ی فعل‌ها: «یسر-عسر»

۳۲۱۹-گزینه‌ی ۲ بعد از «رَبِّ» فعل غایب آمده، پس «رَبِّ»

مخاطب و منادی نیست.

۳۲۲۰-گزینه‌ی ۱ «یا قوم» در اصل «یا قومی» بوده و منادی

مضاف است.

نوع منادا در سایر گزینه‌ها: (۲) من (نکره مقصوده) / (۳) أَيْ (نکره مقصوده) / (۴) اللَّهُمَّ (منادی علم)

۳۲۲۱-گزینه‌ی ۳ صورت صحیح: «أَيُّهَا الشَّمْسُ! متى تظهرين

فی السماء؟»

۳۲۲۲-گزینه‌ی ۳ حرف «و» در این‌جا از حروف عطف می‌باشد.

۳۲۲۳-گزینه‌ی ۴ «أَيْ» اسم استفهام است و بنابراین در این

گزینه منادی وجود ندارد. در سایر گزینه‌ها «صدیقه، أُم و شاعر» منادا می‌باشند.

۳۲۲۴-گزینه‌ی ۲ در گزینه‌ی (۱)، «أُخْتَا» منادی مضاف است

و باید با اعراب نصبی بیاید. در حالی‌که مرفوع است (اسم مثنی در هنگام رفعی با «الف» و در حالت‌های نصبی و جرّی با «ی» می‌آید) شکل صحیح گزینه‌ی (۱)، در گزینه‌ی (۲) آمده است. «أُخْتَيَّ» در اصل، «أُخْتَيْنِ + ی» بوده است که نون «أُخْتَيْنِ» به دلیل مضاف واقع شدن این اسم مثنی حذف شده است. / در گزینه‌ی (۳)، «ذی» باید به «ذا» تبدیل شود زیرا معطوف به «ذا» (اول جمله) می‌باشد. «ذا»، منادی مضاف و معرب و منصوب است. / در گزینه‌ی (۴)، کلمه‌ی «التَّنْفِيس» مؤنث مجازی- معنوی است. لذا «أَيُّهَا» باید به «أَيُّهَا» تبدیل شود.

۳۲۲۵-گزینه‌ی ۱ کلمه‌ی «مُفَكِّرِينَ» چون منادی مضاف

می‌باشد نون باید حذف شود. «یا مُفَكِّرِی الْعَالَمِ»

۳۲۲۶-گزینه‌ی ۲ در این گزینه بعد از «رَبِّی» خبر آمده و مورد

«ندا» قرار نگرفته است.

۳۲۲۷-گزینه‌ی ۳ «أَيُّهَا الْبَدِ» درست است چون «بَدِ» مؤنث است.

۳۲۲۸-گزینه‌ی ۴ «رَبَّنَا اقض...» با توجه به فعل امر حاضر

«إِقْضِ» کلمه‌ی «رَبِّ» مورد ندا قرار گرفته است. در سه گزینه‌ی دیگر کلمه‌ی «رَبِّ» مبتدا می‌باشد.

۳۲۲۹-گزینه‌ی ۴ «علماء»: منادی مضاف و منصوب /

«الإِسْلَامُ»: اسم کان و مرفوع / «تَقَدَّمَ»: مضاف‌الیه و مجرور / «العلمی»: صفت و مجرور تابع «تَقَدَّمَ»

۳۲۳۰-گزینه‌ی ۳ در این گزینه، اسلوب ندا، درست به کار

رفته است چون کلمه‌ی «الْأَغْنِيَاءُ»، اسم دارای «أَلَّ» است و باید «یا أَيْهَا الْأَغْنِيَاءُ» باشد.

۳۲۳۱-گزینه‌ی ۱ باتوجه به این‌که فعل «أَكْرِمُوا» امر جمع مذکر

است، پاسخ درست «التَّلَامِيذُ» می‌باشد و تابع «أَيْ» و مرفوع به تبعیت است.

۳۲۳۲-گزینه‌ی ۴ چون اسم جمع مذکر «مُجْتَهِدِينَ» منادی

مضاف است، باید در حالت اضافه شدن «نون» آن حذف گردد (←) یا مُجْتَهِدِی الْمُدْرَسَةِ.

۳۲۳۳-گزینه‌ی ۱ «الأَرْضُ» مؤنث است و «أَيُّهَا» صحیح است.

۳۲۳۴-گزینه‌ی ۳ با توجه به این‌که فعل ماضی «سَخَّرَ» به

صیغه‌ی غایب آمده است، کلمه‌ی «رَبِّ» در ابتدای این گزینه، مبتدا و مرفوع است. در سایر گزینه‌ها اسم‌ها در ابتدای جمله‌ها، منادا است ولی حرف ندای آن‌ها به منظور تخفیف، حذف شده است.

۳۲۳۵-گزینه‌ی ۳ «صاحب» مبتدا و مرفوع است. مفهوم

عبارت «صاحب قدرت محرومان را از یاد نمی‌برد» می‌باشد.

۳۲۳۶-گزینه‌ی ۴ «الظَّالِمِينَ» در گزینه‌ی (۴) صفت برای منادی

«أَيُّ» بوده و به تبعیت از آن باید مرفوع باشد، یعنی «الظَّالِمُونَ» صحیح است.

۳۲۳۷-گزینه‌ی ۲ نقش کلمات فوق به ترتیب عبارتند از:

«علماء»: منادی مضاف و منصوب با فتحه / «الإِسْلَامُ»: اسم کان و مرفوع با ضمه / «تَقَدَّمَ»: مضاف‌الیه و مجرور با کسره

۳۲۳۸-گزینه‌ی ۲ منادی معمولاً به صیغه‌ی مخاطب یا متکلم

است نه غایب که فقط در این گزینه این موضوع رعایت شده است. «ای صادق در وعده! وعده‌ات را انجام بده». اما در گزینه‌های دیگر با توجه به معنای جمله‌ها نمی‌تواند منادی باشد، و همگی با مبتدا شروع شده‌اند: گزینه‌ی (۱) «پروردگار ما به آنچه در سینه‌های ماست داناتر است.» / گزینه‌ی (۳) «الله کسی است که به هر چیزی خلقت آن را عطا کرده است.» / گزینه‌ی (۴) «اهل بیت نزد همه‌ی مسلمانان محبوب‌اند.»

۳۲۳۹-گزینه‌ی ۲ منادا اگر «مفرد» (یک کلمه) باشد، مبنی

علی‌الضَّمّ خواهد بود (یا رضی). در سایر گزینه‌ها منادی مضاف به کار رفته است که منصوب‌اند.

۳۲۴۰-گزینه‌ی ۱ «واو» در این عبارت در میان جمله و بین دو

اسم آمده است، بنابراین فقط حرف عطف است.

۳۲۴۱-گزینه‌ی ۴ در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) علامت اعراب

منادی، به علت مضاف بودن به «ی» متکلم تقدیری است. در گزینه‌ی (۴)، علامت اعراب فرعی است (یاء)، زیرا در اصل «طالِبِينَ» بوده که نون آن به دلیل مضاف شدن افتاده است.

۳۲۴۲-گزینه‌ی ۴ گزینه‌ی (۱) إِلَیَّ (ص): «إِلَیَّ»، حرف جار

فقط، الدَّهْشَةُ (ص): «الدَّهْشَةُ»، فاعل و مرفوع / گزینه‌ی (۲) نَظَر (ص): «نَظَر»، مبنی للمعلوم است.، أَخَذْتُ (ص): «أَخَذْتُ»، صیغه للغائبه است چون برای «الدَّهْشَةُ» آمده است. / گزینه‌ی (۳) أَخَذْتُ (ص): «أَخَذْتُ»، مبنی للمعلوم است.، بَشَدَّةٍ (ص): «بَشَدَّةٍ»، علتی برای حذف تنوین نیست.

۳۲۴۳-گزینه‌ی ۱ «خداوند به مسلمانان از جانب خود رحمتی

را وعده می‌دهد.» با توجه به معنای عبارت، «الله» مبتدا می‌باشد، اما در سه گزینه‌ی دیگر «أَبی، الله، مسلمون» می‌توانند منادا باشند.



The image features a large, glowing yellow sphere in the center, resembling a sun or moon, set against a dark brown background with vertical wood grain. The sphere has a bright, circular glow around it. The text "eBayFarsi" is written across the sphere in a stylized font, with "eBay" in white and "Farsi" in pink. Below the sphere, there is a horizontal band of lighter brown, and at the bottom, a dark brown area with a radial light effect emanating from the center.

eBayFarsi

بازارچه خرید و فروش کتاب و محصولات آموزشی ایبی فارسی

<http://eBayFarsi.com>

مجله آنلاین نقد و بررسی محصولات آموزشی ایبی فارسی

<http://mag.eBayFarsi.com>

<http://ebayfarsi.com>